



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# مرگ اندیشی در آموزه‌های اسلامی

محمدحسین مظفری ورسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی

نویسنده:

محمدحیدر مظفری و رسی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۴	دیبچه
۲۶	پیشگفتار
۲۸	فصل اول: کلیات
۲۸	اشاره
۲۸	۱. مفهوم شناسی
۳۰	۲. ضرورت تحقیق
۳۱	۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی ۱
۳۱	اشاره
۳۱	الف) مرگ اندیشی در قرآن
۳۱	اشاره
۳۱	یک - تشبیه مرگ به خواب
۳۳	دو - تشبیه و تمثیل به امور طبیعی
۳۴	سه - بیان داستان ها
۳۵	ب) مرگ اندیشی در سیره پیشوایان معصوم(ع)
۴۲	ج) نکات پندآموز در گفتار صالحان و دانشمندان
۴۳	د) نکات تربیتی و برنامه ای
۴۵	فصل دوم: مرگ اندیشی در اندیشه اسلامی و غیراسلامی
۴۵	اشاره
۴۵	۱. هویت مرگ در اندیشه اسلامی

۴۵ ..... اشاره

۴۶ ..... الف) مخلوق بودن مرگ

۴۷ ..... ب) انواع مرگ در اندیشه اسلامی

۴۷ ..... اشاره

۴۷ ..... یک - مرگ روحی یا قلبی -

۵۰ ..... دو - مرگ ظاهری و جسمی

۵۲ ..... ج) آغاز زندگی نوین پس از مرگ

۵۴ ..... د) اجتناب ناپذیر بودن مرگ

۵۶ ..... ه) عمومی بودن مرگ

۵۸ ..... و) نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

۵۸ ..... اشاره

۵۹ ..... چرایی و نقش تربیتی نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

۶۲ ..... ز) مجریان مرگ

۶۴ ..... ح) ترس از مرگ در اندیشه اسلامی

۶۴ ..... اشاره

۶۴ ..... یک - ریشه یابی ترس از مرگ

۶۶ ..... دو - هدایت و جهت دهی ترس از مرگ

۶۸ ..... ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی

۶۸ ..... اشاره

۶۹ ..... یک - تمنای نکوهیده مرگ

۷۰ ..... دو - تمنای ستوده مرگ

۷۰ ..... ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام

۷۲ ..... ۲. مرگ در اندیشه غیراسلامی

۷۲ ..... اشاره

۷۲ ..... الف) عمومی بودن مرگ

۷۴ ..... ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن

۷۴	..... اشاره
۷۴	..... ادیان آسمانی
۷۴	..... اشاره
۷۶	..... اول _ کج اندیشی ها درباره مرگ، در یهود و نصارا
۷۸	..... دوم _ پیامد های انحراف مرگ اندیشی در ادیان
۷۹	..... سوم _ تبیین هویت مرگ در اندیشه های مادی گرایانه
۷۹	..... اشاره
۷۹	..... _ تجربه های مادی و نیست انگاری
۸۱	..... _ چیرگی بر ترسناکی مرگ
۸۲	..... ۳. مقایسه پیامدهای دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی
۸۲	..... اشاره
۸۲	..... الف) اندیشه اسلامی
۸۳	..... ب) اندیشه غیراسلامی
۸۳	..... موضوع های کاربردی در رسانه
۸۳	..... اشاره
۸۳	..... ۱. میزگردها
۸۴	..... ۲. طرح پرسش های مردمی
۸۵	..... فصل سوم: موانع، راهکار ها و آسیب های مرگ اندیشی
۸۵	..... اشاره
۸۵	..... ۱. موانع مرگ اندیشی
۸۵	..... اشاره
۸۶	..... الف) نسیان
۸۸	..... ب) غفلت از مرگ
۹۰	..... ج) آرزوی دراز
۹۲	..... د) دنیا گرایی
۹۴	..... هـ) رهبران فاسد و ستم پیشگان

- ۹۵ ..... (و) دام های فریبنده شیطان
- ۹۶ ..... (ز) دوستان ناباب
- ۹۸ ..... (ح) تکیه بر نیروی جوانی
- ۹۹ ..... (ط) دور دانستن زمان مرگ
- ۱۰۱ ..... (ی) خودبینی
- ۱۰۱ ..... ۲. راهکارهای تقویت مرگ اندیشی
- ۱۰۱ ..... اشاره
- ۱۰۲ ..... الف) مرگ باوری
- ۱۰۴ ..... ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ
- ۱۰۴ ..... اشاره
- ۱۰۴ ..... یک \_ حالت احتضار(جان دادن)
- ۱۰۵ ..... دو \_ چگونگی جان دادن خوبان
- ۱۰۷ ..... سه \_ چگونگی جان دادن بدکاران
- ۱۰۹ ..... چهار \_ مشاهدات هنگام مرگ
- ۱۰۹ ..... اول \_ دیدن حقیقت کردار گذشته و جایگاه خود در آینده
- ۱۱۱ ..... دوم \_ دیدن فرشتگان الهی
- ۱۱۱ ..... سوم \_ دیدار ائمه معصوم(ع) هنگام مرگ
- ۱۱۳ ..... چهارم \_ حضور پیشوایان معصوم(ع) در بالین دشمنان
- ۱۱۴ ..... پنچ \_ عوامل سخت جان دادن
- ۱۱۴ ..... اول \_ ظلم و ستم
- ۱۱۴ ..... دوم \_ سه طایفه از امت اسلام
- ۱۱۴ ..... سوم \_ کسی که زکات نپردازد
- ۱۱۵ ..... چهارم \_ نارضایتی شوهر
- ۱۱۵ ..... پنجم \_ نارضایتی والدین
- ۱۱۵ ..... ششم \_ خیانت در امانت
- ۱۱۵ ..... هفتم \_ همکاری با ظالمان



- شش \_ عوامل آسان جان دادن ..... ۱۱۷
- اول \_ محبت علی(ع) ..... ۱۱۷
- دوم \_ قرائت قرآن ..... ۱۱۷
- سوم \_ خواندن بعضی سوره ها ..... ۱۱۷
- چهارم \_ اهمیت دادن به نماز ..... ۱۱۹
- پنجم \_ نماز در شب جمعه ..... ۱۱۹
- ششم \_ صله رحم و نیکی به پدر و مادر ..... ۱۲۱
- هفتم \_ روزه ..... ۱۲۱
- هشتم \_ کمک به نیازمندان ..... ۱۲۱
- نهم \_ وضو داشتن ..... ۱۲۳
- ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران ..... ۱۲۳
- د) شرکت در تشییع جنازه ..... ۱۲۴
- هـ) زیارت قبور ..... ۱۲۶
- و) اندیشه در آثار پیشینیان ..... ۱۲۷
۳. آسیب های مرگ اندیشی ..... ۱۲۹
- اشاره ..... ۱۲۹
- الف) ناامیدی ..... ۱۲۹
- ب) زهد گرایی منفی ..... ۱۳۰
- موضوع های کاربردی در رسانه ..... ۱۳۱
- اشاره ..... ۱۳۱
۱. احتضار و مسائل مربوط به آن ..... ۱۳۱
۲. بررسی عوامل آسان جان دادن ..... ۱۳۱
۳. بررسی عوامل سخت جان دادن ..... ۱۳۳
۴. پرسش های مردمی ..... ۱۳۳
- فصل چهارم: آثار مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن ..... ۱۳۵
- اشاره ..... ۱۳۵

۱. آثار مرگ اندیشی ..... ۱۳۵
- اشاره ..... ۱۳۵
- الف) آثار فردی ..... ۱۳۵
- اشاره ..... ۱۳۵
- یک \_ تعدیل غرایز ..... ۱۳۶
- دو \_ دوری از تکبر ..... ۱۳۸
- سه \_ بیرون شدن از غفلت ..... ۱۳۹
- چهار \_ از بین رفتن آرزوهای طولانی ..... ۱۳۹
- پنج \_ رهایی از گرایش های فریبنده دنیایی ..... ۱۴۱
- شش \_ مراقبه و محاسبه کردار ..... ۱۴۵
- هفت \_ تقویت امید به وعده های خداوند ..... ۱۴۷
- هشت \_ انجام عمل صالح ..... ۱۴۸
- نه \_ زنده دلی و درک واقعیت ها ..... ۱۵۰
- ده \_ جلب محبت خداوند ..... ۱۵۱
- یازده \_ حشر با شهدا ..... ۱۵۲
- دوازده \_ انجام فریضه وصیت ..... ۱۵۳
- سیزده \_ مبادرت بر توبه ..... ۱۵۴
- ب) آثار اجتماعی مرگ اندیشی ..... ۱۵۸
- اشاره ..... ۱۵۸
- یک \_ رعایت عدالت ..... ۱۵۸
- دو \_ پایداری در حفظ ارزش های دینی ..... ۱۶۰
- سه \_ پرورش اخلاق اجتماعی ..... ۱۶۲
- چهار \_ تحمل مصیبت ها ..... ۱۶۳
- پنج \_ سرعت در انجام کارهای خیر ..... ۱۶۴
۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی ..... ۱۶۵
- اشاره ..... ۱۶۵

- الف) طغیان گرایز ..... ۱۶۵
- ب) بدبینی به خداوند ..... ۱۶۷
- ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت ..... ۱۶۸
- د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا ..... ۱۶۹
- موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه ..... ۱۷۱
- کتاب نامه ..... ۱۷۳
- درباره مرکز ..... ۱۸۴

سرشناسه: مظفری ورسی، محمدحیدر، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی / محمدحیدر مظفری ورسی؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما .

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۳۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۸-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مرگ -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: مرگ -- جنبه های اخلاقی

موضوع: مرگ -- جنبه های روان شناسی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۴۱۳۸۸ م ۵۵۵/۲۲/۲۲۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۷۲۰۳۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

مرکز آندیشی در آموزه های اسلامی

کد: ۱۱۳۹

نویسنده: محمدحیدر مظفری ورسی

ویراستار: محبوبه ابرنجی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۸۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ \_ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

[info@irc.ir](mailto:info@irc.ir) [www.irc.ir](http://www.irc.ir)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۸-۵ / ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۸-۵ ISBN:

## فهرست مطالب

دبیاچه ۱

پیشگفتار ۳

فصل اول: کلیات ۵

۱. مفهوم شناسی ۵

۲. ضرورت تحقیق ۶

۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی ۷

الف) مرگ اندیشی در قرآن ۷

یک \_ تشبیه مرگ به خواب ۷

دو \_ تشبیه و تمثیل به امور طبیعی ۸

سه \_ بیان داستانها ۹

ب) مرگ اندیشی در سیره پیشوایان معصوم (ع) ۱۰

ج) نکات پندآموز در گفتار صالحان و دانشمندان ۱۶

د) نکات تربیتی و برنامه‌های ۱۸

فصل دوم: مرگ اندیشی در اندیشه اسلامی و غیراسلامی ۲۰

۱. هویت مرگ در اندیشه اسلامی ۲۰

الف) مخلوق بودن مرگ ۲۰

ب) انواع مرگ در اندیشه اسلامی ۲۱

یک \_ مرگ روحی یا قلبی ۲۱

دو۔ مرگ ظاہری و جسمی ۲۳

ج) آغاز زندگی نوین پس از مرگ ۲۵

(د) اجتناب ناپذیر بودن مرگ ۲۷

ه) عمومی بودن مرگ ۲۹

و) نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ ۳۱

چرایی و نقش تربیتی نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ ۳۲

ز) مجریان مرگ ۳۵

ح) ترس از مرگ در اندیشه اسلامی ۳۷

یک - ریشه یابی ترس از مرگ ۳۷

دو - هدایت و جهت دهی ترس از مرگ ۳۹

ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی ۴۱

یک - تمنای نکوهیده مرگ ۴۲

دو - تمنای ستوده مرگ ۴۳

ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام ۴۳

۲. مرگ در اندیشه غیراسلامی ۴۵

الف) عمومی بودن مرگ ۴۵

ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن ۴۶

یک - ادیان آسمانی ۴۶

اول - کج اندیشی ها درباره مرگ، در یهود و نصارا ۴۷

دوم - پیامد های انحراف مرگ اندیشی در ادیان ۴۹

سوم - تبیین هویت مرگ در اندیشه های مادی گرایانه ۵۰



— تجربه های مادی و نیست انگاری ۵۰

— چیرگی بر ترسناکی مرگ ۵۱

۳. مقایسه پیامدهای دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی ۵۲

الف) اندیشه اسلامی ۵۲

ب) اندیشه غیراسلامی ۵۳

موضوع های کاربردی در رسانه ۵۳

۱. میزگردها ۵۳

۲. طرح پرسش های مردمی ۵۴

فصل سوم: موانع، راهکارها و آسیب های مرگ اندیشی ۵۵

۱. موانع مرگ اندیشی ۵۵

الف) نسیان ۵۵

ب) غفلت از مرگ ۵۷

ج) آرزوی دراز ۵۹

د) دنیا گرایی ۶۱

هـ) رهبران فاسد و ستمپیشگان ۶۳

و) دام های فریبنده شیطان ۶۴

ز) دوستان ناباب ۶۵

ح) تکیه بر نیروی جوانی ۶۷

ط) دور دانستن زمان مرگ ۶۸

ی) خودبینی ۷۰

۲. راهکارهای تقویت مرگ اندیشی ۷۰

الف) مرگ باوری ۷۰

ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ ۷۲

یک \_ حالت احتضار (جان دادن) ۷۲

ترسیم لحظه جان دادن، در بیان علی (ع) ۷۳

دو \_ چگونگی جان دادن خوبان ۷۳

سه \_ چگونگی جان دادن بدکاران ۷۵

چهار \_ مشاهدات هنگام مرگ ۷۷

اول \_ دیدن حقیقت کردار گذشته و جایگاه خود در آینده ۷۷

دوم \_ دیدن فرشتگان الهی ۷۹

سوم \_ دیدار ائمه معصوم (ع) هنگام مرگ ۷۹

چهارم \_ حضور پیشوایان معصوم (ع) در بالین دشمنان ۸۱

پنج \_ عوامل سخت جان دادن ۸۲

اول \_ ظلم و ستم ۸۲

دوم \_ سه طایفه از امت اسلام ۸۲

سوم \_ کسی که زکات نپردازد ۸۲

چهارم \_ نارضایتی شوهر ۸۳

پنجم \_ نارضایتی والدین ۸۳

ششم \_ خیانت در امانت ۸۳

هفتم \_ همکاری با ظالمان ۸۳

شش \_ عوامل آسان جان دادن ۸۴

ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران ۸۷

د) شرکت در تشییع جنازه ۸۸

هـ) زیارت قبور ۹۰

و) اندیشه در آثار پیشینیان ۹۱

۳. آسیب های مرگ اندیشی ۹۳

الف) ناامیدی ۹۳

ب) زهد گرایی منفی ۹۴

موضوع های کاربردی در رسانه ۹۵

فصل چهارم: آثار مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن ۹۷

۱. آثار مرگ اندیشی ۹۷

الف) آثار فردی ۹۷

یک \_ تعدیل غرایز ۹۷

دو \_ دوری از تکبر ۹۹

سه \_ بیرون شدن از غفلت ۱۰۰

چهار \_ از بین رفتن آرزوهای طولانی ۱۰۰

پنج \_ رهایی از گرایش های فریبده دنیایی ۱۰۲

شش \_ مراقبه و محاسبه کردار ۱۰۴

هفت \_ تقویت امید به وعده های خداوند ۱۰۶

هشت \_ انجام عمل صالح ۱۰۷

نه \_ زنده دلی و درک واقعیت ها ۱۰۸

ده \_ جلب محبت خداوند ۱۰۹

یازده \_ حشر با شهدا ۱۱۰

دوازده \_ انجام فریضه وصیت ۱۱۱

سیزده \_ مبادرت بر توبه ۱۱۲

ب) آثار اجتماعی مرگ اندیشی ۱۱۵

یک \_ رعایت عدالت ۱۱۵

دو \_ پایداری در حفظ ارزش های دینی ۱۱۶

سه \_ پرورش اخلاق اجتماعی ۱۱۸

چهار \_ تحمل مصیبت ها ۱۱۹

پنج \_ سرعت در انجام کارهای خیر ۱۲۰

۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی ۱۲۱

الف) طغیان غرایز ۱۲۱

ب) بدبینی به خداوند ۱۲۲

ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت ۱۲۳

د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا ۱۲۴

موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه ۱۲۶

کتاب نامه ۱۲۸



## دبیاچه

دبیاچه

«اللّٰهُ يَتَوَفَّىٰ اِلَّا نَفْسٍ حَيِّنٍ مَّوْتِيهَا؛ خداوند ارواح را هنگام مرگ می گیرد». (زمر: ۴۲)

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

خرم آن روز که پرواز کنم تا بر دوست

به هوای سر کویش پرو بالی بزنم

(مولوی)

تمام ادیان آسمانی، به زندگانی پس از مرگ معتقد بوده اند و این عقیده از اساسی ترین روش های تربیتی مکتب های آسمانی است. در این میان، مکتب اسلام از آغاز بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بسیار جدی و اندیشمندانه از مرگ و زندگی پس از آن سخن به میان آورده و حقیقت و هویت مرگ را نه تنها نیستی نمی داند، بلکه آغاز زندگی تازه ای می داند که با عبور انسان از این جهان به جهان دیگر روی می دهد. بر این اساس، تمام خوشی ها و تلخی های زندگی پس از مرگ در جهان آخرت، به عملکرد آدمی در این جهان پیش از مرگ وابسته است.

بدین ترتیب، مرگ اندیشی تکلیف و واقعیتی است که فلسفه و راه های پرداختن به آن در قرآن و روایات معصومان(ع) به دقت بیان شده است و رهبران الهی نیز بر یادآوری مرگ به مردم تأکید می کردند. با توجه در مضمون مناجات های سفیران الهی و معلمان و مربیان دین درمی یابیم که اینان برای لحظه های خطرناک مرگ با سوز و گدازی عجیب از خداوند یاری



خواسته اند. برای نمونه، آنگاه که حضرت موسی بن جعفر (ع) ضمن مناجاتش با خداوند، سر به سجده می نهاد و عرضه می داشت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ. (۱)

پروردگارا راحتی در هنگام مرگ و بخشش وقت حساب را از درگاہت خواستارم.

درباره مرگ اندیشی علاوه بر دانشمندان مسلمان، دانشمندان غیرمسلمان نیز سخنان ارزنده ای بیان کرده اند. موریس مترلینگ می گوید:

مرگ عبارت است از تولدی جاودانه در گهواره ای از نور یا آتش. هرکس بخواهد تصور وجود مرگ را از ذهن خود دور کند، یا از آن بگریزد، بیشتر خود را در چنگال آن گرفتار می بیند و شیخ مرگ، مانع از دیدن همه چیز می شود. (۲)

فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام آقای محمدحیدر مظفری ورسی با بهره گیری از آموزش های تربیتی، به موضوع مرگ اندیشی و آثار و پیامدهای دوری از آن پرداخته است. امید است تلاش های محققانه ایشان، در جهت یاری به مسئولان فرهنگی به ویژه اصحاب رسانه ملی صدا و سیما به منظور تحقق اهداف برنامه سازی به کار آید.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۳۲۳.

۲- موریس مترلینگ، مرگ، ترجمه: فرامرز برزگر، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۶.

## پیشگفتار

## پیشگفتار

روزها فکر من این است و همه شب سختم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود؟

به کجا می روم آخر، نمایی وطنم؟

برخی موضوع ها همواره خارج از دسترس حس و تفکر آدمی است و تلاش او برای حل آنها نیازمند ابزار و راهگشایانی است تا در مسیر اندیشه ورزی و دست یافتن به واقعیت ها او را یاری رسانند.

یکی از این موضوع های پیچیده که افکار بشر را به خود مشغول ساخته، پدیده مرگ است. تمام انسان ها پس از سیر کوتاهی در دنیا، به ناچار گرفتار مرگ می شوند و دنیا را برای همیشه رها می سازند. بر همین اساس، بشر از دیرباز در این اندیشه است که مرگ و واقعیت های آن چیست؟ مرگ هر کس چه زمانی فرا می رسد؟ چگونه روح از بدن انسان خارج می شود؟ در لحظات جان دادن چه رخ می دهد؟ گیرنده روح کیست؟ چه عواملی در جدایی روح از بدن دخیل است؟ آیا انسان با مرگ فانی می شود یا زندگی جدیدی را آغاز می کند؟ این ندای درونی هر انسان است: «من کیستم؟»، «از کجا آمده ام؟» و «برای چه آمده ام؟»

از آنجا که مرگ یکی از آیات حکیمانه خداوند در نظام خلقت است و حقیقت آن همانند حقیقت حیات ناشناخته است، بشر با وجود بسیاری از پیشرفت های تحسین برانگیزش در رشته های گوناگون علوم، هنوز به حقیقت

مرگ و پرسش های پیرامون آن دست نیافته است. او در بیابان خشک اندیشه هایش در پی سراب به ظلمات نیست انگاری رسیده است، تمام گمان ها و معادله های مادی گرایانه اش در هم ریخته و پرسش هایی بدون پاسخ در خزانه ذهنش باقی مانده است.

در این میان، تنها ابزار مهم و مطمئن، معارف دینی است که منبع و راهگشای اصلی بشر در شناخت عوالم ماورایی و دور از دسترس اوست. دین، اندیشه ورزی انسان را از دام تخیلات و نیست انگاری ها نجات می بخشد و به راز های ناگشوده او پاسخ می دهد. آموزه های وحی در قرآن و روایات پیام آوران الهی درباره مرگ و واقعیت های آن، بسیار روشن و فهم پذیر است و هریک می تواند دفتر خردگرایی و اندیشه ورزی انسان را بگشاید و گوشه هایی از حقیقت مرگ را برایش آشکار سازد.

در نوشتار حاضر، سعی بر این است که براساس آموزه های قرآن و روایات پیشوایان معصوم (ع) به مرگ و حقیقت آن بپردازیم و با برگرفتن از آموزه های تربیتی، مسیر زندگی خود را به گونه ای ترسیم کنیم که آثار مثبت مرگ اندیشی، در تمام ابعاد زندگی ما آشکار شود.

## فصل اول: کلیات

### اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. مفهوم شناسی

۲. ضرورت تحقیق

۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی (۱)

### ۱. مفهوم شناسی

۱. مفهوم شناسی

مرگ: این واژه ریشه فارسی دارد و به معنای مردن، جان سپردن، بی جان شدن، از دست دادن نیروی حیوانی و حرارت غریزی، فنا شدن و نابودی بدن است. (۲)

معادل عربی آن واژگان موت، ممات و اجل است. در کتب لغت، موت به معنای از دست رفتن توان هر چیزی (۳) و فوت، به معنای گرفتن چیزی به تمام و کمال یاد شده است. (۴) همچنین، اجل به معنای پایان مدت، در قرآن زیاد آمده و مراد این است که هر موجودی وجودش محدود به مدتی است که خداوند آن را تعیین کرده و هیچ کس از مدت خود فراتر نخواهد رفت. (۵)

مرگ در اصطلاح دینی، عبارت است از انتقال از این جهان به جهان دیگر. (۶) برخی نیز با دیدگاه مادی گرایانه، مرگ را توقف حیات و نشانه های آن مانند قطع تنفس و ضربان قلب تعریف می کنند. (۷)

-۱

۲- مصطفی پاشنک، فرهنگ ریشه یابی واژگان، تهران، انتشارات محور، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵؛ محمد معین، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۰۴۳.

۳- ابی الحسن احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ هـ. ق، ج ۵، ص ۲۸۳؛ ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۹۰.

۴- عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۸۱.

- ۵- محمدحسین طباطبایی، معاد از دیدگاه طباطبایی، تحقیق: مرتضی متقی نژاد، قم، انتشارات عصر غیبت، ۱۳۸۲، ص ۵۳.
- ۶- سیدمجتبی موسوی لاری، مبانی اعتقادات در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۰۳.
- ۷- دیوید چایدستر، شور جاودانگی، ترجمه: غلام حسین توکلی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰، ص ۳۰.

اندیشه: این واژه در لغت به معنای فکر کردن، تأمل در کار و هدف‌گزینی (۱) و در اصطلاح به معنای به کار بردن خرد در رسیدن به کاوش فکری است. (۲)

تربیت: در لغت به معنای پرورش دادن برای به فعلیت رسانیدن نیروهای بالقوه است (۳) و در اصطلاح به معنای فراهم آوردن زمینه رشد در جنبه‌های مختلف و ارائه راه درست اندیشیدن، جهت رسانیدن آدمی به مرحله کمال انسانی است. (۴)

## ۲. ضرورت تحقیق

### ۲. ضرورت تحقیق

اندیشمندانانه ترین راه برای ارزیابی ضرورت هر کاری، این است که به آثار و جایگاه کاربردی آن توجه کرد.

نقش تربیتی و جایگاه اعتقادی و عملی مرگ اندیشی، به خوبی ضرورت‌های تحقیق درباره این موضوع را روشن می‌کند که عبارتند از:

الف) ضرورت اعتقادی: عقیده داشتن به مرگ و اتفاقاتی که در آن هنگام رخ می‌دهد و درحقیقت دروازه ورود به جهان آخرت است، از امور ضروری دین و جزو اصول دین به شمار می‌رود. (۵)

ب) ضرورت عملی و فردی: هر انسانی در انجام تکالیف و اعمال عبادی خود، نیاز به انگیزه دارد تا آن را با عشق و علاقه بهتر و برتر انجام دهد. از جمله انگیزه‌هایی که انسان را به حرکت هدفمند و می‌دارد، عقیده و اندیشه درست درباره مرگ و واقعیت‌های آن است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس

۱- فرهنگ معین، ج ۱، ص ۳۷۷؛ حسن عمید، فرهنگ عمید، دوره یک جلدی، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۶۲، ص ۱۶۴.

۲- سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳- لغت نامه دهخدا واژه «تربیت».

۴- عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲، ص ۳۹.

۵- معاد از دیدگاه طباطبایی، ص ۵۳.

زیاد در اندیشه مرگ باشد، پیوند محکمی با خداوند برقرار می سازد و تکالیف الهی را ترک نمی کند» (۱).

اینک با اندکی تأمل در مطالب یادشده درباره ضرورت مرگ اندیشی، جایگاه و لزوم نگارش یک اثر مستقل درباره نقش تربیتی مرگ، برای همگان آشکار می شود.

### ۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی ۱

#### اشاره

۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی (۲)

مسئله مرگ اندیشی در تمام ادیان آسمانی از جمله دین اسلام، یک برنامه تربیتی برای تکامل و سعادت انسان هاست. در این میان، مکتب اسلام از آغاز بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، بسیار جدی و اندیشمندانه از مرگ و زندگی پس از آن سخن به میان آورده که به مواردی اشاره می شود:

#### الف) مرگ اندیشی در قرآن

#### اشاره

الف) مرگ اندیشی در قرآن

مسئله مرگ اندیشی واقعیتی است که اساس آن در قرآن با شیوه های گوناگون بیان شده و راه را برای اندیشه گرایی در این زمینه باز کرده است. در اینجا فقط سه روش تربیتی قرآن توضیح داده می شود.

#### یک - تشبیه مرگ به خواب

یک - تشبیه مرگ به خواب

در برخی آیات، مرگ به خواب تشبیه شده است:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَيَّءٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (زمر: ۴۲)

خداوند ارواح را هنگام مرگ می گیرد و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب می گیرد، سپس ارواح کسانی را که فرمان مرگشان را صادر کرده، نگه می دارد و ارواح دیگری را تا سرآمد معین بازمی گرداند. در این امر نشانه هایی روشن است برای کسانی که می اندیشند.

---

۱- شیخ جواد کربلایی، الانوار الساطعه، دارالحديث، ج ۳، ص ۴۹۴.

۲- در این فصل هدف، روشن کردن این مطلب است که اساس تربیتی مرگ اندیشی در قرآن، سیره امامان معصوم و صالحان از جایگاه بالایی برخوردار است.



مرحوم فیض کاشانی در این باره می نویسد: «تشبیه خواب به مرگ برای این است که اندیشه آدمی را بیدار سازد؛ زیرا همان گونه که از خواب راه گریزی نیست، از مرگ نیز چنین است» (۱).

## دو \_ تشبیه و تمثیل به امور طبیعی

دو \_ تشبیه و تمثیل به امور طبیعی

یکی از روش های کاربردی قرآن در زمینه تربیتی، تشبیه و تمثیل است. خداوند متعال معانی پیچیده و مشکل را به مفاهیم ملموس و مجسم تشبیه کرده است. چنان که درباره حقیقت مرگ و نیز حالات انسان در آن هنگام، تمثیل ها و تشبیه های فراوانی در قرآن وجود دارد، از جمله می فرماید:

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا. (کهف: ۴۵)

[ای پیامبر!] زندگی دنیا را به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم و به واسطه آن گیاهان زمین در هم فرو می رود، ولی بعد از مدتی می خشکد و بادها آن را به هر سو پراکنده می کنند و خداوند به همه چیز تواناست.

در سوره مبارکه یونس نیز می فرماید:

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَطَنَ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (یونس: ۲۴)

مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم، در پی آن گیاهان زمین که مردم و حیوانات از آن می خورند، می روید تا زمانی که زمین، زیبایی خود را می یابد و آراسته می شود و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف می پندارند، [ناگهان] فرمان ما شب هنگام یا در روز [برای نابودی آنان] فرا می رسد و آنچنان آن را درو می کنیم که گویی دیروز در آن هیچ نبوده است. این گونه آیات خود را برای گروهی که می اندیشند، شرح می دهیم.

به تصریح آیات قرآن هدف از آوردن این نمونه ها تقویت اندیشه و تفکر آدمیان است:

«وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ خداوند برای مردم نمونه هایی می آورد تا شاید متذکر شوند.» (ابراهیم: ۲۵)

«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ این مثال هایی است که برای مردم بیان می کنیم، شاید در آن بیندیشند.» (حشر: ۲۱)

در برخی منابع آمده است، کاربرد تمثیل ها و تشبیه های قرآن از زندگی انسان به امور طبیعی مانند باد، باران و گیاهان، برای این است که به انسان گوشزد کند زندگی اش مانند آنها روزی به پایان خواهد رسید. (۱)

### سه \_ بیان داستان ها

سه \_ بیان داستان ها

داستان های قرآن در تربیت و هدایت انسان ها و ایجاد زمینه مرگ اندیشی نقش مؤثر و ارزشمندی دارند، چنان که خداوند به پیامبرش خطاب می کند: «فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ قصه ها را با آنها بازگو کن، شاید که فکر کنند.» (اعراف: ۱۷۶) همچنین، در سوره مبارکه روم در این باره می فرماید:

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا  
وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. (روم: ۹)

آیا در زمین گردش نکردند تا پایان کار کسانی را که پیش از ایشان بودند، بنگرند که آنها از اینان نیرومند تر بودند و زمین را بیش از ایشان دگرگون و آباد ساختند و پیامبران شان با دلایل روشن به سراغشان آمدند. خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، بلکه خود در حق خویش ستم کردند.

نگاهی پندگیرانه به این گونه داستان های قرآنی، باعث تربیت افراد و هدایت ایشان به مرگ اندیشی و بازداري از رفتار انحرافی می شود.

**(ب) مرگ اندیشی در سیره پیشوایان معصوم (ع)**

(ب) مرگ اندیشی در سیره پیشوایان معصوم (ع)

یک \_ مرگ اندیشی در روایات: با مراجعه به منابع روایی، می توان به انبوهی از روایات امامان معصوم (ع) درباره مرگ اندیشی دست یافت. ایشان با مخاطبان خویش به قدر درکشان سخن گفته اند. در اینجا به نمونه هایی از آن روایات که جنبه تربیتی دارد، اشاره می شود:

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت مرگ اندیشی نقل شده است:

بهترین عبادت؛ زهدورزی، و تفکر، این است که انسان، همواره در اندیشه مرگ باشد و هر کس زیاد در اندیشه مرگ باشد، قبرش را باغی از باغستان های بهشت می یابد. (۱)

در رفتارشناسی انسان ثابت شده است که او زیاده خواه و به دنبال بهترین هاست. از این رو، رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرگ اندیشی را برتر از زهد، عبادت و تفکر ذکر کرده تا کسانی که می خواهند در وادی مرگ اندیشی قدم گذارند، تشویق شوند. همچنین آن حضرت می فرماید: «الْتَّوْمُ أَخَ الْمَوْتِ؛ خواب برادر مرگ است.» (۲) چنان که لقمان به فرزندش خطاب می کند:

فرزندم! اگر درباره مرگ شک داری، در خوابت امتحان کن. اگر توانستی خواب را از خود دور کنی، توان دور کردن مرگ را نیز خواهی داشت، درحالی که هیچ یک عملی نیست. (۳)

علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید:

و بَادِرُوا الْمَوْتَ وَ عَمْرَاتِهِ وَ امْتَهِدُوا لَهُ قَبْلَ حُلُولِهِ وَ اعِدُّوا لَهُ قَبْلَ نُزُولِهِ فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةَ وَ كَفَى بِذَلِكَ وَاِعْظَا لِمَنْ عَقَلَ وَ مُعْتَبَرًا لِمَنْ جَهَلَ. (۴)

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۶، ص ۱۳۷؛ محمد بن محمد تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- محجه الیضا، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳- محجه الیضا، ج ۲، ص ۳۷۲.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۱۹۰، ص ۳۷۲.

پیش از فرا رسیدن مرگ، خود را برای پیشامدهای پایان زندگی دنیا آماده سازید. هدف نهایی، قیامت است. مرگ برای خردمندان، پند و اندرز، و برای جاهلان، وسیله عبرت آموزی است.

در روایتی نقل شده است، روزی یکی از یاران امام صادق (ع) به آن حضرت عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! مدتی است خواب های آشفته می بینم، می ترسم مرگم نزدیک شده باشد.» امام فرمود: «شب و روز در اندیشه مرگ باشید، همانا او به سراغ انسان می آید».<sup>(۱)</sup>

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت برای تحریک مرگ اندیشی در افراد، مرگ و پیامدهای آن را یادآوری می کرد و می فرمود:

در اندیشه مرگ باشید و بدانید که از مرگ گریزی نیست. مرگ آنچه از خوبی ها و بدی ها دارد، با خود می آورد. هر کس برای جهان پس از مرگ بکوشد، خوشی و آسایش را برای او می آورد و آن که برای این دنیا کار و تلاش کند، مرگ برای او بدبختی و پشیمانی می آورد.<sup>(۲)</sup>

با توجه به تأکیدات فراوان امامان معصوم (ع) درباره مرگ اندیشی برخی از یاران امیرمؤمنان، علی (ع) با اظهار نگرانی، از آن حضرت پرسیدند: چگونه در اندیشه مرگ باشیم؟ حضرت در پاسخ فرمود: «با به جای آوردن واجبات و دوری از محرمات و فرا گرفتن خوی نیک، انسان برای مرگ آمادگی می یابد و دیگر از فرا رسیدن زمان مرگش باک ندارد».<sup>(۳)</sup>

بنابراین، توجه به این روایات می تواند برای هر کس زمینه آماده شدن برای مرگ و جهان پس از آن را فراهم آورد.

دو - سیره عملی پیشوایان معصوم (ع): انسان های وارسته، آرمان گرا و دارای اندیشه الهی، همواره در مسیر زندگانی پربارشان به دنبال تأثیرگذاری بر

۱- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳- شیخ صدوق، امالی، انتشارات کتاب خانه اسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۱۱۰.

دیگران هستند. یکی از بهترین راهکارهای تربیتی و اثرگذاری بر افراد، هماهنگی بین کردار و گفتار مربی است. رهبران الهی که معلمان و مربیان افراد بشوند، هیچ گاه میان کردار و گفتارشان ناهمگونی دیده نمی شد. شواهد فراوان از سیره عملی امامان درباره مرگ اندیشی نقل شده است که نشان می دهد هر یک از آنان در عمل نیز از این تفکر الهام می گرفتند که به نمونه هایی اشاره می شود:

علامه مجلسی در حالات پیامبر نقل کرده است که آن حضرت در تمام لحظه های زندگی اش به یاد مرگ بود و می فرمود: «نفسم بر من فشار می آورد.» ایشان همواره از خوف مرگ گریه می کرد و می فرمود: «احوالات هنگام مرگ و لحظه های خطرانگیز آن، تنگی قبر و سختی های قیامت کجاست؟» (۱)

از ابوذر نقل شده است:

ما همواره رسول خدا صلی الله علیه و آله را از خوف مرگ اندیشناک و غمگین می دیدیم. روزی آن حضرت را شادمان دیدم، علت را جویا شدم، فرمود: مقداری از بیت المال نزد من باقی مانده بود و در هراس بودم که اگر در این حال مرگم فرا رسد، چه کنم، تا آن مال را تقسیم کردم و خیالم راحت شد. (۲)

درباره امیرمؤمنان، علی (ع) و حالات مرگ اندیشی آن حضرت، ضرار بن ضمیره گوید:

او را در یکی از شب ها دیدم که در محراب خود ایستاده بود. محاسن خود را به دست گرفته بود و چون مار گزیده به خود می پیچید و چون غمزده ها می گریست. گویا اکنون صدایش در گوش من است که می گوید: «آه آه!

۱- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۰.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۷.

مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ وَحْشَةِ الطَّرِيقِ؛ آه، آه! از کمی توشه و دوری سفر و وحشت راه». (۱)

درباره مرگ اندیشی زهرا (س) نیز نقل شده است که امام علی (ع) در شب عروسی، فاطمه (س) را نگران دید. علت را از فاطمه (س) جویا شد، فاطمه (س) جواب داد:

پیرامون حال و رفتار خویش اندیشیدم، به یاد مرگ و قبر خویش افتادم. امروز از خانه پدر به خانه شما آمدم و روز دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. تو را به خدا سوگند می‌دهم! بیا به نماز بایستیم و خدا را با هم عبادت کنیم. (۲)

به راستی روش فاطمه (س) یکی از بهترین آموزه‌های تربیتی است که هر زن و مرد، لحظه‌های شیرین آغاز زندگی مشترک خود را به تلخی گناه نیالاید، بلکه با گرفتن گلبرگی از زندگی علی (ع) و زهرا (س)، برای لحظه‌های مرگ و زندگی پایدار آخرت خود بیندیشد.

درباره حالات سرور عبادت کنندگان، امام سجاد (ع)، از طاووس یمانی نقل شده است:

نیمه شبی داخل حجر اسماعیل شدم، دیدم که امام زین العابدین (ع) در سجده است و کلامی را تکرار می‌کند. چون گوش دادم، این دعا را تکرار می‌فرمود: «الهِیَ عَبِيدُكَ بِفَنَائِكَ وَ مَسْكِينُكَ بِفَنَائِكَ وَ فَقِيرُكَ بِفَنَائِكَ؛ خدایا! بنده مسکین، محتاج و نیازمند تو، بر درگاهت منتظر رحمت است و امید عفو و احسان به تو دارد». (۳)

۱- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۱.

۲- محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱، ص ۲۰، به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامیه، ص ۲۸۸.

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۵.

نقل های فراوان دیگری از ایشان رسیده است که با تمام توان در خدمت گزاری به تهی دستان و نیازمندان مشغول بود و می فرمود: «با این کار های نیک، می خواهم توشه سفر مرگ خود را آماده کنم».<sup>(۱)</sup>

سه \_ مرگ اندیشی در دعا و نیایش امامان معصوم(ع): دعا به معنای خواندن و نوعی خواستن است که به صورت راز و نیاز و نیایش و مناجات با خداوند ابراز می شود. در مکتب تربیتی رهبران معصوم، دعا گونه ای از ابراز قدردانی و شکرگزاری است. انسان ها به درگاه خداوند حضور می یابند و بی تابانه و همراه با ناله، خواسته های خود را مطرح می کنند. دعا در ساعت های خاصی از شبانه روز و در مکان های مخصوص همچنین با توجه به حالات ویژه انسان، بسیار گوناگون و گسترده است. با دقت در مضمون دعاها، می توان به این نتیجه دست یافت که امامان و رهبران الهی، از یک طرف به جهت معرفت و شناختی که از مرگ و لحظه های خطرناک آن داشته اند، با سوز و گدازی عجیب از خداوند یاری خواسته اند و از سوی دیگر، با اظهار ناله و سوز و گداز، خواسته اند در مکتب تربیتی خود، انسان هایی مرگ اندیش تربیت و آنها را اصلاح کنند.

درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در لحظه های آخر عمر شریفش به پیشگاه خداوند عرضه داشت: «اللَّهُمَّ اَعْنِي عَلَى عَمْرَاتِ الْمَوْتِ؛<sup>(۲)</sup> خداوندا! مرا در لحظه های جان دادن یاری رسان.» همچنین، در برخی منابع آمده است که یکی از دعا های آن حضرت این بود: «اللَّهُمَّ اَعْنِي عَلَى سَيِّئَاتِ الْمَوْتِ؛ خداوندا! در هنگام تلخی جان دادن یاری ام کن».<sup>(۳)</sup> پیامبر خدا به آن دسته از افراد که

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳هـ.ق، ص ۲۳۱.

۲- محمد بن عیسی ترمذی، السنن، بیروت، دارحیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۳۰۸؛ ابی بکر محمد بن عبدالله بن ابی الدنیا، المحتضر، بیروت، دارین حزم، ۱۴۱۷هـ.ق، ص ۴۶.

۳- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۲، ص ۴۴۹؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، حلب، مکتبه مطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶هـ.ق، ج ۴، ص ۲.

به دلیل بروز گرفتاری ها و مشکلات بی تابی می کردند و مرگ خود را از خداوند می خواستند، می فرمود:

هیچ یک از شما برای سختی هایی که در طول زندگی تان پیش می آید، به درگاه خداوند تقاضای مرگ نکنید، بلکه خداوند را این گونه بخوانید:

«اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَوَةُ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاتُ خَيْرًا لِي؛ خداوند! مرا زنده بدار تا زمانی که زندگی برایم خیر و برکت است و مرا بمیران، زمانی که مرگ برای من خیر و صلاح است».<sup>(۱)</sup>

این جملات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آموزه های بسیار نیک و شایسته ای برای بیدارسازی اندیشه آدمی درباره مرگ و خطرات آن است. نیز نقل شده است امام صادق (ع) همواره در نماز شب می فرمود:

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى هَوْلِ الْمَطْلَعِ وَوَسْعِ عَلَى الْمُضْطَجِعِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.<sup>(۲)</sup>

خداوند! مرا در لحظه های بعد از مرگ، یاری فرما و قبر را بر من گشاده گردان، برایم خوبی ها را پیش از مرگ و بعد از مرگ عنایت فرما.

درباره حالات مرگ اندیشی امام کاظم (ع) ضمن مناجاتش با خداوند، نقل است که آن حضرت سر را به سجده می نهاد و عرضه می داشت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ؛ پروردگارا! راحتی در هنگام مرگ و بخشش وقت حساب را از درگاہت طلب دارم».<sup>(۳)</sup> و نیز می گفت: «خداوند! آمادگی پذیرش مرگ و دست یابی به انجام کارهای نیک را قبل از آمدن مرگ، برایم ارزانی فرما».<sup>(۴)</sup>

با بررسی صحیفه سجادیه، می توان دریافت که در روزگار فروپاشی معنویت و گرایش مردم به دنیاگرایی، در زمان حکومت امویان، امام

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳هـ. ق، ج ۱، ص ۴۸۰.

۳- الکافی، ج ۳، ص ۳۲۳.

۴- تقی الدین ابراهیم کفعمی، بلد الامین، ص ۳۲۹.



سجاد (ع) برای تربیت و بیدارسازی اندیشه مردم، در فراز های گوناگون از دعاهايش، مردم را به سوی مرگ اندیشی هدایت می کرد. چنان که اختصاص دو مناجات، یکی برای طلب توبه و دیگری برای دعا در زمان یاد مرگ، میزان اهمیت آن حضرت به مرگ اندیشی را نشان می دهد. ایشان در فرازی از دعای طلب توبه، پس از اظهار خشوع فراوان در پیشگاه خداوند، سخن از توبه و پشیمانی به میان می آورد، سپس با یادآوری عظمت و بخشایش خداوند، عرضه می دارد:

اَللّٰهُمَّ وَ تَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نَيْتِي وَ اَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيْرَتِي وَ وُقِّفْنِي مِنَ الْاَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي وَ تَوْفِّقْنِي عَلٰى مَلَّتِكَ وَ مَلَّتْ نَيْبِكَ مُحَمَّدًا اِذَا تَوَفَّيْتَنِي. (۱)

خدایا! نیتم را در اطاعت از تو استحکام ببخش و بینشم را در بندگی ات قوی گردان و به انجام کارهایی که پلیدی و خطاهایم را شست و شو می دهد، توفیقم ده و هنگام مرگ، به آیین خویش و پیامبرت، محمد صلی الله علیه و آله، بمیران.

امام سجاد(ع) در دعای چهلم صحیفه سجادیه، هر گاه خبر مرگ کسی را می شنود یا خود از مرگ یاد می کند، ابتدا با سوز و گداز به پیامبر و خاندانش درود می فرستد و از خداوند درخواست می کند که بندگان خویش را از تعلقات دنیایی و آرزوهای دراز بازدارد و از غرور ایمن بدار، سپس در اوج مرگ اندیشی عرضه می دارد:

وَ اَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ اَيْدِيْنَا نَضِيْبًا، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيْبًا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْاَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيْرَ اِلَيْكَ وَ نَحْرِصُ لَكَ عَلٰى وَشِكَ اللّٰحِقِ بِكَ حَتّٰى يَكُوْنَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا الَّذِي نَأْتِسُ بِهِ وَ مَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَاقُ اِلَيْهِ. (۲)

و همواره مرگ را در پیش چشم ما مجسم فرما و هیچ گاه یاد آن را از خاطرمان مبر، از کارهای نیکو عملی به ما عطا فرما که با آن توشه به سوی

۱- صحیفه سجادیه، ترجمه: محمدتقی خلجی، انتشارات پیام مهدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸، دعای سی و یکم در طلب توبه.

۲- صحیفه سجادیه، ترجمه: محمدتقی خلجی، انتشارات پیام مهدی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۲، دعای چهلم.

تو سیر کنیم و به قرب دیدار تو حریصانه مشتاق شویم تا اینکه مرگ مایه انس ما باشد که بدان انس گیریم و موعد الفتی باشد که بدان عشق ورزیم....

### ج) نکات پندآموز در گفتار صالحان و دانشمندان

ج) نکات پندآموز در گفتار صالحان و دانشمندان

علامه مجلسی: «مراد از مرگ اندیشی این است که انسان پیش از مرگ، حقیقت دنیا را بداند و برای پس از مرگ تدارک سفر ببیند». (۱)

صدرالمآلهین شیرازی: «بدان که در اندیشه مرگ بودن، بهترین عبادت هاست؛ زیرا حجاب بشر، از ضخیم ترین حجاب هاست و انسان با مرگ اندیشی، از آن حجاب ها رها می شود». (۲)

فیض کاشانی: «در تشییع جنازه حاضر شو و درباره آن میت اندیشه کن که چگونه همه چیز خود را رها می سازد و در میان خاک می خوابد. بدان که سفر نزدیک است و پشیمانی ها فرا می رسد، درحالی که نفع ندارد. بکوش تا خود را با این تفکر، برای کردار صالح آماده کنی». (۳)

شهید ثانی: «بر هر انسان عاقبت اندیشی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، واجب است که از محاسبه نفس خود و اندیشه و هوس ها غفلت نرزد، که با هر نفس این عمر، می توان گنجی به دست آورد که نعمت های آن تا ابد به پایان نرسد». (۴)

بهارى همدانى: «مرگ در يك لحظه پایه های خوشی ها را در هم می شکند و بنیان غرایز را ویران می سازد. شاید اشتغال قلب به غیر خدا، مانع از یاد مرگ است. خردمند کسی است که خود را با مرگ پیراسته کند». (۵)

ملکی تبریزی: «ای بنده پست و بیکاره! زندگی تو از هنگام تولد تا زمان مرگ، همانند ایستگاه های مسافرت تو به وطن نخستینت است». (۶)

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۶۴.

۲- محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۹۷.

۳- محجه الیضا، ج ۲، ص ۵۲.

۴- شهید ثانی، اندرنامه، ترجمه: حسین قهستانی، انتشارات نهانندی، ۱۳۸۰، ص ۲۹.

۵- شیخ محمد بهاری همدانی، تذکره المتقین، تحقیق: علی افراسیابی، انتشارات نهانندی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷.

۶- میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه: ابراهیم محدث بندریگی، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶، ص ۲۷.

امام خمینی: «فکر درباره مرگ و شدت و سكرات آن، همچنين ناراحتی، حرارت، درد و رنج هنگام جدایی روح از بدن، حسرت آدمی در آن حال، جدایی از تمام آنچه بر آن دل بسته است، تاریکی قبر و غربت آدمی در گور، بسیار مؤثر است».<sup>(۱)</sup>

فخر رازی، دانشمند اهل سنت: «هر کس بیشتر به یاد مرگ باشد، قلب او هیچ گاه از خشوع خالی نمی شود و همین امر سبب می شود که او توبه نماید».<sup>(۲)</sup>

موریس مترلینگ، دانشمند غیرمسلمان: «مرگ عبارت است از تولدی جاودانه، در گهواره ای از نور یا آتش. هر کس بخواهد تصور وجود مرگ را از ذهن خود دور کند، یا از آن بگریزد، بیشتر خود را در چنگال آن گرفتار می بیند و شبح مرگ مانع از دیدن همه چیز می شود».<sup>(۳)</sup>

توماس، دیگر دانشمند غیرمسلمان: «تأمل کن! درباره مرگ و اینکه به زودی زندگی به پایان خواهد رسید. پس به وضع خودت بنگر! امروز آدمی اینجاست و فردا اثری از او نیست. هنگامی که او از دید انسان ها خارج می شود، به زودی از یاد آنها خواهد رفت».<sup>(۴)</sup>

بنابراین، مرگ به علت اجتناب ناپذیر بودن، مورد توجه تمام اندیشمندان الهی و غیرالهی قرار گرفته است و همه آنها تأکید دارند که انسان باید همواره در اندیشه مرگ باشد و در نتیجه برای پذیرش آن آماده شود.

#### (د) نکات تربیتی و برنامه ای

(د) نکات تربیتی و برنامه ای

۱- روح الله موسوی خمینی، اسرار الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۲- محمد بن عمر فخر رازی، تفسیر کبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ. ق، ج ۱، ص ۴۹۱.

۳- موریس مترلینگ، مرگ، ترجمه: فرامرز برزگر، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۶، ص ۹.

۴- توماس کمپس، اقتدا به مسیح، ترجمه: سعید عدالت نژاد، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۷۰.

دست اندرکاران امور تربیتی، برای عملی ساختن این آموزه ها با انتخاب طرح های مناسب، می توانند نقش تأثیرگذار و ارزشمندی را ایفا کنند. در این میان، رسانه های گروهی مانند رادیو و تلویزیون، به دلیل داشتن مخاطبان فراوان، قادرند با انتخاب آموزه های ذیل، مرگ اندیشی را بهتر ترویج کنند:

یک \_ انتخاب تشبیهات قرآن و مثال های آن درباره حقیقت زندگی انسان که در متن اشاره شد. در این زمینه می توان از گردش فصل های چهارگانه سال و ارتباط آن با بهار و خزان عمر انسان، برای مرگ اندیشی و آخرت گرایی استفاده کرد.

دو \_ برگزیدن قصه های قرآن و داستان هایی که در آنها بشارت و انذار مطرح شده است.

سه \_ ساختن فیلم هایی مانند سیاحت غرب و پیامک از دیار باقی براساس آیات و روایات.

چهار \_ انتخاب آموزه هایی از سیره معصومان(ع) و حالات آنها درباره مرگ اندیشی.

پنج \_ گزینش احادیث کوتاه درباره مرگ، برای زیرنویس تلویزیون در زمان های مناسب.

شش \_ ارائه بعضی احادیث درباره مرگ اندیشی، هنگام اجرای مسابقات رادیویی و تلویزیونی.

هفت \_ تصویرسازی از یادگارهای پیشینیان مانند آثار باستانی، کاخ ها، قلعه ها، قبرستان های قدیمی. همچنین، طرح پرسش هایی درباره سرنوشت سازندگان این بناها و آرزوهای ساکنان این مکان ها.

## فصل دوم: مرگ اندیشی در اندیشه اسلامی و غیراسلامی

### اشاره

فصل دوم: مرگ اندیشی در اندیشه اسلامی و غیراسلامی

زیر فصل ها

۱. هویت مرگ در اندیشه اسلامی

۲. مرگ در اندیشه غیراسلامی

۳. مقایسه پیامدهای دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی

### ۱. هویت مرگ در اندیشه اسلامی

#### اشاره

۱. هویت مرگ در اندیشه اسلامی

زیر فصل ها

الف) مخلوق بودن مرگ

ب) انواع مرگ در اندیشه اسلامی

ج) آغاز زندگی نوین پس از مرگ

د) اجتناب ناپذیر بودن مرگ

هـ) عمومی بودن مرگ

و) نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

ز) مجریان مرگ

ح) ترس از مرگ در اندیشه اسلامی

ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی

ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام

## الف) مخلوق بودن مرگ

الف) مخلوق بودن مرگ

در هویت شناسی مرگ، بیش از همه دانستن این مطلب ضرورت دارد که قرآن کریم، مرگ و حیات را کنار هم قرار داده و هر دو را به طور یکسان، مخلوق خداوند خوانده است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ أَجْسَادَكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ او خداوندی است که مرگ و حیات را آفرید، برای آنکه شما را امتحان کند تا کدامتان نیکوکارترید.» (ملک: ۲) این آیه بیانگر این حقیقت است که مرگ و زندگی دو امر وجودی هستند و خالق توانا، هر دو را با هم آفریده و از نعمت هستی برخوردارشان ساخته است.

در برخی منابع تفسیر آمده است: «از این آیه برگرفته می شود که مرگ و حیات هر دو مخلوقند. اگر مرگ به معنای فنا و نیستی مطلق بود، مخلوق بودن آن معنی نداشت؛ زیرا مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر است. از این رو، یک امر وجودی و قابل آفرینش است»<sup>(۱)</sup>.

خداوند به واسطه مرگ، بندگانش را امتحان می کند و اعتقاد به چنین معنایی، می تواند عامل تربیتی برای انسان باشد تا آگاهانه برای انجام کارهای نیک اقدام کند.

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، قم، مدرسه علی بن ابی طالب، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۰.

امام باقر (ع) در این رابطه می فرماید:

حیات و مرگ دو مخلوق از آفریده های خداوند هستند. موقعی که مرگ فرا می رسد و در آدمی راه می یابد، به هیچ یک از اعضای بدن وارد نمی شود، جز آنکه حیات از آن خارج می شود. (۱)

مرحوم شهید مطهری در این زمینه می فرماید:

قرآن همان گونه که حیات را یک امر وجودی و دارای رسول، فرشته و مأمور می داند، برای مردن نیز مأموران و فرشتگان مخصوص معرفی کرده است. اگر مرگ پایان حیات بود، دیگر این حرف ها معنی نداشت. (۲)

## ب) انواع مرگ در اندیشه اسلامی

### اشاره

ب) انواع مرگ در اندیشه اسلامی

در منابع اسلامی مانند قرآن و روایات معصومان (ع)، تعبیرات و واژگانی درباره ماهیت مرگ به کار رفته است که می توان از آنها سه نوع مرگ روحی، ارادی و جسمی را در اندیشه اسلامی دریافت.

### یک \_ مرگ روحی یا قلبی

یک \_ مرگ روحی یا قلبی

در قرآن صفات و امور فراوان چون درک کردن، اندیشیدن، ترس، اضطراب، اطمینان، رحمت، رأفت و... به قلب نسبت داده شده است. از این رو، می توان نتیجه گرفت که اصطلاح قلب در قرآن با قلب مادی کاملاً متفاوت است. شاید بتوان ادعا کرد که منظور از قلب، همان روح و نفس است که می تواند هم منشأ صفات عالی انسانی و هم پستی ها باشد. (۳) اگر قلب مرکز اندیشه خیرخواهانه شد و به دعوت منادیان دین جواب مثبت داد، در اندیشه اسلامی درحقیقت قلب زنده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ. (انفال: ۲۴)

ای آنان که ایمان آورده اید! خدا و رسول او را اجابت کنید، هنگامی که شما را به چیزی که زنده تان کند، بخوانند.

۱- کافی، ج ۳، ص ۲۵۹.

۲- مرتضی مطهری، معاد، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.

۳- محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی \_ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷، چ ۳، ج ۱.





اما اگر قلب از درک واقعیت‌ها و اندیشیدن در مسائل دینی و ارزش‌های اعتقادی بازماند، در اندیشه اسلامی، چنین قلبی گرفتار و نابود شده است و به دلیل همین کج روی، قرآن با صراحت از آنها به مردگان تعبیر و به پیامبر خطاب می‌کند:

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ. (نمل: ۸۰)

همانا تو نمی‌توانی سختی را به گوش مردگان برسانی و نمی‌توانی کران را هنگامی که روی برمی‌گردانند، فرا خوانی.

و در سوره روم نیز می‌فرماید: «فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى؛ تو نمی‌توانی سختی را به گوش مردگان برسانی.» (روم: ۵۲) آشکار است که مراد از این مردگان، انسان‌های زنده‌نمایی بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی آنان می‌رفت و ایشان را به اسلام فرا می‌خواند، ولی این انسان‌های دل‌مرده به دلیل نداشتن درک و اندیشه، نمی‌توانستند میان حق و باطل تمیز دهند، پس خداوند از آنها به مردگان تعبیر کرده است.

امیرمؤمنان، علی (ع) درباره این گونه افراد می‌فرماید:

فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَالْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانٍ لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَتَّبِعُهُ وَلَا بَابَ الْعَمَى فَيُضِدُّ عَنْهُ وَ ذَلِكَ مِثُّ الْأَحْيَاءِ. (۱)

چهره ظاهر او انسان و قلبش، قلب حیوان درنده است. راه هدایت را نمی‌شناسد که از آن سو برود و راه خطا را نمی‌داند که از آن پرهیزد. پس مرده‌ای است در میان زندگان.

همچنین، حضرت در برابر ناسپاسی‌ها و کوتاهی‌های اهل کوفه می‌فرماید: «مَالِي أَرَاكُمْ أَشْبَاحًا بِلَا أَرْوَاحٍ؛ مردم کوفه چرا شما را پیکرهای بی‌روح می‌نگرم؟» (۲)

۱- نهج البلاغه، ص ۱۴۸، خطبه ۸۷.

۲- نهج البلاغه، ص ۲۰۰، خطبه ۱۰۸.

بنابراین، از دیدگاه اسلام، هرگاه انسان از اندیشیدن در امور دین و دنیای خود بازماند، همچون مرده ای میان زندگان به سر می برد. این مسئله از نظر تربیتی می تواند اثر عملی مهمی برای انسان داشته باشد تا با اندیشیدن در مسائلی همانند مرگ به زندگی واقعی دست یابد.

## دو \_ مرگ ظاهری و جسمی

دو \_ مرگ ظاهری و جسمی

برای این قسم از مرگ که همان جدا شدن روح از جسم است، نمونه های فراوان در آیات و روایات ذکر شده است:

اول \_ مرگ طبیعی: در این نوع مرگ، شخص عمر طبیعی خود را به پایان می رساند. این گونه مرگ ها عادی تلقی می شوند و افسوس بی دنیال ندارد. «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً؛ برای هر قوم و جمعیتی، سرآمدی معین است. هنگامی که زمان آنها فرا می رسد، ساعتی تأخیر ندارد». (اعراف: ۳۴ و یونس: ۴۹)

دوم \_ مرگ اخترامی و دسته جمعی: این نوع مرگ بر اثر بیماری هایی مثل وبا و حصبه، یا بر اثر حوادث طبیعی مانند زلزله و سیل صورت می گیرد که به دلیل گسترده بودنش تأسّف آور است و معمولاً به دنیال ظلم و فساد اجتماعی دامن گیر جامعه می شود. خداوند در سوره اسرا می فرماید:

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا. (اسراء: ۱۶)

هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر برای مترفین آنها بیان می داریم. سپس هنگامی که آنها فسق ورزیدند آنها را به شدت می کوبیم.

سوم \_ مرگ جنایی: مرگی که در آن فردی، بر اثر پیروی از هوای نفسش، شخص دیگری را به قتل می رساند. مانند ماجرای فرزندان آدم، هابیل و قابیل.

«فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتِيلَ أَخِيهِ فَفَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ نفس سرکش، او را به کشتن برادرش ترغیب کرد. [سرانجام] او را کشت و از زیان کاران شد». (مائده: ۳۰)

چهارم \_ مرگ نفله ای: مانند اینکه کسی بر اثر نداشتن ایمان یا ضعف آن، دست به خودکشی می زند که این، از بدترین مرگ هاست. خداوند در قرآن می فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُضَلِّهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا. (نساء: ۲۹ و ۳۰)

خودکشی نکنید، خداوند به شما مهربان است و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتش خواهیم افکند و این کار برای خدا آسان است.

پنجم \_ مرگ با شهادت: شخصی برای دفاع از دین، جان، ناموس یا مال خود در برابر متجاوزان، کشته شود که از بهترین مرگ ها، در فرهنگ اسلامی معرفی شده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ؛ به کسی که در راه خدا کشته می شود مرده نگوئید، بلکه او زنده است، ولی شما در نمی یابید». (بقره: ۱۵۴)

و نیز در سوره آل عمران جایگاه بلند شهدا را در نزد خداوند، یادآوری کرده است. (۱)

ششم \_ مرگ ارادی: آن هنگام که کسی خداجویانه در اصل آفرینش و پایان عمر خود بیندیشد، به ناپایداری این دنیا پی برد و با اراده و اختیار خود از شهوت ها، خواسته ها و لذت های زودگذر دنیایی دست بردارد، درحقیقت نفس سرکش خود را از بین برده است. او در تمام کارهایش، فقط رضایت خداوند، آسان شدن مرگ و حساب و کتاب و کتاب روز قیامت را در نظر می گیرد. این آیه مبارکه به همین معنا اشاره دارد: «فَتَوَبُّوا إِلَىٰ يَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ؛ به سوی خالق خود بازگردید و [نفس سرکش] خود را به قتل رسانید». (بقره: ۵۴)

انسانی که تمام آرزوهای خود را در کنترل خویش درآورد، به مقام بالایی معنویت رسیده است، در این صورت او مرگ ارادی انجام داده است. (۱)

### ج) آغاز زندگی نوین پس از مرگ

ج) آغاز زندگی نوین پس از مرگ

این پرسش همواره در اندیشه بشر وجود داشته است که آیا با فرارسیدن مرگ، همه چیز برای انسان تمام و شعله زندگی او خاموش می شود یا پس از مرگ باز هم زندگانی دیگری وجود خواهد داشت؟ در این زمینه دیدگاه های متفاوتی است و قرآن خبر می دهد که در صدر اسلام، وقتی پیامبر سخن از مرگ و زندگی پس از آن به میان می آورد، در باور و اندیشه برخی افراد نمی گنجید و می گفتند:

إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ. (مؤمنون: ۳۷)

همانا غیر از زندگی دنیای ما چیزی در کار نیست، پیوسته گروهی از ما می میریم و نسل دیگری جای ما را می گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد.

در اندیشه اسلامی، مرگ نه فقط فنا و نیستی معنا نمی دهد، بلکه آغاز زندگی نوین و پایدار است و سرنوشت سعادت بار یا شقاوت بار انسان، از همان لحظه مرگش معلوم می گردد. در بسیاری از آیات قرآن، از مرگ با واژه توفی تعبیر شده است:

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ». (نحل: ۲۸)

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ». (نحل: ۳۲)

«اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ». (زمر: ۴۲)

«تَوَفَّاهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ». (انعام: ۶۱)

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوهُمْ». (اعراف: ۳۷)

«أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ». (یونس: ۱۰۴)

«قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ». (سجده: ۱۱)

در این آیات از مرگ به تَوَفَّى تعبیر شده و مرگ از ماده وفی، به معنای دریافت چیزی به تمام و کمال است. بسیاری از مفسران در تفسیر این آیات می نگارند:

در قرآن کریم هر کجا سخن از مرگ است، کلمه توفی به کار رفته و نمایان گر این است که هرگاه مرگ انسان فرا می رسد، مأموران الهی روحش را می گیرند و او از این جهان فانی مادی، به سوی جهان ابدی آخرت انتقال می یابد. (۱)

افزون بر آیات قرآن، در روایات فراوانی، از حقیقت مرگ، به آغاز زندگی نوین یاد شده است.

پیامبر خدا درباره حقیقت مرگ می فرماید: «الْمَوْتُ أَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنْزِلِ الْآخِرَةِ وَ آخِرُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنْزِلِ الدُّنْيَا؛ مرگ آغاز منزل از منزل های آخرت و پایان منزل از منزل های دنیا است». (۲)

از امیرمؤمنان، علی (ع) در این باره نقل شده است که در موقعیت های فراوان، یاران و خویشان خود را ارشاد و نصیحت می کرد و می فرمود: «مرگ، طلبکار سریعی است و کسی نمی تواند از آن فرار کند. اینک خود را برای مرگ آماده سازید.» و در ادامه می فرمود:

إِنَّا وَ إِيَّاكُمْ خُلِقْنَا لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ لِكِنَّكُمْ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ تَنْقُلُونَ فَتَرَوُودُوا لِمَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ وَ خَالِدُونَ فِيهِ. (۳)

ما و شما برای ماندن آفریده شده ایم، نه برای نابودی! باید بدانید که از خانه ای به خانه دیگر کوچ می کنید. بنابراین، زاد و توشه آنجا را که در آن برای همیشه در حرکت هستید، فراهم سازید.

۱- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۱۷، ج ۱۶، ص ۲۵۲؛ معاد در قرآن، ج ۴، ص ۱۸۱؛ محمود زمخشری، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۳؛ ص ۵۱۹، معاد، ص ۴۱.

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۳- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲۸.

همچنین، نقل است امام حسین (ع) در روز عاشورا، خطاب به یاران خود به حقیقت مرگ و زندگی پس از آن اشاره کرد و فرمود:

صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا فَنَطْرَةٌ يَغْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنِ إِلَى الْقَصْرِ. (۱)

ای بزرگ زادگان! صبر و شکیبایی پیشه سازید؛ زیرا مرگ چیزی جز پلی نیست که شما را از سختی و رنج عبور می دهد و به بهشت پهناور و همیشگی می رساند. چه کسی از شما کراهت دارد که از زندانی به قصری انتقال یابد؟

بنابراین، هویت و حقیقت مرگ از دیدگاه اسلام، نه فقط فنا و نیستی معنا نمی دهد، بلکه آغاز زندگی جدیدی است که انسان را از این دنیا به سوی جهان دیگر عبور می دهد و در آنجا زندگی نوینی را آغاز می کند. تمام خوشی ها و تلخی های زندگی انسان، در آن جهان به عملکرد او در این دنیا بستگی دارد.

#### (د) اجتناب ناپذیر بودن مرگ

(د) اجتناب ناپذیر بودن مرگ

حتمی بودن مرگ برای هیچ کس پوشیده نیست و اگر انسان در هر چیز شک کند، درباره مرگ نمی تواند تردید کند؛ زیرا کاروان مرگ یکی از سنگین ترین کاروان هایی است که هر روز انسان های زیادی را با خود به وادی خاموش قبرستان انتقال می دهد. این مطلب، درسی برای ناگزیر بودن مرگ است و دربردارنده این پیام، که هر انسانی طعم مرگ را خواهد چشید.

در این میان، آنچه مهم به نظر می رسد، توجه به این نکته است که بعضی افراد از حتمی بودن مرگ پند و اندرز نمی گیرند و در اندیشه مرگ نیستند. پس بر اثر مرض های روحی و معنوی گناه، مرگ در نظرشان تلخ و سهمناک جلوه می کند. از این رو، در قرآن و روایات، بر حتمی بودن مرگ بسیار تأکید می شود تا با بیان زیبا، آثار تربیتی آن را به همگان منتقل کنند.

خداوند در آیات زیادی از قرآن، از مرگ به یک قانون عمومی و حتمی یاد می کند و می فرماید:

«أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ؛ هَرَجَا بَاشِيدِ مَرِّگِ شَمَا رَا دَرْمِی یَابِدِ». (نساء: ۷۸)

«وَجَاءَتْ سَيَّكْرُهُ الْمَوْتُ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ؛ [و به هوش آید که] سرانجام سكرات مرگ به حق فرا می رسد. این همان چیزی است که از آن می گریختی». (ق: ۱۹)

امیر مؤمنان، علی(ع) در این زمینه می فرماید: «آن کس که از مرگ بترسد، نجات نمی یابد و آن کس که زنده ماندن را دوست بدارد، برای همیشه در دنیا نخواهد ماند.» (۱) همچنین آن حضرت می فرماید:

ای بندگان خدا! شما همه شکار آماده مرگ هستید. اگر توقف کنید شما را می گیرد و اگر فرار کنید، به شما می رسد. مرگ از سایه به شما نزدیک تر است. نشانه مرگ بر پیشانی شما زده شده است. دنیا پشت سر شما در حال در هم پیچیده شدن است. (۲)

بنابراین، در اندیشه اسلامی مرگ سرنوشت حتمی انسان هاست و دارا و ندار، پیر و جوان، مریض و سالم همه خواهند مرد. مهم این است که انسان در هر موقعیتی، در انتظار مرگ باشد و بکوشد تا پیوندی از خوبی ها میان زندگی خود در این دنیا و جهان پس از مرگ ایجاد کند و این معنا را درک کند که همه بدون استثنا اجل و سرآمدی دارند که لحظه ای در آن تأخیر نیست. به گفته مولانا:

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

خرم آن روز که پرواز کنم تا بر دوست

به هوای سر کویش پر و بالی بزنم

روشن است با چنین اندیشه ای درباره مرگ، که دنیا را زندان و مرگ را آزادی از آن بدانیم، می کوشیم با کردار و رفتار شایسته و آبرومندانه و با

۱- نهج البلاغه، ص ۹۰، خطبه ۳۸.

۲- نهج البلاغه، ص ۵۱۰، نامه ۲۷.

سعادت‌مندی از این زندان بیرون بیایم و دیگر هیچ وحشت و هراسی نخواهیم داشت.

## هـ (عمومی بودن مرگ

هـ (عمومی بودن مرگ

عمومی بودن مرگ، از واقعیت‌های دیگری است که در قرآن کریم و روایات بر آن تأکید فراوان شده و هشدار برای همگان است که سرنوشت آنان با مرگ گره خورده است؛ زیرا از دیدگاه قرآن تمام نظام آفرینش اجل معینی دارند که پس از سپری شدن آن، عمر به پایان می‌رسد و مرگ فرا خواهد رسید، چنان که خداوند در آیات قرآن با اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «مِمَّا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمِمَّا بَيْنَهُمَا إِلَهًا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى؛ ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آنهاست نیافریدیم، مگر به حق و اجل معین». (احقاف: ۳)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می‌نگارد:

معنای آیه این است که ما عالم مشهود را با همه اجزای آن، چه آسمانی و چه زمینی، نیافریدیم مگر به حق؛ یعنی دارای غایت و هدف ثابت و نیز دارای اجلی معین است که وجودش از آن تجاوز نمی‌کند. (۱)

خداوند در آیه ای دیگر می‌فرماید:

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ. (زمر: ۶۸)

در صور دمیده می‌شود، پس تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، مگر کسانی که خداوند بخواهد [که آنها زنده بمانند].

از انس بن مالک نقل شده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: این کسانی که در این آیه استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «آنان جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و ملک الموت هستند.» سرانجام خداوند به ملک الموت دستور می‌دهد که میکائیل و اسرافیل را نیز قبض روح کند. پس خداوند جان ملک الموت را نیز می‌گیرد:



فَعِنْدَ ذَلِكَ يَمُوتُ جَبْرَائِيلُ وَهُوَ آخِرُ مَنْ يَمُوتُ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. (۱)

بعد از آنکه همه می میرند، جبرئیل نیز می میرد و او آخرین موجود است که در آسمان و زمین خواهد مرد.

تا اینجا سخن از مرگ مجموعه آفرینش بود، اما درباره عمومی بودن مرگ انسان و تجلی بیشتر جنبه های تربیتی آن آیات ویژه ای وجود دارد که با لحن های متفاوت بیان شده است. از آن جمله «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ؛ هر انسانی مرگ را می چشد.» و این تعبیر عمومیت مرگ، در سه آیه قرآن تکرار شده است. (۲)

فخر رازی در تفسیرش حدیثی را نقل کرده است که وقتی آیه «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ؛ تمام کسانی که بر روی زمین هستند، فانی می شوند.» (الرحمن: ۲۶) نازل شد، ملائکه گفتند: فرمان مرگ اهل زمین صادر شد و هنگامی که آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» نازل شد، فرشتگان گفتند فرمان مرگ ما نیز صادر شد. (۳)

بدین ترتیب، مرگ به عنوان قانونی عمومی، حاکم بر تمام جهان و موجودات آن، از جمله انسان است، هیچ گونه استثنایی حتی برای خوبان ندارد، چنان که خداوند به اشرف مخلوقاتش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ. (انبیاء: ۳۴)

پیش از تو برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم. پس آیا در صورتی که تو مردی، ایشان جاودان خواهند بود؟

اگر قانون مرگ استثنایی داشت، باید بهترین آفریده ها و برگزیده خداوند، پیامبر اسلام باقی می ماند، در صورتی که مرگ به سراغ آن حضرت نیز رفت و

۱- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۸۴.

۲- نک: آل عمران: ۱۸۵، انبیا: ۳۵، عنکبوت: ۵۷.

۳- تفسیر کبیر، ج ۹، ص ۱۲۵.

او را باقی نگذاشت. بنابراین، هیچ کس طمع ماندن در این دنیا را نداشته باشد.

### (و) نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

#### اشاره

(و) نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

از دیدگاه منابع دینی، زمان و مکان مرگ از جمله اموری است که به اقتضای حکمت خداوند بر انسان ها مخفی و نامعلوم است و از جمله امور غیبی شمرده می شود. چه بسیارند انسان هایی که تا مرز جان سپردن پیش می روند، ولی نمی میرند و درمقابل، انسان هایی هستند که هیچ گونه نشانه های مرگ در آنها دیده نمی شود و ناگهان گرفتار مرگ می شوند.

قرآن درباره نامعلوم بودن مکان مرگ می فرماید:

وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (لقمان: ۳۴)

هیچ کس نمی داند فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند به کدام سرزمین، مرگش فرا می رسد؟ پس تنها خداوند به همه چیز خلاق دانا و بر تمام اسرار و دقائق عالم آگاه است.

امیرمؤمنان، علی(ع) درباره پنهان بودن زمان مرگ می فرماید: «مَشِيكِيْنُ ابْنِ آدَمَ مَكْتُومُ الْأَجَلِ مَكْنُونُ الْعِلَلِ مَحْفُوظُ الْعَمَلِ؛ بیچاره فرزند آدم! اجلش پنهان، بیماری هایش پوشیده و اعمالش همه نوشته شده است».<sup>(۱)</sup>

در روایتی نقل شده است: «فرشته مرگ بر حضرت سلیمان وارد شد و به یکی از هم نشینان او نگاهی طولانی انداخت. هنگامی که فرشته بیرون رفت، آن هم نشین به سلیمان گفت: این که بود؟ سلیمان گفت: فرشته مرگ. گفت: دیدم به من چنان نگریست که گویا قصد قبض روح مرا دارد. سلیمان گفت: چه می خواهی؟ پاسخ داد: می خواهم مرا از او رهایی دهی و به باد دستور

فرمایی تا مرا به دور ترین نقاط هند برد. پس سلیمان به باد دستور انجام این کار را داد و باد فرمان او را به انجام رسانید. بار دیگر فرشته مرگ نزد سلیمان آمد. سلیمان به وی گفت: چرا تو به یکی از هم نشینان من آن گونه نگاه کردی؟ پاسخ داد: من از دیدن او در کنار تو شگفت زده شدم؛ زیرا مأمور بودم در ساعتی نزدیک، او را در یکی از مناطق هند قبض روح کنم» (۱).

دیدمش اینجا و بس حیران شدم

در تفکر رفته سرگردان شدم

از عجب گفتم مگر او صد پُر است!

زو به هندوستان شدن دور اندر است

چون به امر حق به هندوستان شدم

دیدمش آنجا و جانش بستدم

پس هم مکان و هم زمان مرگ از دید مردم پنهان است و این از امور غیبی است که انسان های عادی بر آن آگاهی نمی یابند. البته روایات بسیاری از پیامبران الهی و امامان معصوم (ع) داریم که درباره زمان و مکان مرگ خودشان یا برخی افراد دیگر خبر می دادند.

### چرایی و نقش تربیتی نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

چرایی و نقش تربیتی نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

ممکن است این پرسش برای هرکس ایجاد شود که نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ برای انسان چه فایده ای دارد و آیا در پنهان بودن آن مصلحت، یا در آشکار شدنش، مفسده و آثار منفی وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت: به طور حتم، نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ، بنا به صلاحدید و حکمت الهی است. وقتی ما به روایات در این زمینه مراجعه می کنیم، به آموزه های بسیار ارزشمند و روشنی دست می یابیم که هریک از نظر پرورشی و تربیتی نقش سازنده و راهبردی در اندیشه و کردار انسان دارد. جهت روشن شدن چرایی قضیه و نیز دستیابی به آموزه های تربیتی آن، به برخی آثار و حکمت نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ به اختصار اشاره می شود:

یک \_ جلوگیری از طغیان و سرکشی: اگر انسان زمان مرگ خود را می دانست، بر انجام گناه و عصیان جرئت پیدا می کرد؛ زیرا تمایلات و غرایزی که در انسان وجود دارد، او را به نافرمانی و عصیانگری تحریک می کند. حال اگر بدانند مثلاً ده سال دیگر زنده هست، هر چه بخواهد، انجام می دهد و در زمان نزدیک مرگش توبه می کند.

بسیار روشن است که این گونه اندیشیدن، خطر آفرین و راهی به سوی نافرمانی خداوند و افتادن در دام معصیت است. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید:

انسان ها با اینکه زمان مرگشان مخفی است و هر لحظه در انتظار آمدن آن هستند، دست از نافرمانی نمی کشند، پس چگونه می بود، اگر مدت ماندن خود را در این دنیای فانی می دانستند؟ در این صورت بی گمان به سوی گناهان بزرگ روی می آوردند. بنابراین، نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ برای آنها بهتر است. (۱)

فخر رازی در تفسیرش می نگارد:

اگر پرسش شود که حکمت مخفی بودن زمان مرگ چیست، جواب این است که چون خداوند برای گناهکاران وعده فرموده که توبه آنان را می پذیرد، پس از این رو اگر زمان مرگ معلوم می بود، هر کس با جرئت گناه انجام می داد، به امید اینکه در نزدیک مرگ خود توبه می کند. البته این وادار به کار معصیت است و جایز نیست. (۲)

دو \_ تلاش و امیدواری: خداوند انسان را به گونه ای آفریده که همواره با امید به آینده به فعالیت و تلاش می پردازد. پیامبر خدا می فرماید:

امید و آرزو برای امت من رحمت است. اگر آرزو از انسان گرفته شود، هیچ مادری به فرزند شیرخوار خود شیر نمی دهد و هیچ باغبانی نهال نمی کارد. (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۵.

۲- تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۲۲.

۳- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، قم، دارالاسوه، ۱۴۲۲هـ. ق، ج ۱، ص ۱۲۱.

حال اگر انسان از زمان مرگ خود آگاه باشد، سال ها پیش از فرا رسیدن مرگش غم و اندوه، تمام وجودش را فرامی گیرد و به کلی از تلاش و فعالیت بازمی ماند. از این رو، پیامبر خدا می فرماید:

همین مقدار که شما درباره حتم داشتن و عمومی بودن مرگ می دانید، کافی است و دانستن بیش از آن [زمان و مکان مرگ] به مصلحت شما نیست. بدانید که اگر حیوانات به همین مقدار که شما می دانید آگاهی می داشتند، گوشت بدن آنها آب می شد و شما حیوان فربه و چاق نمی دیدید. (۱)

امیر مؤمنان، علی (ع) نیز می فرماید: «اگر بندگان خداوند مسیر آمدن مرگ و زمان آن را می دانستند، امید و آرزوهایشان از این دنیا قطع می شد». (۲)

امام صادق (ع) می فرماید: «اگر انسان مدت عمر خود را می دانست، هیچ گاه آمادگی برای ساختن زندگی پیدا نمی کرد و همواره در انتظار آمدن روز مرگش به سر می برد». (۳)

سه \_ احساس آزادی در انجام عمل: اثر و فایده ندانستن زمان مرگ، در رشد و کمال انسان ظاهر می شود؛ زیرا خداوند از انسان خواسته هایی دارد که ارزش انجام آن تکالیف، در گرو اراده و اختیار اوست. حال اگر انسان زمان مرگ خود را بداند و اینکه به یقین روزی خواهد مرد، دست از نافرمانی برمی دارد که البته این، کمال روحی و ارزش به شمار نمی آید.

از سوی دیگر، اگر انسان درحالی که امید به سال ها زندگی دارد، راه عبودیت را در پیش گیرد، این نشان دهنده رشد روحی و کمال معنوی است که او را به سوی فضیلت خواهی سوق می دهد؛ زیرا هدف زندگی انسان ها در این دنیا، آزادی آنها در انتخاب راهشان است تا به کمال نهایی برسند و با اراده و اختیار، گام های بیشتری به سوی خدا بردارند. (۴)

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۱.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۷۸۰، حکمت ۳۳۴.

۳- بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۳.

۴- جعفر سبحانی، منشور جاوید، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۲۲۹؛ محمدتقی مصباح یزدی، پند جاوید، قم، مؤسسه آموزشی \_ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹۰.

همه ما انسان ها با هر عقیده و اندیشه ای، می دانیم که بی شک مرگ به سراغ ما خواهد آمد، ولی نمی دانیم چه وقت، کجا و چگونه خواهیم مرد و درواقع، همین مسئله باید یادآوری و درس تربیتی برای ما باشد تا رفتار خود را براساس حتمی بودن مرگ پی ریزی کنیم.

## (ز) مجریان مرگ

(ز) مجریان مرگ

پدیده مرگ که امری گریزناپذیر و عمومی است و هیچ گونه تخلف در آن وجود ندارد، برنامه گسترده ای است که مجری معین نیز دارد. با سیری در آیات قرآن با این مطلب روبه رو می شویم که قبض روح گاهی به خدا نسبت داده شده و گاهی به ملک الموت و گاهی به فرشتگان مرگ:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا. (زمر: ۴۲)

خدا جان ها را هنگام مرگشان می گیرد.

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ. (سجده: ۱۱)

بگو جان های شما را فرشته مرگ که بر شما گمارده شده می گیرد.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ. (انعام: ۶۱)

تا هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما جان او را می گیرند و ایشان کوتاهی نمی کنند.

ممکن است با دیدن اختلاف در ظاهر این آیات، این گونه پنداریم که آنها درباره تعیین مجری واقعی مرگ سازگاری ندارند، ولی دقت در پیام واقعی این آیات و آنچه مفسران قرآن در تفسیر آن نوشته اند، نشان می دهد که هیچ گونه ناسازگاری و تضادی میان این آیات وجود ندارد؛ زیرا قبض کننده اصلی روح، خداوند است که می تواند با قدرت و اراده خود، بدون هیچ واسطه ای روح و جان انسان ها را بگیرد، هیچ کسی هم قدرت سرپیچی و مقابله با اراده او را ندارد.

خداوند گاهی عمل قبض روح را به یکی از فرشتگان مقرب خود که ملک الموت نام دارد یا به گروهی از فرشتگان که دستیاران ملک الموت هستند، می سپارد و آنها به اذن خداوند، آن مأموریت را انجام می دهند. پس درحقیقت ملک الموت و دستیاران او در کار قبض روح مستقل نیستند، بلکه واسطه هایی هستند که با اراده و خواست خداوند جان ها را می گیرند. باین بیان، هیچ گونه ناهماهنگی در بین آیات قرآن وجود ندارد. (۱)

در آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ» تقدم لفظ الله بر يتوفى، برای این است که افاده حصر کند؛ یعنی تنها خداوند است که قبض روح می کند و در برخی آیات اگر به ملک الموت و یارانش نسبت داده شده، از روی تبعیت است؛ یعنی آنان پیروی از امر خداوند می کنند. (۲)

صدرالمتألّهین شیرازی در تفسیر این آیات می نگارد: «اگر مرگ را به ملک الموت و یارانش نسبت می دهد، از قبیل نسبت دادن فعل بر ابزار کار است»، (۳) مانند نسبت دادن بریدن چوب بر اهره.

شیخ مفید در این باره می نویسد: «به اعتقاد ما قبض روح کردن فقط کار خداوند است و غیر او هیچ کس دیگری دخالت ندارد؛ زیرا تنها اوست که می میراند و زنده می کند». (۴)

براین اساس، همان گونه که آمدن انسان در این دنیا به فرمان و اراده خداوند است، رفتن او از این دنیا نیز به اراده خداوند است. آدمی باید در میان این آمدن و رفتن، بکوشد که رضایت الهی را به دست آورد.

۱- المیزان، ج ۱۷، ص ۲۶۹؛ مصباح یزدی، درآمدی بر آموزش عقاید، نگارش عبدالجواد ابراهیمی، قم، دار العلم، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۰۷.

۳- التفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۷۵.

۴- محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تصحیح الاعتقاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۹۴.

**ح) ترس از مرگ در اندیشه اسلامی****اشاره**

ح) ترس از مرگ در اندیشه اسلامی

یکی از مطالب بسیار جدی در بحث مرگ اندیشی این است که در اندیشه اسلامی، پدیده مرگ، ترسناک و وحشت آفرین است یا خیر. در پاسخ این پرسش باید گفت: بنابر آنچه از منابع اسلامی و گفتار اندیشمندان مسلمان در این موضوع به دست می آید، اصل ترس و وحشت از مرگ، مسئله ای فطری است و در نهاد هر کس وجود دارد؛ زیرا هر انسانی خودش و زندگی اش را دوست دارد و غرایز او اقتضا دارد که میل به بقا داشته باشد.

بنابراین، طبیعی است انسان از مرگ، که بقا و زندگی این دنیایی او را به خطر می اندازد، بهراسد. همین نگرانی از مرگ، از جمله حالات روانی است که خداوند براساس تدبیر حکیمانه خود در نهاد انسان قرار داده است تا او خود را از خطر ها و مرگ هایی که می توان پیش گیری کرد، نجات دهد. از این رو، تا حدی این نگرانی برای انسان مفید است، ولی زیاده روی در این امر باعث نگرانی ها و مشکلات روانی می شود که باید از آن دوری جست. (۱)

بنابراین، اسلام با اصل مسئله ترس از مرگ که امری فطری است هیچ گونه تضاد و برخورد منفی نداشته است، ولی با توجه به برخی پیامدهای خوشایند و خطرهایی که ممکن است از ناحیه ترس از مرگ به وجود آید، برای جهت دهی این امر فطری به سوی خوبی ها و استفاده تربیتی از آن، برنامه هایی ارائه کرده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

**یک \_ ریشه یابی ترس از مرگ**

یک \_ ریشه یابی ترس از مرگ

از نظر کاربردی و تربیتی، عوامل بسیاری می تواند در ایجاد ترس از مرگ مؤثر باشد که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

اول \_ ناآگاهی از حقیقت مرگ: «یکی از عوامل اصلی ترس از مرگ، آگاه نبودن از حقیقت مرگ است. برخی می پندارند مرگ پایان زندگی است و



زندگی آنان محصور در زندگانی مادی است. اینان حقیقت مرگ را باور نکرده اند و گمان می کنند همیشه زنده هستند. از این رو، با دیدن مرگ انسان ها به هراس می افتند که نکنند روزی مرگ به سراغ آنها هم بیاید و بین آنها و همه تعلقاتشان جدایی اندازد. در اصل، این گونه افراد از جهل خود می ترسند، نه از مرگ». (۱)

در روایات پیشوایان معصوم (ع)، ناآگاهی به حقیقت مرگ، عامل ترس از مرگ یاد شده و البته سرچشمه بسیاری از رفتارهای نادرست آدمی است. روزی امام هادی (ع) به عیادت یکی از یارانش رفت و مشاهده کرد او به دلیل ترس و وحشت از مرگ، بی تابی می کند. حضرت فرمود: «یا عَبْدَ اللَّهِ تَخَافُ مِنَ الْمَوْتِ لِأَنَّكَ لَا تَعْرِفُهُ؛ ای بنده خدا! ترس تو از مرگ به دلیل نداشتن شناخت از آن است». (۲)

امام جواد (ع) نیز درباره ترس مردم از مرگ فرمود: «لَأَنََّّهُمْ جَهْلُوهُ فَكَرِهُوهُ؛ آنها از مرگ آگاهی ندارند، از این رو، برایشان ناخوشایند است». (۳)

دوم \_ سنگینی بار گناه: برخی انسان ها به مرگ و واقعیت های زندگی پس از مرگ ایمان ندارند، ولی عامل ترس آنها از مرگ، جرم ها و نافرمانی های سنگین است که مرتکب شده اند. اینان همین که تصور می کنند با فرا رسیدن مرگ، سختی ها و عذاب به سراغشان خواهد آمد، بی درنگ گرفتار ترس و نگرانی می شوند.

از امیرمؤمنان، علی (ع) نقل شده است که فرمود: «بسیارند کسانی که از مرگ می ترسند؛ «لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ» جهت گناه زیادی که مرتکب شده اند». (۴) چنین انسان هایی

۱- محمدتقی جعفری، عرفان اسلامی، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۸، ص ۷۷.

۲- محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ هـ. ق، ص ۲۹۰.

۳- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶.

۴- سید رضی، خصایص الاثمه، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ هـ. ق، ص ۱۰۹.

جهت نافرمانی از دستوره‌های پیامبران، از نتایج اعمال خود بیمناک هستند. این حالت برای انسان، نومیدکننده و خطرناک است؛ زیرا او به انسانی می ماند که به دلیل انجام جرایم فراوان تحت پیگیری است و همواره از گیر افتادن در چنگال قانون در حال فرار است.

سوم \_ توهّمات باطل: در ترجمه یکی از آثار مرحوم ملا احمد نراقی فهرست عوامل نگرانی از مرگ چنین آمده است:

گاهی خوف انسان از مرگ، غالب شدن نیروی ترس بر انسان است که گرفتار تصورات باطل می شود، از قبیل تصور اینکه با مرگ فانی و نابود می شود و کاستی و نقصان به او می رسد؛ این تصور که چگونه از مال و اهل و عیال دل بکند؛ شادی و خوشحالی دشمنان در مرگ او؛ اینکه پس از مرگ، فرزندان و همسرش خوار و پایمال می شوند و... اینها همه تصورات و خیالات باطل است که باقی ماندن بر آنها بسیار خطرناک است. (۱)

## دو \_ هدایت و جهت دهی ترس از مرگ

دو \_ هدایت و جهت دهی ترس از مرگ

اسلام با نگرش واقع بینانه به آموزه های تربیتی برای هدایت و جهت دهی صحیح ترس از مرگ، به عوامل پیدایش ترس توجه کرده و با اندیشه ای خردمندانه با آنها به مبارزه برخاسته است. برای از بین بردن عواملی مانند جهل و توهّمات باطل، اصل مرگ را نه تنها ترس آور و وحشت آفرین نمی داند، بلکه مرگ را نعمتی از نعمت های بزرگ خدا می داند که انسان با آن از خوشی ها و لذت های زودگذر این دنیا رهایی می یابد و به لذت ها و نعمت های پایدار جهان آخرت می رسد.

در اندیشه تربیتی اسلام زندگی انسان در این دنیا این گونه معرفی شده است:

---

۱- سید جلال مجتوبی، علم اخلاق اسلامی، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۲۵۹ - ۲۶۱. این کتاب در اصل، ترجمه جامع السعادات مرحوم نراقی و از بهترین منابع اخلاقی به حساب می آید.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. (عنکبوت: ۶۴)

و این زندگی دنیایی چیزی جز بازی و سرگرمی نیست. زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند.

برای کسانی که به دلیل نداشتن آگاهی از حقیقت مرگ و جهان پس از آن، همه خواسته های خود را در این دنیا می دانند، دانستن واقعیت زندگی در این دنیا و زیستن پس از مرگ بسیار مفید است؛ زیرا با درک اینکه با مرگ زندگی آنها پایان نمی یابد، بلکه به عالم دیگر منتقل می شوند تا به زندگانی خود ادامه دهند، دیگر نه فقط نگرانی نخواهند داشت، بلکه چون میل به جاودانگی در ایشان به راه اصلی خود هدایت می شود، می کوشند تا زندگی پس از مرگ و زندگی آخرتی آنها با آرامش همراه باشد. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین راه برای غلبه بر ترس از مرگ، این است که سرنوشت خود را به خداوند واگذاری.» (۲) همچنین می فرماید: «بدان که مرگ از آن نعمت هایی است که به عنوان کفاره مؤمن قرار داده شده است.» (۳)

کسانی که گرفتار وهم و خیالات باطل درباره مرگ شده اند، بدانند که: «الْمَوْتُ رَاحَةٌ الْمُؤْمِنِ؛ مرگ مایه آرامش مؤمن است.» (۴)

در اندیشه اسلامی، ترس از مرگ باید به راه سازندگی کردار انسان کشیده شود. در این صورت، انسان وقتی به کردار نیک خود می نگرد، هیچ گونه ترس از مرگ و حساب و کتاب پس از آن، در او راه پیدا نمی کند، چنان که درباره امیرمؤمنان، علی (ع) نقل شده است:

۱- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۹.

۳- الامالی مفید، ص ۲۸۳.

۴- شیخ صدوق، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۷۴.

روزی در جنگ صفین بدون زره و ابزار دفاعی میان صفوف دو لشکر قدم می زد، در آن هنگام فرزندش امام حسن مجتبی (ع) احساس خطر کرد و عرضه داشت: این گونه آمدن در میدان جنگ خطر دارد. حضرت در جواب فرزندش فرمود: من به گذشته عمرم نگریستم، دیدم هرچه گذشته، در مسیر فرمان برداری از خدا و رسولش بوده است، از این رو، باکی ندارم که مرگ به سراغ من آید یا من بر او واقع شوم. (۱)

### ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی

#### اشاره

ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی

در مبحث ترس از مرگ گفته شد اگر علت ترس، عواملی مانند جهل و توهم باشد، امری ناپسند است. اکنون مناسب است حالت مقابل ترس، یعنی تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلام بازکاوی شود.

برخی اندیشمندان اسلامی بر این عقیده اند که خواهش و آرزوی مرگ در قرآن، به صورت قیاس استثنایی، در محاجه خداوند با یهودیان مطرح شده است. یهودیان مدعی بودند از اولیای الهی و دوستان خاص پروردگار هستند. خداوند برای رد این ادعای دروغین، با آنها محاجه کرد و به آنها چنین خطاب کرد: «بگو ای جماعت یهود! اگر گمان می کنید «فقط» شما دوستان خداوندید، نه دیگر مردم، پس اگر راست می گوئید، آرزوی مرگ کنید، ولی آنها به دلیل اعمالی که از پیش فرستاده اند هرگز تمنای مرگ نمی کنند». (۲)

در این آیه، خداوند تمنای مرگ از ناحیه اولیای خود را پیش فرض گرفته است. (۳) یعنی اولیای من کسانی اند که برای دیدار من، همواره آرزوی مرگ می کنند و ترسی از آن ندارند.

از نظر کاربردی، تمنای مرگ به دو گونه نکوهیده و ستوده مطرح شده است:

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۰۳؛ تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۶۰۶.

۲- نك: جمعه: ۶ و ۷.

۳- المیزان، ج ۱۹، ص ۲۷۶؛ مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۶۰.

**یک \_ تمنای نکوهیده مرگ**

یک \_ تمنای نکوهیده مرگ

بعضی انسان ها با اینکه مرگ را پایان زندگی نمی دانند، اما برای رهایی از مشکلات و سختی های زندگی آرزوی مرگ می کنند و یا دست به خودکشی می زنند. این گونه تمنای مرگ در اندیشه اسلام نکوهش شده است؛ چون نمایانگر ضعف اراده انسان و نارضایتی او از مقدرات الهی است. در روایتی نقل شده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که شخصی آرزوی مرگ می کند، حضرت فرمود: «هیچ یک از شما تقاضای مرگ نکنید! بلکه در بروز مشکلات به خدا پناه ببرید و خیر و صلاح خود را از او بخواهید.» (۱) همچنین از آن حضرت نقل شده است که به یاران خود می فرمود:

مرگ و جهان پس از آن مشکلاتی دارد، پس هیچ گاه تقاضای مرگ نکنید؛ زیرا سعادت انسان در این است که عمرش طولانی شود و خداوند توفیق توبه را به او عنایت کند. (۲)

از امام عسکری (ع) نقل شده است:

شخصی نزد امام صادق (ع) آمد و گفت: از دنیا خسته شده ام. از خداوند تقاضای مرگ می کنم. امام صادق (ع) در جوابش فرمود: تو باید آرزوی زندگی بکنی؛ زیرا اگر زنده بمانی و خدا را اطاعت کنی بهتر است از اینکه بمیری که دیگر نه قدرت عصیان داری و نه قدرت اطاعت. (۳)

نیز نقل می کنند امام موسی بن جعفر (ع) از کسی شنید که آرزوی مرگ می کند، حضرت فرمود: «آرزوی مرگ می کنی؟ آیا با خداوند خویشاوندی داری تا از تو حمایت کند؟» عرض کرد: نه. فرمود: «آیا کارهای نیک فراوان داری که از گناهانت فزونی یابند؟» عرض کرد: نه. حضرت فرمود: «بنابراین، هلاکت را آرزو می کنی.» (۴)

۱- امالی صدوق، ص ۳۸۵؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۸.

۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۷ هـ. ق، ص ۱۱۰.

۳- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۸.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۹.

**دو \_ تمنای ستوده مرگ**

دو \_ تمنای ستوده مرگ

در برابر گروه پیشین، مؤمنان و اولیای الهی هستند که در مرحله بالایی از تکامل روحی و معنوی قرار دارند. اینان در واقع به مرگ علاقه دارند و با رسیدن به آن، به راحتی کامل می‌رسند. این گروه چون در دنیا توانسته‌اند به بارگاه قرب الهی نائل شوند، لحظه به لحظه، دیدار یار و لقای محبوب را آرزو می‌کنند. (۱) اینکه مرگ برای اولیای الهی آرزو و خواسته است، بدین معنا نیست که آنان در صدد تحقق بخشیدن به این آرزوی خویشند و خود را در مسیر مرگ قرار می‌دهند، یا خویش را به آن نزدیک می‌کنند، بلکه در عین داشتن آرزوی مرگ، خواسته درونی آنها لقای یار است، راضی به مقدرات الهی‌اند و از ماندن در دنیا و بهره گرفتن از فرصت عمر، نگران و ناراحت نیستند. (۲)

در نتیجه، این گونه افراد اگر تمنای مرگ هم بکنند، مرگ بهتر را تقاضا می‌کنند:

وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ. (۳)

خداوندا! از تو می‌خواهم که مرگ مرا شهادت در راهت قرار دهی و این شهادت در زیر پرچم و رهبری پیامبرت باشد. همچنین از تو می‌خواهم که به وسیله جهاد و مبارزه من دشمنان و دشمنان رسولت کشته شوند.

**ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام**

ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام

از آنچه درباره ترس از مرگ و آرزوی مرگ و نظر اسلام در این زمینه گفته شد، به این نتیجه روشن می‌توان دست یافت که در اندیشه تربیتی و مدبرانه اسلام، انسان باید اندیشه خود را از گمان‌های بی‌اساس پالایش کند، همواره به یاد مرگ باشد و آن را به عنوان یک واقعیت پذیرا شود: «وَ إِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ». (۴)

۱- عبدالله جوادی آملی، تسنیم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۵۷۲.

۲- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳- مفاتیح الجنان، اعمال مشترک ماه رمضان.

۴- قسمتی از دعای تلقین میت.

در این باره رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

زیرک ترین و دانا ترین انسان ها کسی است که همواره به یاد مرگ و جهان پس از آن باشد و احمق ترین انسان ها کسی است که از یاد مرگ غفلت ورزد و از هوای نفس خود پیروی کند و پس از آن امید به خدا داشته باشد. (۱)

از آن حضرت نقل شده است: «قلب های شما را زنگار می گیرد، پس به واسطه تلاوت قرآن و یاد مرگ آن را جلا دهید». (۲)

از دیدگاه اسلام جایگاه یاد و اندیشه مرگ، چنان اهمیت دارد که امام صادق (ع) وقت مناسب برای مرگ اندیشی را چنین بیان می کند:

إِذَا أُوَيْتَ فِرَاشَكَ فَانظُرْ مَا سَلَكَتَ فِي بَطْنِكَ وَ مَا كَسَبْتَ فِي يَوْمِكَ وَ اذْكُرْ أَنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّ لَكَ مَعَادًا. (۳)

آن زمان که بر بستر قرار گرفتی، اندیشه کن که چه چیزی را از خوراکی ها در شکم خود قرار دادی و در آن روز چه کارهایی انجام دادی، یاد کن که از دنیا رفتنی هستی و برای تو رستخیزی هست.

بنابراین، اسلام بر یاد و اندیشه مرگ، فراوان تأکید می کند و این به معنای اندیشه در نابودی نیست تا روح تلاش و امیدواری را در او بمیراند، بلکه یاد مرگ از دیدگاه اسلام به معنای سازندگی و قدم گذاردن در مسیر تکامل و رسیدن به درجه های بالاتر است.

بنابراین، با آگاهی از واقعیت مرگ و اندیشه درباره آن، رفتار انسان تغییر می یابد و پیوسته مراقب اعمال خود خواهد بود و در جهت رشد فضیلت های اخلاقی گام برمی دارد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- محجه البیضا، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۵۴.

## ۲. مرگ در اندیشه غیراسلامی

### اشاره

۲. مرگ در اندیشه غیراسلامی

زیر فصل ها

الف) عمومی بودن مرگ

ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن

### الف) عمومی بودن مرگ

الف) عمومی بودن مرگ

مسئله اعتقاد به مرگ یکی از نقاط مشترک بین تمام انسان هاست و با هر عقیده و مرامی، نمی توانند مرگ را انکار کنند. تکاپوگران سیر اندیشه بشر، اعتقاد به مرگ را یکی از کهن ترین اندیشه ها می دانند و در این زمینه می نگارند:

فرهنگ اندیشه بشر گواه بر این است که هیچ کس نتوانسته مرگ را انکار کند و توجه به این نکته مهم است که به یقین، انسان یگانه آفریده زنده ای است که می داند باید بمیرد، ولی انسان بدوی مرگ را نه یک رویداد طبیعی و نه دگرگونی بنیادی می دانست، بلکه مرگ را تأثیر خشونت یا جادو می دانست که این کژفهمی بدویان درباره مرگ، درحقیقت به دلیل ناتوانی آنان در نتیجه گیری های مناسب از مشاهداتشان است.<sup>(۱)</sup>

در آموزه های ادیان و گفتار دانشمندان غیراسلامی، شواهد فراوانی است که اعتقادشان را درباره ناگزیر بودن مرگ ابراز داشته اند. در بخشی از آموزه های دین یهود در این باره آمده است:

انسان، امروز اینجاست و فردا خواهد مرد؛ زیرا روز های عمر ما بر زمین، مانند سایه است و آن را دوامی نیست و مرگ قوی ترین نیرویی است که خداوند در جهان پدید آورده است و به هیچ روی نمی توان بر آن چیره شد.<sup>(۲)</sup>

در بخشی از آموزه های مسیحیت آمده است: «همه انسان ها در لحظه آخر زندگی شان در این دنیا و لحظه مرگ قرار می گیرند و این لحظه ترسناک است».<sup>(۳)</sup>

۱- گروه مترجمان، فرهنگ تاریخ اندیشه ها، تهران، انتشارات سعادت، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۲۳۴۹ و ۲۳۵۰.

۲- آبراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲، صص ۹۰ \_ ۹۲.



۳- جورج برنتل، آیین کاتولیک، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴.

مرگ باوری در اندیشه دانشمندان غیراسلامی از امور مسلّم خوانده شده است: «به زودی این زندگی به پایان خواهد رسید، پس به حال خود نظر کن» (۱).

بنابراین، اصل اعتقاد به مرگ و آشکار بودن آن را همه انسان‌ها پذیرفته‌اند و قرآن کریم نیز این واقعیت را در آیات ۹۹ سوره حجر و ۴۷ سوره مدثر بیان داشته است. در آن دو آیه، از مرگ تعبیر به یقین شده و نمایانگر این است که هر قوم و جمعیت، هر عقیده‌ای داشته باشند و هر چیز را انکار کنند، این واقعیت را نمی‌توانند انکار کنند که سرانجام، زندگی پایانی دارد. (۲)

### ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن

#### اشاره

ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن

زیر فصل‌ها

ادیان آسمانی

#### ادیان آسمانی

#### اشاره

ادیان آسمانی

شک نیست که تمام ادیان آسمانی به زندگانی پس از مرگ معتقد بوده‌اند و این عقیده از اساسی‌ترین روش‌های تربیتی مکتب‌های آسمانی است. یکی از پژوهشگران در این زمینه می‌نگارد:

از جمله اعتقادات مشترک در بین ادیان، ادامه حیات پس از مرگ است. دین‌ها نمی‌پذیرند که هستی انسان در همین دوران کوتاه زندگی بر روی زمین خلاصه شود. (۳)

در این میان، بسیاری از مبلغان ادیان، در تحلیل و انتقال آموزه‌های دینی‌شان به دیگران گرفتار لغزش شده‌اند و به خوبی نتوانسته‌اند واقعیت‌های لحظه مرگ و جهان پس از آن را با دیدگاه دینی بیان کنند. به همین جهت از جنبه اصلاح‌گرانه باز مانده و پیروانشان گرفتار پراکندگی و انحراف فکری و عقیدتی شده‌اند. برخی از مبلغان نیز به پیروان خود آموزش می‌دادند که انسان خردمند در تلاش است به مرگ فکر نکند، بلکه فقط به زندگی این دنیا بیندیشد. (۴)

- ۱- اقتدا به مسیح، ص ۷۰.
- ۲- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۷.
- ۳- مسعود جلالی مقدم، کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴، ص ۳۸.
- ۴- فرهنگ تاریخ اندیشه ها، ج ۳، ص ۲۳۵۱.

و البته همین اندیشه‌های انحرافی با رنگ و لعاب دینی سبب می‌شد که اندیشه بشر درباره مرگ و عالم پس از آن، چنان پراکنده شود که حتی روزگاران قائل به تناسخ ارواح گردند.<sup>(۱)</sup>

همین بدآموزی‌های برخی ادیان، سبب اختلاف و دودستگی داخلی در میان دین داران و مبلغان دینی مانند کلیساها شد.<sup>(۲)</sup> به منظور روشن شدن این ادعا به برخی مصداق‌های عینی اشاره می‌شود:

### اول \_ کج اندیشی‌ها درباره مرگ، در یهود و نصارا

اول \_ کج اندیشی‌ها درباره مرگ، در یهود و نصارا

در میان ادیان زنده جهان، دو دین «یهود» و «نصارا» از جمله ادیان بزرگ و دارای پیروان فراوان و کتاب‌های آسمانی هستند و برنامه‌های خاص دینی و تربیتی دارند که بر اثر گذر زمان و غرض ورزی‌های گوناگون، در اصول اعتقادی دینی آنها از جمله مسئله مرگ، تغییر و انحراف بسیار وارد آمده است که در آموزه‌های مرگ اندیشی آنان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

علت پیدایش مرگ: در اندیشه یهود، انسان با همین طبیعت و عنصر خود ماندگار و ابدی است، ولی از آن روز که حضرت آدم خطا کرد و از بهشت رانده شد، مرگ به عنوان مجازات گناهان ابوالبشر از جانب خداوند قرار داده شد.<sup>(۳)</sup> و پس از آن نیز گناه در میان بشر رواج یافت. مرگ هم به دلیل گناهکاری فرزندان آدم باقی ماند و اگر شخصی گناهی مرتکب نشود، پس هرگز نخواهد مرد.<sup>(۴)</sup>

بسیار روشن است که این گونه اندیشه مجرمانه درباره مرگ، به نوعی ایجاد کننده بدبینی به مقدرات الهی است و انسان در زمان مرگ، با احساس گناه نابخشودنی و ناامیدانه چشم از جهان خواهد بست.

۱- محمد هادی معرفت، فرضیه بازگشت روح، ترجمه: سید نصرالله مقدم، مؤسسه امام صادق، ص ۱۹.

۲- جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات پیروز، ۱۳۴۴، ص ۴۴۷.

۳- عبدالوهاب المیری، دائره المعارف یهود و یهودیت، ترجمه: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های خاورمیانه، دبیرخانه کنفرانس بین المللی فلسطین، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۰۹.

۴- گنجینه ای از تلمود، ص ۹۲.

— ترویج عقیده تناسخ ارواح: عقیده به تناسخ، از قدیم در میان برخی اقوام وجود داشت. می گفتند ارواح انسان ها پس از مرگ، دیر یا زود در جسم انسانی دیگر مستقر خواهد شد، ولی ایده تناسخ ارواح، میان یهودیان ترویج شد و در قرن هفدهم بسیاری از آنان را تحت تأثیر قرار داد، به گونه ای که برخی از آنان، خود را روی قبر بزرگان خود می انداختند به امید اینکه روح آنها در ایشان حلول کند. قوم یهود با نگاه نژادپرستانه به قضیه تناسخ می گفتند: بقا بعد از مرگ به قوم یهود اختصاص دارد؛ زیرا این قوم ازلی است و پیوستگی قوم یهود، آن جاودانگی را تحقق می بخشد. (۱)

— سوء استفاده از توبه کنندگان: گرچه توبه و آمرزش خواهی از پیشگاه خداوند، در تمام ادیان آسمانی از جمله ادیان بزرگ مانند اسلام و یهود و مسیحیت به نوعی وجود دارد و شخص گناهکار با ابراز پشیمانی، از خداوند طلب عفو و بخشش می کند، در چگونگی آمرزش خواهی و بیان توبه، مسیحیان گرفتار لغزش ها و استفاده های نادرست شدند که به لحاظ تربیتی بسیار خطرناک بود.

اربابان کلیسا و مبلغان مسیحیت تبلیغ می کردند که با مرگ عیسی، پیروانش از گناه پاک شده اند، (۲) ولی از آنجا که آثار گناه در طبیعت آدمی باقی می ماند، جهت زدودن، مناسکی مانند غسل تعمید، شرکت در مراسم عشای ربانی و پس از آن اعطای بخشش نامه از کشیشان را به اجرا گذاشته و شیوه های خاصی برای جمع آوری مال و دریافت وجوه برپا کرده بودند، برای مثال حق فروش غفران نامه و آزادی از کیفر حق تعالی و حق اعتراف گناهان، یا حق مالیات تعمید. برخی کشیشان این مالیات های مذهبی را محکوم کرده اند و آن را حرام و خلاف مبادی انجیل و اخلاق می خوانند. (۳)

۱- دائرة المعارف یهود و یهودیت، ج ۶، ص ۳۰۸.

۲- توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱، ص ۹۵.

۳- جان ناس، تاریخ جامع الادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، پیروز، ص ۴۴۷.

اربابان کلیسا وجوه به دست آمده از تئوری عفو را که شامل بخشیدن گناهکاران می شد، به منظور تهیه پول برای جنگ ها، طرح های ساختمانی و سازمان های خیریه مسیحی گردآوری می کردند.<sup>(۱)</sup>

## دوم \_ پیامد های انحراف مرگ اندیشی در ادیان

دوم \_ پیامد های انحراف مرگ اندیشی در ادیان

\_ پیدایش اختلاف داخلی: آموزه های یهودیت و مسیحیت درباره مرگ اندیشی به جهت بدآموزی ها و استفاده های ناشایست، نتوانست افراد را زیر چتر تربیتی خود جمع کند، بلکه پیش از همه سبب پیدایش اختلاف و دودستگی میان روحانیان و اربابان کلیسا شد و هر یک با اندیشه متفاوت، رودرروی هم قرار گرفتند.

توماس میشل، یکی از کشیشان مسیحی، می نویسد:

درحالی که بسیاری از کارگزاران کلیسا مردم را به اصلاح دین فرامی خواندند، جریان بخشش نامه ها مانند توپ صدا کرد. در آن جریان، واعظان در هر جا اعلام می کردند که هر مؤمن می تواند با پرداخت مقداری پول به کلیسا، خود را از مجازات بازخرید کند و نجات دهد. مارتین لوتر بر ضد آنان قیام کرد.<sup>(۲)</sup>

همین سودجویی کلیسا از توبه کنندگان سبب شد، پروتستان ها از کلیسا جدا شوند.<sup>(۳)</sup> بدین ترتیب، برخی روشن فکران از درون کلیسا، غسل تعمید و عشای ربانی را تاب نیاوردند و گفتند: هیچ عمل جسمانی، خود به خود نمی تواند موجب پدید آمدن تغییر روحی شود، به این علت آنها از کلیسا بریدند.<sup>(۴)</sup>

\_ پیدایش اندیشه مادی گرایانه درباره مرگ: یکی از آثار زیان بار آموزه های تربیتی یهود و مسیح درباره مرگ اندیشی، پیدایش اندیشه مادی گرایانه درباره

۱- شور جاودانگی، ص ۳۷۹.

۲- کلام مسیحی، ص ۱۰۸.

۳- شور جاودانگی، ص ۳۸۰.

۴- اینار مولد، جهان مسیحیت، ترجمه: محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۴۰۴.

پدیده مرگ در میان دانشمندان، فیلسوفان و روشن فکران بود. آنان با تحلیل دیدگاه ها و باورهای یهودیت و مسیحیت درباره مرگ و رویدادهای پس از آن، به آموزه های دینی بدبین و گرفتار تناقض های درونی شدند. سرانجام نیز با تحلیل های بی اساس مادی، از آموزه های دینی جدا شدند.

یکی از دانشمندان غربی در این زمینه می نویسد:

روی آوردن متفکران به سوی اندیشه های مادی و انکار آموزه های دینی درباره مرگ، پیامد تعلیمات کلیسا بود که پرسش گران را نمی توانست قانع کند و مردم به سوی مکتب های غیر مذهبی روی آوردند. (۱)

### سوم \_ تبیین هویت مرگ در اندیشه های مادی گرایانه

#### اشاره

سوم \_ تبیین هویت مرگ در اندیشه های مادی گرایانه

زیر فصل ها

\_ تجربه های مادی و نیست انگاری

\_ چیرگی بر ترسناکی مرگ

\_ تجربه های مادی و نیست انگاری

\_ تجربه های مادی و نیست انگاری

از مهم ترین اندیشه مادی گرایان درباره مرگ این ادعاست که ما در تجربه ها و آزمایش های مادی که انجام داده ایم، دریافته ایم انسان با مرگ، نیست و نابود می شود و پس از آن دیگر خبری نیست و با صراحت می گویند:

در جهان مدرن، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، برای روشن فکران بسیار مشکل است و جهان بینی مدرن، زندگی پس از مرگ را امری احتمالی نمی دانند و این اعتقاد را از لحاظ تجربه ماورایی، بی اساس و از حیث اخلاقی زیان بار می دانند. (۲)

همچنین در تعریف مرگ می نویسند:

در زیست شناسی، مرگ عبارت است از توقف زندگی و نشانه های آن مانند قطع تنفس. ضربان قلب و نفس. می توان با پذیرش مرگ به استقبال آن رفت؛ زیرا مرگ پایان زندگی و نیستی است و ترس ندارد. (۳)

براساس همین اندیشه، نیچه یکی از دانشمندان مادی گرامی گوید:

---

۱- ویلسون براین، دین مسیح، ترجمه: حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴.

۲- دیوید گریفین، خدا و دین در جهان پسامدرن، ترجمه: حمیدرضا آیت‌اللهی، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹.

۳- شور جاودانگی، صص ۴۷ و ۴۸.



ما دیگر خاستگاه انسان را در روح و الوهیت نمی‌جوئیم، او را به میان حیوانات برگردانده ایم. ما او را نیرومندترین حیوانات می‌دانیم؛ زیرا او حيله گرترين آنهاست. اگر ما هوس ها را رام کنیم، ديگر برای ما چه می‌ماند. (۱)

### — چیرگی بر ترسناکی مرگ

— چیرگی بر ترسناکی مرگ

کسی که با اندیشه مادی به انسان بنگرد و زندگی خود را منحصر به چندروز دنیا بداند و از طرفی مرگ را پایان دهنده آرزوها و کوشش های خود بداند، جای تعجب نیست اگر از بیم مرگ به خود بلرزد و شاهد شیرین زندگی در کامش تلخ شود. بر همین اساس، در تفکر مادی گرایانه پدیده مرگ هراس انگیز و بسیار ناگوار نشان داده شده است و برای اینکه از فشار های عصبی و روانی مرگ اندیشی رهایی یابد، به تکاپوی یافتن راه حل ها افتاده است. در نتیجه، بهترین راه غلبه بر ترس از مرگ را در تعطیلی مرگ اندیشی می‌جوید و در آموزه های خود پیشنهاد می‌کند که ترس از مرگ و غریزه نگهداری از آنچه داریم، ما را وادار می‌دارد تا در حد توان، اندیشه مرگ و آگاهی از همراهی مرگ را از خود دور کنیم. (۲)

در برخی بررسی های آنان درباره فلسفه زندگی و جایگاه لذت یابی در زندگی آمده است: «برای رسیدن به لذت بی درد و رنج، باید با فراموشی مرگ، بر خرافه، موهوم پرستی و ترس از مرگ چیره شد». (۳)

در آخرین گزینه پیروزی بر ترس و اضطراب، در اندیشه مادی گرایان آمده است که اگر فشار زندگی و نیز ترس از مرگ بر انسان غلبه کرد و نتوانست آن

۱- علیرضا شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلام، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱، ص ۸۱.

۲- میشل مالرب، انسان و ادیان، ترجمه: مهراں توکلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۲.

۳- هالینک دیل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱.

را فراموش کند، باید از خود شجاعت نشان دهد، خود را به دام مرگ اندازد و با خودکشی از دام همه آن ترس و اضطراب‌ها نجات یابد. (۱)

براین اساس، مرگ اندیشی در اندیشه غیر اسلامی با خرافه‌ها و کج اندیشی‌های بسیار خطرناک همراه است که برای تربیت و اصلاح افراد، اغلب بدون نتیجه بوده است و نتیجه‌ای خراب‌کارانه دارد.

### ۳. مقایسه پیامدهای دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی

#### اشاره

۳. مقایسه پیامدهای دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی

در تحلیل کاربردی و عملیاتی میان دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی درباره هویت مرگ و واقعیت‌های آن، می‌توان به پیامدهای متفاوت تربیتی دست یافت:

#### الف) اندیشه اسلامی

الف) اندیشه اسلامی

— در اندیشه اسلامی مرگ پایان زندگی نیست، بلکه عبورگاهی به سوی جهان دیگر است که در آنجا رفتارهای انسان در این دنیا داوری و بازخواست می‌شود.

— در تفکر اسلامی، دنیا آزمایشگاهی است که آخرت، در ادامه همین حیات و در افق بالاتر قرار دارد.

— حقیقت انسان فراتر از پدیده‌های مادی است و نمی‌توان تمام حقایق آن را با میزان مادی گرایانه سنجید.

— سعادت یا شقاوت انسان در جهان پس از مرگ، تابع رفتار انسان در این دنیاست. بر این اساس، در منابع اسلامی روی کنترل گفتار و رفتار اجتماعی و فردی، کنترل غرایز و گرفتار نیامدن در دام لذت‌خواهی‌های زودگذر دنیا و تقویت امید به دست‌یابی به پاداش‌ها و وعده‌های خداوند در جهان دیگر بسیار تأکید شده است.

**(ب) اندیشه غیراسلامی****(ب) اندیشه غیراسلامی**

گرچه با نگاه خوش بینانه به آموزه های ادیان غیراسلامی مانند یهودیت و مسیحیت، می توان گفت آنان نیز مانند مکتب اسلام برای تربیت افراد در زمینه مرگ اندیشی دارای برنامه های دینی و آسمانی بوده اند، راه یابی برخی اندیشه های تنگ نظران و دخالت دادن برنامه های نژادپرستانه، همچنین وجود بعضی سوءاستفاده های مذهبی، آموزه های آنان را به چالش کشانده و در نتیجه وجود ظلم ها، تعدی ها و بی بندوباری های فراوان، دنیاگرایی بی حد و مرز و... در میان پیروان آنها، بهترین گواه بر ناکارآمدی برنامه های تربیتی آنان در زمینه مرگ اندیشی بوده است.

با وجود این، درباره آثار مرگ اندیشی در میان مادی گرایان، با قاطعیت می توان گفت که همه چیز خود را منحصر به این دنیا می بینند و رفتار خود را به گونه ای تنظیم می کنند که فقط نیاز های این دنیایشان را تأمین کند و عنان خود را به دست خواسته ها، شهوت ها و بی بندوباری ها می سپارند و آنها را آزاد می گذارند. آنها با پوچ انگاری زندگی و نشناختن حد و مرز، در لذت خواهی برای رسیدن به آرزوهای زودگذر خود مرزی نمی شناسند و انسان را موجودی سرگردان می پندارند و سرنوشت نامطلوبی برایش می بینند.

**موضوع های کاربردی در رسانه****اشاره**

موضوع های کاربردی در رسانه

در این قسمت، برای درست اندیشی و هدایت افکار، به نکات مهمی اشاره می کنیم که می تواند در بیدارسازی اندیشه مذهبی در برنامه های تربیتی رسانه استفاده شود:

**۱. میزگردها****۱. میزگردها**

درباره موضوع هایی چون مرگ اندیشی، می توان با انتخاب افراد متخصص، میزگردهایی تشکیل داد و به مطالب ذیل پرداخت:

الف) حقیقت مرگ از دیدگاه اسلام و بیان اینکه با مرگ، همه چیز تمام نشده است، بلکه پس از آن، زندگانی نو در عالم برزخ آغاز می شود.

ب) ناگزیر بودن از مرگ و اینکه کسی نمی تواند از مرگ نجات یابد.

ج) فراگیر بودن مرگ برای همه و توضیح اینکه در صورت جاودانگی، باید خوبانی مانند امامان معصوم (ع) باقی می ماندند.

د) تبیین انواع مرگ و تحلیل مستند با آیات قرآن درباره خودکشی، عوامل آن و قتل نفس دیگران و جایگاه مرگ ارادی.

هـ) تحلیل کارشناسی درباره افول معنویت در جهان غرب مانند قتل های خیابانی، بی بندوباری ها، تجاوزات و آزار جنسی و فروپاشی خانواده ها به علت نداشتن تفسیر درست از مرگ.

## ۲. طرح پرسش های مردمی

۲. طرح پرسش های مردمی

الف) همه مردم باید از کدام گذرگاه عبور کنند؟

ب) آیا با مرگ، همه چیز تمام می شود؟

ج) آیا مرگ، یکی از مخلوقات خداوند است؟

د) آیا کسی را سراغ دارید که از مرگ فرار کرده باشد؟

هـ) آیا کسی از زمان مرگ خود آگاهی دارد؟

و) مرگ برای چه کسانی ترس آور است؟

ز) مرگ انسان دست چه کسی است؟

## فصل سوم: موانع، راهکارها و آسیب‌های مرگ اندیشی

### اشاره

فصل سوم: موانع، راهکارها و آسیب‌های مرگ اندیشی

با نگاهی به منابع دینی و نیز تجربه‌های اجتماعی، می‌توان به این واقعیت دست یافت که مرگ اندیشی با توجه به اهمیت تربیتی، همواره در معرض هجوم گرایش‌های مادی و معنوی قرار دارد و با موانع بازدارنده و خطرناک روبه‌روست که هر یک می‌تواند چراغ مرگ اندیشی را خاموش کند و انسان را به حال غفلت و بی‌خبری فرو برد.

در منابع دینی می‌توان به راهکارهایی، برای برطرف کردن آن موانع و تقویت مرگ اندیشی دست یافت. در این فصل، نخست موانع مرگ اندیشی و سپس با استفاده از منابع دینی و راهکارهای تقویت مرگ اندیشی را بررسی می‌کنیم.

### ۱. موانع مرگ اندیشی

#### اشاره

۱. موانع مرگ اندیشی

زیر فصل‌ها

الف) نسیان

ب) غفلت از مرگ

ج) آرزوی دراز

د) دنیا‌گرایی

هـ) رهبران فاسد و ستم‌پیشگان

و) دام‌های فریبنده شیطان

ز) دوستان ناباب

ح) تکیه بر نیروی جوانی

ط) دور دانستن زمان مرگ

ی) خودبینی

## الف) نسیان

الف) نسیان

نسیان به معنای فراموشی و مقابل ذکر است و حالت یادآوری و اندیشه مرگ را از انسان می گیرد.

قرآن از آثار زیان بار فراموشی این گونه یاد می کند که برخی در قیامت، نابینا محشور می شوند، می پرسند: خداوندا! ما بینا بودیم، چرا نابینا محشور شدیم؟ خطاب می رسد:

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى. (طه: ۱۲۶)

همان گونه که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش شدی.

مراد از نشانه ها، قرآن و پیامبر خدا و دیگر نشانه های خداوند است. (۱)

یکی از نشانه های حتمی، مرگ است که به قضای الهی بر انسان مقدر شده و ناگزیر بودن آن، می طلبد که انسان همواره به یاد مرگ باشد.

علی (ع) از کسانی که مرگ را فراموش می کنند، با شگفتی یاد می کند و می فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَ هُوَ يَرَى الْمَوْتَ؛ من تعجب می کنم از کسی که مرگ را فراموش کرده و حال آنکه او کسی را که می میرد، مشاهده می کند». (۲)

همچنین می فرماید: بشتابید به سوی مرگ که اگر فرار هم بکنید، شما را درمی یابد و اگر ایستاده باشید، شما را می گیرد. «وَ إِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرْكُمْ؛ اگر شما فراموشش کنید، او به یاد شماست». (۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به ابوذر فرمود:

اگر دوست داری که به بهشت وارد شوی، بکوش آرزویت را در این دنیا کم کنی، همواره مرگ را در نظر داشته باش و در کارهایت از خدا شرم داشته باش «وَ أَنْ لَا تَنْسَ الْمَوْتَ؛ و هیچ گاه مرگ را فراموش مکن». (۴)

بنابراین، فراموشی، مانع مهم مرگ اندیشی است و بدون شک، اگر کسی مرگ را فراموش کند، در مسیر سقوط اخلاقی و فساد و تباهی قرار می گیرد و در نتیجه، گرفتار تباهی و بی بندوباری خواهد شد. کسی که مرگ را فراموش می کند، نه از گناه ترسی دارد و نه درصدد اصلاح خویش برمی آید. لحظه های عمر را همچون چارپایان گذرانده و سرمایه های انسانی را بی هدف از کف خواهد داد. (۵)

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۵۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶، ص ۶۵۴.

۳- ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی (سید رضی)، خصائص الائمة، ص ۱۰۹.

۴- شیخ حسن دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البیت، دار احیاء التراث العربی، ص ۱۹۷.

۵- عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵، ص ۴۶۹.

در روایتی نقل شده است: ذوالقرنین در فتوحات خود، به شهری رسید و در آنجا عجایبی دید، مثلاً قبر های مردگان شان جلوی خانه هایشان بود، خانه هایشان بدون در بود و شهرشان هم بدون حاکم و پاسبان و قاضی اداره می شد. از اهالی آن شهر علت را جویا شد و آنها در پاسخ گفتند: اینکه قبر مرده های ما جلوی خانه هایمان قرار دارد، برای این است که مرگ را فراموش نکنیم و با دیدن قبور آنها یاد مرگ از دل ما خارج نشود. همچنین، در میان ما هیچ گونه اختلاف و درگیری وجود ندارد و هرکسی بر داشته های خود قانع است، از این رو، ما در اداره شهرمان نیازی به قاضی و پاسبان نداریم. (۱)

### (ب) غفلت از مرگ

#### (ب) غفلت از مرگ

بدون شک، گرفتار آمدن در دام غفلت، انسان را از توجه و اندیشه به مرگ بازمی دارد و از آموزه های تربیتی مرگ اندیشی محروم می کند؛ زیرا غفلت به معنای بی توجهی و اهمیت ندادن به هدف های زندگی آمده است. (۲) در قرآن و روایات، بی توجهی به مرگ، یکی از عوامل بازدارنده مرگ اندیشی یاد شده و ریشه خیلی از سیه روزی ها، تباهی انسان و مفسد اخلاقی او در همین غفلت از مرگ بیان شده است. در سوره مبارک انبیا ذیل آیه «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» می فرماید: «حساب مردم به آنان نزدیک شده، درحالی که در غفلت و روی گردانند.» در تفسیر این آیه آمده است که مرگ و جهان پس از آن نزدیک است، ولی انسان ها به واسطه عواملی مانند دنیاگرایی به فکر آن نیستند. (۳)

۱- امالی صدوق، ص ۱۷۱؛ تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۱۸۰؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۲.

۲- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷، طبع الثانیه، ج ۳، ص ۳۱۳؛ حسین بن محمد راغب، مفردات، تهران، المکتبه المرتضویه، ص ۱۸۰.

۳- ابو جعفر شیخ محمد حسین طوسی، التبیان فی تفسیر قرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۲۲۸.



امیر مؤمنان، علی (ع) در یکی از سفارش هایش می فرماید:

أَوْصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ. (۱)

شما را توصیه می کنم، همواره به یاد مرگ باشید و از آن غفلت نکنید. چگونه از آن غافل می مانید، در صورتی که او از شما غفلت نمی کند.

همچنین آن حضرت می فرماید: «عَجِبْتُ لِغَاوِلٍ وَالْمَوْتُ حَيْثُ خَلْفَهُ؛ مَنْ مِنْ أَهْلِ غَافِلِيٍّ كَمَا مَرَّكَ بِالسَّرْعَةِ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِكَ» (۲). حرکت است، در شگفتی.

باید توجه کرد که غفلت ما از مرگ برای این است که در این زمینه احساس خطر نمی کنیم، در نتیجه با پیدایش امنیت دروغین، مرگ را کم به یاد می آوریم و در صورت یادآوری نیز قلبمان فارغ نیست. (۳)

به گفته امام صادق (ع) چاره غفلت این است که انسان بکوشد، در همه حال به یاد مرگ باشد:

ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَيَقْطَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ. (۴)

یاد مرگ خواهش های نفسانی را می میراند و ریشه های غفلت را از بین می برد.

بنابراین، هر کس اگر با دید باز به زندگی و کردار خود دقت کند، متوجه می شود که سرچشمه بسیاری از گناهان، غفلت از مرگ است. با اندیشیدن درباره مرگ می توان خود را از اسارت گناهان نجات داد و سعادت مند شد.

یکی از بزرگان در این زمینه می فرماید:

ای بیچاره! مرگ را در دل خود جای ده؛ چه تو را با شتاب می برد و تو از خود غافل. شاید به منزل نزدیک شده و مسافت پیموده باشی، لیکن این امر محقق نمی شود، مگر آنکه به عمل شتابی و هر نفسی را که در آن به تو مهلت داده شده است، غنیمت شماری. (۵)

۱- نهج البلاغه، ص ۳۷۰، خطبه ۱۸۸.

۲- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۵.

۳- سید عبدالله شبر، الاخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸، ص ۴۴۳.

۴- مصباح الشریعه، ص ۱۷۱.

۵- محجّه البیضا، ج ۸، ص ۲۹۹.

**ج) آرزوی دراز**

ج) آرزوی دراز

داشتن آرزو و امید برای انسان، نعمتی الهی است و برای ایجاد تحرک و فعالیت ضرورت دارد. آدمی همیشه به زندگی و آینده امیدوار است و اگر این حالت از انسان گرفته شود، زندگی اش به خاموشی می گراید. براین اساس، پیامبر خدا فرمود: «آرزو بر امت من رحمت است. اگر آرزو از انسان گرفته شود، مادر به فرزند شیرخواره اش شیر نمی دهد و باغبان نهالی نمی کارد» (۱).

مهم، دانستن این مطلب است که ممکن است این آرزو در انسان چنان رشد کند که او را از توجه به حقیقت زندگی در این دنیا باز دارد و تمام امیدش، به این دنیا و ماندن در آن جلب شود و مرگ و زندگی واقعی پس از آن را فراموش کند.

چنان که خداوند در قرآن می فرماید: شیطان حضرت آدم را از راه علاقه او به جاودانگی فریب داد و وسوسه کرد که جاودانگی شما با خوردن از آن درخت، تأمین می شود:

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ. (طه: ۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می خواهی که تو را بر درخت جاودانگی و قدرت زوال ناپذیر هدایت و راهنمایی کنم؟

و در آیه دیگر می فرماید:

وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. (اعراف: ۲۰)

و گفت: پروردگار شما از خوردن میوه این درخت منعتان نکرد، جز آنکه [با خوردن] آن، دو فرشته یا از جاودانگان خواهید شد.

دو آیه فوق، گویای این هستند که شیطان آدم را خوب می‌شناخت و می‌دانست میل به جاودانگی و آرزوی دراز در نهاد اوست. از این رو کوشید تا از راه این میل او را فریب دهد. (۱) بنابراین، از نظر تربیتی آرزوی دراز، مانعی برای درک انسان از حقیقت زندگی و مرگ است. از این جهت، خداوند در یکی از برنامه‌های تربیتی خود، آرزوی جاودانه ماندن در این دنیا را تحقق ناپذیر می‌داند و می‌فرماید:

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ. (انبیاء: ۳۴)

و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی و ابدیت قرار ندادیم. پس آیا اگر تو از دنیا رفتی، آنان جاوید می‌مانند؟

«إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ؛ تو می‌میری و آنان نیز خواهند مرد». (زمر: ۳۰)

این دو آیه خطاب به پیامبر خدا است. پیام تربیتی آنها این است که وقتی جاودانگی در این دنیا برای آن حضرت امکان ندارد، برای دیگران نیز همین گونه است. پس بیهوده به دنبال آرزوهای دست نیافتنی نباشند، بلکه در اندیشه دست یابی به حقیقت زندگی و مرگ خود باشند و با آرزوهای دراز، زمینه مرگ اندیشی را از خود دور نسازند.

در شعری که منسوب به امیرمؤمنان، علی(ع) است، آن حضرت می‌فرماید:

يَا مَنْ بَدُنِيَاهُ اشْتَغَلَ

قَدْ غَرَّهٗ طُولُ الْأَمَلِ

الْمَوْتُ يَأْتِي بَعْتَهُ

الْقَبْرِ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ

و لَمْ تَزَلْ فِي غَفْلَةٍ

حَتَّى دَنَا مِنْكَ الْأَجَلُ (۲)

ای کسی که غرق دنیا شده‌ای و آرزوی طولانی، تو را مغرور ساخته است.

ناگهان مرگ فرا می‌رسد و قبر، بایگانی عمل است.

۱- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۵۶.

۲- دیوان منسوب به امام علی(ع)، ترجمه: مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام، ص ۳۱۲.

در خواب غفلت تا آنجا به سر برده ای که مرگ به تو نزدیک شده است.

در حدیث معروفی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

خطرناک ترین چیزی که بر اتم از آن می ترسم، هواپرستی و آرزوهای دراز است؛ چراکه هواپرستی، انسان را از حق بازمی دارد و آرزوی دراز، آخرت را به فراموشی می سپارد. (۱)

## (د) دنیا گرایی

(د) دنیا گرایی

از آنجا که مسیر زندگی ما به گونه ای رقم خورده است که ما با مادیات و برخی زرق و برق های دنیایی سروکار داریم و به طور طبیعی برای ادامه زندگی خود به برخی موهبت های مادی خداوند نیازمند هستیم، ممکن است در بهره وری از این نعمت های الهی از مرگ اندیشی بازمانیم. با مراجعه به آیات قرآن و روایات امامان معصوم (ع) درمی یابیم که در آموزه های تربیتی دینی، از دنیا، هم مدح شده و هم مذمت:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. (عنکبوت: ۶۴)

این زندگی دنیا چیزی جز لهو و بازی نیست و زندگی حقیقی در آخرت است، اگر بدانند.

علی (ع) می فرماید: «مَثَلُ دُنْيَا وَآخِرَتِ هَمَانَدِ مَغْرَبٍ وَمَشْرِقٍ اسْتِ كِه نَزْدِيكِي بِه هَرِيك، عَيْنِ دُورِي از دِيكْرِي اسْتِ». (۲)

این تعبیرها نشان می دهد که دنیا و آخرت در مقابل هم و جمع ناشدنی است. از طرف دیگر در برخی آیات و روایات، این دنیا ستایش و محل تجارت و کسب بهشت معرفی شده است. چنان که از پیامبر خدا نقل شده است: «الْأَلْدُنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ؛ دُنْيَا مَزْرَعَةُ آخِرَتِ اسْتِ». (۳)

۱- الخصال صدوق، ص ۵۱؛ محمد بن حسین فتال نیشابوری، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۸، ص ۴۳۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۰۳.

۳- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۴۰۵ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۷۶.

و نیز امام علی (ع) می فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا مَسْجِدٌ أَحْبَبَ إِلَيْهِ اللَّهُ وَ مُتَّجِرٌ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ دنیا سجده گاه دوستان خدا و جایگاه تجارت آنهاست». (۱)

بنابراین، در معارف اسلامی بین دنیا و آخرت، هم وابستگی و پیوستگی وجود دارد و هم دوگانگی، که درحقیقت این دو تعبیر ستایش و نکوهش درباره دنیا، به اندیشه تربیتی و دیدگاه انسان نسبت به دنیا برمی گردد.

اگر دنیا در نظر انسان مقصد و هدف اصلی نباشد، بلکه مقدمه ای برای زندگی آخرت باشد، همواره می کوشد به هدف های بلند و کمالات انسانی برسد تا در آخرت به موقعیت بهتری دست یابد. چنین دنیایی و زندگی در آن ستایش می شود؛ زیرا این گونه زندگی، همان زندگی عاقلانه ای است که پیامبران و رهبران راستین برای بشر معرفی کرده اند. در چنین زندگی انسان همواره برای زندگی آخرت و دست یابی به نعمت های الهی تلاش می کند. (۲)

حال اگر دنیا در نظر انسان یک هدف اصلی و نهایی جلوه کند، نکوهش می شود؛ زیرا چنین انسانی تمام نیروی فکری و عملی خود را برای دست یابی به دنیا صرف کرده و از اندیشه و توجه به مرگ و جهان آخرت به کلی بازمانده است و در آخر عمرش متوجه خواهد شد که زندگی در این دنیا خیالی بیش نبوده و او در هنگام مرگ، دستش از زاد و توشه خالی خواهد بود. (۳)

قرآن در این زمینه می فرماید: «مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِي حَيْثُ وَفَّهِ؛ خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده». (احزاب: ۴) یعنی نمی توان در یک دل، دو هدف، هم دنیاخواهی و هم مرگ اندیشی و آخرت گرایی را هم زمان پرورش

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴، ص ۶۲۴؛ معاد در قرآن، ج ۴، ص ۶۲.

۳- المیزان، ج ۱۳، ص ۶۲؛ مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۸۳.

داد، بلکه باید یکی هدف اصلی و دیگری وسیله آن قرار گیرد. کسی که تربیت شده مکتب اسلام باشد، قطعاً دنیا را وسیله ای برای رسیدن به خوبی های آخرت قرار خواهد داد.

امام علی(ع) در سخنانی، از اشتباه کسانی که به دنیا دل بسته اند و به مرگ بی توجهند، پرده برمی دارد و می فرماید:

همانا مرگ، نابودکننده لذت ها، تیره کننده خواهش های نفسانی و دورکننده اهداف شماست. مرگ، دیدارکننده ای دوست نداشتنی، هموردی شکست ناپذیر و کینه توزی است که بازخواست نمی شود. دام های خود را هم اکنون بر دست و پای شما آویخته و سختی هایش شما را فرا گرفته و تیر های خود را به سوی شما پرتاب کرده است. چه زود است که سایه های مرگ و شدت درد های آن، تیرگی های لحظه جان کندن، بیهوشی سكرات مرگ، تاریکی چشم پوشیدن از دنیا و تلخی خاطره ها شما را فرا گیرد. ممکن است که مرگ ناگهانی بر شما هجوم آورد و خانه های شما را خالی و میراث خواران شما را برانگیزد تا ارث شما را تقسیم کنند. آنان یا دوستان نزدیکند که به هنگام مرگ نفعی نمی رسانند یا غم زدگان که نمی توانند جلوی مرگ را بگیرند یا سرزنش کنندگان که گریه و زاری نمی کنند. بر شما باد تلاش و کوشش و جمع آوری زاد و توشه آخرت. (۱)

## هـ) رهبران فاسد و ستم پیشگان

هـ) رهبران فاسد و ستم پیشگان

اگر در رفتارشناسی انسان ها در زندگی دینی و اجتماعی آنها دقت شود، به خوبی می توان پی برد که طرز تفکر رهبران الهی و غیرالهی در چگونگی رفتار مردم نقش مهمی دارد. رهبران الهی براساس آموزه های وحیانی همواره در برنامه های تربیتی و هدایتی شان خدا باوری و مرگ اندیشی را میان مردم ترویج می کردند و می کوشیدند با تقویت بینش مرگ باوری، امنیت رفتار فردی و اجتماعی به وجود آورند و راه کمال جویی انسانی را هموار سازند.

در برابر آنان، رهبران باطل و پیشوایان کفر و ضلالت با استفاده از انواع برنامه های ضد دینی و فریب ها و نیرنگ های گوناگون می کوشیدند، مردم را از خدا باوری و مرگ اندیشی دور سازند و برنامه های تربیتی سفیران هدایت را خنثا کنند.

در قرآن آمده است که فرعون در مبارزه خود با خدا باوران و مرگ اندیشان می گفت: «لَئِنِ اتَّخَذتْ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ؛ اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد». (شعرا: ۲۹)

نیز ابودرداء، یکی از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه از خطر دین ستیزی رهبران گمراه اظهار نگرانی می کرد و می فرمود: «أَخُوفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَلَأئِمَّةُ الْمُضِلِّينَ؛ بیشترین هراس من نسبت به شما از ناحیه رهبران گمراه است». (۱)

### (و) دام های فریبنده شیطان

(و) دام های فریبنده شیطان

یکی از موانعی که بر سر راه مرگ اندیشی وجود دارد، شیطان است. شیطان از نخستین روز آفرینش آدم (ع) همیشه به دنبال بستن راه های کمال جویی برای آدمیان بوده و از ابزارهای گوناگون برای گمراه ساختن انسان و انحراف اندیشه او استفاده کرده است.

او با وعده های دروغین، افکار و اندیشه انسان را در اختیار می گیرد و یاد مرگ را از ذهنش بیرون می کند و او را به کارهای ناشایست وامی دارد.

از روایات به دست می آید که شیطان برای گمراه ساختن انسان، چنان می کوشد که حتی در لحظه های سخت آخر عمر نیز دست بردار نیست و به سراغ او می آید.

۱- عبدالله بن بهرام الدارمی، سنن، دمشق، مکتبه الاعتدال، ج ۱، ص ۷۰.

امام صادق(ع) می فرماید:

هرگاه مرگ کسی فرا رسد، ابلیس از میان شیاطین دستیارش، افرادی را برمی انگیزد تا او را به کفر فرمان دهد و در دینش به تردید اندازد تا زمانی که روحش از بدن جدا شود.<sup>(۱)</sup>

آن لحظه، خطر شیطان چنان بالاست که از آن به «عَدِيلُهُ عِنْدَ الْمَوْتِ» یعنی عدول از حق به سوی باطل یاد شده؛ زیرا شیطان، محضر را نسبت به عقایدش و حقانیت مرگ و سوسه می کند.<sup>(۲)</sup> بزرگان همیشه از این بد عاقبت شدن در هراس بودند و با جمله «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَيْدِيلِهِ عِنْدَ الْمَوْتِ» به خدا پناه می بردند.<sup>(۳)</sup> به این دلیل است که برای حفظ ایمان در آن لحظه، دستورالعمل هایی بیان شده است.<sup>(۴)</sup>

## ز) دوستان ناباب

ز) دوستان ناباب

تأثیرگذاری دوستان و هم نشینان، برای هیچ کس پوشیده نیست. چنان که دوستان نیک اندیش در تشویق و روی آوردن انسان به راه خیر و فضیلت مؤثرند، دوستان و هم نشینان ناباب نیز بر رفتار و عقیده انسان اثر می گذارند و او را گمراه می کنند. این مسئله از نظر تربیتی به قدری مهم است که امام صادق(ع) از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَن يُخَالِلُ.<sup>(۵)</sup>

انسان در زندگی براساس آیین و مسلک دوست خود سیر می کند. پس هریک از شما باید بنگرد با چه کسی دوستی می کند.

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۳؛ وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۵۵؛ کافی، ج ۳، ص ۱۲۳

۲- معاد، ص ۸۶

۳- معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، ص ۱۰؛ امام خمینی، اسرار الصلاة، ص ۲۳۸؛ سید محمدحسین حسینی تهرانی، معادشناسی، حکمت، ۱۳۶۱، ص ۱۴۷.

۴- وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۵۵؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۹۵؛ مفاتيح الجنان، دعای عدیله.

۵- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۲.



علی (ع) می فرماید:

مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَنَسَأَةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةُ لِلشَّيْطَانِ. (۱)

هم نشینی با هوس رانان، باعث از یاد رفتن ایمان و حاضر شدن شیطان می گردد.

انسان هایی که با افراد ناباب که به لحاظ عقیدتی و رفتاری سالم نیستند، هم نشین می شوند و با آنان رفت و آمد دارند، بناچار تحت تأثیر قرار می گیرند و در نتیجه به عقاید دینی از جمله مرگ بی توجه می شوند.

خطر دوستان در زمینه مرگ اندیشی چنان قوی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مرگ هیچ کس فرا نمی رسد، مگر اینکه دوستان او در پیش چشمش جلوه گر می شوند. اگر از خوبان باشند، نیک جلوه می کنند و اگر از بدان باشند، بد جلوه می کنند. (۲)

از امام علی (ع) نیز این گونه روایت شده است که افراد شایسته و کسانی را که به یاد خدا و جهان آخرت هستند، برای دوستی انتخاب کنید؛ زیرا آنان در موقع مرگ در نظر شما جلوه می کنند و در سرنوشت شما اثر دارند. (۳)

آن حضرت در یکی از کلام های تربیتی و سازنده خود، به فرزندش، محمد حنفیه، خطاب می کند:

بَابِ مِنْ أَهْلِ الشَّرِّ وَمَنْ يَصُدُّكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ بِالْأَبْطِيلِ الْمَزْخَرِ فَه. (۴)

فاصله گیر از بدکرداران و کسانی که با کردار های بیهوده تو را از یاد خدا و یاد مرگ باز می دارند.

از آیات و روایات به دست می آید، دوستانی که در دنیا همدیگر را از مرگ اندیشی و آخرت گرایی دور می سازند، در روز قیامت به زیان های خود

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲- ۳. محجه البیضا، ج ۳، ص ۴۸۳؛ جامع السعاده، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۳۸.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۶۳.

پی می برند و با همدیگر دشمن می شوند: «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ؛ دوستان در آن روز [قیامت] دشمن یکدیگرند». (زخرف: ۶۷)

امام صادق (ع) می فرماید:

أَلَا كُلُّ خُلَّةٍ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا فِي غَيْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَصِيرُ عَدُوًّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

بدانید هر دوستی ای که در دنیا برای غیر خدا باشد، در روز قیامت به دشمنی مبدل می شود.

### ح) تکیه بر نیروی جوانی

ح) تکیه بر نیروی جوانی

دوره جوانی دوره شکوفایی غریزه زیبادوستی و لذت طلبی است و فرصتی بی نظیر است که جوان با بهره گیری از موهبت های نهفته در خود، با تلاش در راه کسب معرفت حق، شایستگی و ظرفیت خویش را بروز می دهد و با اندیشه و فطرت پاک خود و عبادت خداوند، به پاداش های بزرگ الهی دست می یابد. جوانی از نعمت های بزرگی است که در روز قیامت، از این بخش از زندگانی انسان بازخواست می شود که آن را در چه مسیری گذرانده است. (۲) از سوی دیگر، دوره جوانی به سبب شدت یافتن خواسته های شهوانی، یکی از سخت ترین دوره هاست که امکان دارد جوان با تکیه بر گستاخی و بلندپروازی های جوانی اش، به انحراف کشیده شود و از اندیشه دینی باز ماند.

امیرمؤمنان، علی (ع) در این زمینه می فرماید:

يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سِيْرِ الْمَالِ وَ سِيْرِ الْقُدْرَةِ وَ سِيْرِ الْعِلْمِ وَ سِيْرِ الْمَدْحِ وَ سِيْرِ الشَّبَابِ فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحًا خَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ. (۳)

برای خردمند شایسته است که خود را از مستی مال، قدرت، علم، ستایش و جوانی نگاه دارد؛ زیرا هر یک از این امور، تندباد های پلیدی است که عقل را زایل می کند و وقار را فرو می ریزد.

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۱۲.

۲- امالی صدوق، ص ۳۹.

۳- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۶۲.

براین اساس، بیم این می رود که نیروی جوانی سبب شود اندیشه و فکر جوان به انحراف کشیده شود و مرگ و جهان آخرت را فراموش کند. یکی از بزرگان در این زمینه می فرماید:

گاهی انسان به جوانی خویش اعتماد می کند و مرگ را در سن جوانی بعید می داند، زمانی نیز سلامت جسمی و نیروی جوانی، با هم او را از غافلان می سازد و مرگ را دور تصور می کند. بیچاره فکر نمی کند که اگر پیران شهرش شمرده شوند، یک دهم اهل شهر نیستند، مرگ بیشتر در جوانی گریبان مردم را می گیرد. نیز فکر نمی کند که مرگ، ناگهانی می آید. آدمی اگر قدری فکر کند که مرگ ناگهانی آمده و جوان و جسم سالم را نمی شناسد، به فکر چاره می افتد. (۱)

امام خمینی رحمه الله نیز دوره جوانی را غفلت آور دانسته و به جوانانی که با تکیه بر نیروی جوانی خود از مرگ غفلت می کنند، می گوید: «کمیاب بودن پیران دلیل بر این است که مرگ به جوانان نزدیک تر است. در یک شهر پنجاه هزار نفری، انسان پنجاه نفر پیر هشتاد ساله نمی بیند». (۲)

بنابراین، اگر نیروی جوانی درست تربیت و هدایت نشود، سبب غفلت انسان از مرگ خواهد بود.

### (ط) دور دانستن زمان مرگ

(ط) دور دانستن زمان مرگ

در نظام تربیتی اسلام، مرگ از همه چیز به انسان نزدیک تر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «انسان مؤمن باید همیشه به گونه ای باشد که هیچ گاه از حالت یقین به مرگ خالی نباشد». (۳) امام باقر (ع) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ آدَمَ وَ جَعَلَ أَجَلَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ؛ خداوند بنی آدم را خلق کرد و مرگ او را جلوی چشمش قرار داد». (۴)

۱- ترجمه الاخلاق، ص ۴۴۷.

۲- امام خمینی، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۳.

۳- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۹.

۴- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۲.

امام صادق(ع) نیز می فرماید: «انسان مؤمن هیچ گاه مرگ را دور نمی داند، با خود همراه می داند و همیشه مشغول انجام کارهای نیک است».(۱)

اما در عین حال اگر در زندگی انسان ها دقت شود، بسیاری کسانانی که از فکر و اندیشه مرگ غافل هستند و مرگ را دور می پندارند. در روایات امامان معصوم(ع)، این حالت مانعی برای مرگ اندیشی یاد شده و بر بیرون شدن از آن وضعیت بسیار تأکید شده است.

امام علی(ع) می فرماید:

ما رَأَيْتُ إِيمَانًا مَعَ يَقِينٍ أَشْبَهَهُ مِنْهُ بِشَكِّ عَلِيٍّ هَذَا الْإِنْسَانِ إِنَّهُ كُلَّ يَوْمٍ يُودَّعُ إِلَى الْقُبُورِ وَيُشَيِّعُ ... لَكَانَ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يُحَازِرَ مَا هُوَ فِيهِ بِأَشَدِّ النَّصَبِ وَالتَّعَبِ.(۲)

هیچ ایمان همراه با یقینی ندیدم که برای انسان به شک شبیه تر باشد از اینکه او هر روز مردگان را به سوی گورستان تودیع و تشییع می کند ... سزاوار است که به هر سختی و مشقتی، از مرگ حذر کند و مراقب آن باشد.

نیز نقل شده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش بعضی از غافلان از مرگ را مشاهده کرد و از اینکه آنان مرگ را دور تصور می کردند، اظهار شگفتی کرد و فرمود: «كَانَ الْمَوْتُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ كُتِبَ؛ گویا مرگ در این دنیا برای غیر آنها نوشته شده است».(۳)

امام علی(ع) در نکوهش کسانانی که زمان مرگ را دور می دانند، می فرماید:

گویا مرگ بر غیر ما نوشته شده و حق بر غیر ما واجب است. گویا این مردگان مسافرانی هستند که به زودی بازمی گردند، در حالی که بدن هایشان را به گور ها می سپاریم. انگار خودمان پس از آنها جاویدان هستیم.(۴)

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۴.

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۳۷.

۳- تحف العقول، ص ۲۹.

۴- نهج البلاغه، ص ۶۵۲، حکمت ۱۲۲.

بنابراین، دور دانستن زمان مرگ پندار باطلی است که نکوهش شده و عاملی است که انسان را از مرگ اندیشی باز می‌دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

وَالْمَوْتُ أَقْرَبُ الْأَشْيَاءِ مِنْ بَنِي آدَمَ وَهُوَ يَعِدُّهُ أَبَعْدُ. (۱)

مرگ نزدیک‌ترین چیزها به آدمی است. درحالی که او آن را دور می‌شمارد.

## ی) خودبینی

ی) خودبینی

یکی از موانعی که انسان را از مرگ اندیشی باز می‌دارد، خودبینی است. انسانی که به مرگ عقیده دارد، اما در بند خودخواهی گرفتار آمده، نمی‌تواند به یاد مرگ باشد.

روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: خودبینی فلان شخص چقدر زیاد است. حضرت فرمود: «آیا او مرگ را در نظر ندارد». (۲)

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در این زمینه می‌فرماید: «ضَعُ فَخْرَكَ وَاحْطُطْ كِبْرَكَ وَادْكُرْ قَبْرَكَ؛ فخرفروشی و خودبینی را رها کن و به یاد مرگ باش». (۳)

## ۲. راهکارهای تقویت مرگ اندیشی

### اشاره

۲. راهکارهای تقویت مرگ اندیشی

زیر فصل‌ها

الف) مرگ باوری

ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ

ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران

د) شرکت در تشییع جنازه

هـ) زیارت قبور

## الف) مرگ باوری

الف) مرگ باوری

مرگ باوری از جهت تربیتی، آثار عملی بسیار مهم و در تقویت مرگ اندیشی جایگاه ویژه ای دارد. یکی از عوامل شکست انسان در میدان مرگ اندیشی، ضعف باور ها و سطحی نگری است. در آیات قرآن و روایات نیز بر این مطلب تأکید شده است.

---

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- نهج البلاغه، ص ۷۲۴، حکمت ۳۹۸.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرگاه باور های قلبی شما ضعیف شد، با خواندن قرآن و یادآوری مرگ، آن را تقویت کنید.»<sup>(۱)</sup> و نیز آن حضرت درباره شناختن انسان های مرگ اندیش فرمود: «به افراد نگاه کنید، هرکس یقین به مرگ دارد، رفتار و کردار او کنترل شده است و از اعمال ناشایست دوری می کند.»<sup>(۲)</sup> همچنین آن حضرت فرموده است: «انسان مرگ اندیش باور دارد که مرگ الهی حق است.»<sup>(۳)</sup>

امام علی(ع) درباره یقینی سازی مرگ اندیشی می فرماید:

مردم! اگر آنها [مردگان] را در اندیشه خود بیاورید، یا پرده ها کنار رود، مردگان را در حالتی می نگرید که حشرات گوش هایشان را خورده، چشم هایشان به جای سرمه پر از خاک گردیده، زبان هایشان پاره پاره شده، قلب هایشان رو به خاموشی گراییده و در تمام اعضای بدن پوسیدگی تازه ای آشکار گردیده است.<sup>(۴)</sup>

دعوت به تفکر و تعقل در کلام امام علی(ع)، از بهترین راهکارها برای یقینی سازی مرگ اندیشی است. بر اثر یقین به مرگ، فردی همانند سلمان فارسی چنان همواره در اندیشه مرگ است که وقتی از او می پرسند: شب و روز تو چگونه سپری می شود؟ پاسخ می دهد: «چگونه سپری می شود روزگار کسی که نهایت زندگی او مرگ، منزلش قبر، کرم و حشرات هم جوارش است و اگر مشمول بخشش قرار نگیرد، جایگاهش آتش سوزان جهنم است.»<sup>(۵)</sup>

درباره اهمیت و آثار یقین به مرگ، در برخی منابع آمده است که اگر یاد مرگ به صورت یقین در قلب جا کند، در آن اثر خواهد کرد. در این هنگام، شادی و سرور انسان کم و قلبش شکسته می شود.<sup>(۶)</sup>

۱- محجه البیضا، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳- تحف العقول، ص ۱۸.

۴- نهج البلاغه، ص ۴۵۰، خطبه ۲۲۱.

۵- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۶.

۶- ترجمه الاخلاق، ص ۴۴۳.

**ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ****اشاره**

ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ

یکی از راهکارهای اساسی که می‌تواند مرگ اندیشی و به یاد مرگ بودن را در انسان تقویت کند، مطالعه آیات و روایاتی است که در آنها به مسائل مربوط به مرگ اشاره شده است. در این قسمت برخی مطالب و موضوع‌ها را که در منابع اسلامی به آنها اشاره شده است، بیان می‌کنیم.

**یک \_ حالت احتضار (جان دادن)**

یک \_ حالت احتضار (جان دادن)

عقل و شعور انسان به او حکم می‌کند تا از خطرهای و مشکلات دوری جوید و زمینه آسایش را برای خود فراهم سازد. بنابراین، یکی از راهکارهای تقویت مرگ اندیشی، یادآوری سختی‌هایی است که آدمی در هنگام جان دادن با آن روبه‌رو می‌شود. در قرآن و روایات تعبیرهای تکان دهنده‌ای از آن لحظه آمده است، مانند: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ؛ هنگام بی‌هوشی و سختی مرگ فرا رسید». (ق: ۱۹)

در برخی منابع آمده است «سکره الموت»؛ یعنی حالتی که شدت مرگ بر عقل غالب می‌شود و هوش از سر می‌رود. (۱)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

سکرات مرگ، حالتی درونی است که در هنگام مرگ برای انسان به وجود می‌آید، بدین صورت که از مردم غافل می‌شود و به خود می‌پردازد، مانند انسان مستی که نمی‌داند به او چه می‌گویند و به دلیل همین بی‌توجهی و غفلت از اطرافیان به «سکرات الموت» تعبیر شده است. (۲)

و نیز از لحظه جان دادن به «غمرات الموت» نام برده شده است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ؛ هنگامی که بینی ظالمان در شداید مرگ فرو رفته اند.» (انعام: ۹۳) غمرات یعنی شداید که هنگام مرگ، انسان را احاطه می‌کند. (۳)

۱- سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲- المیزان، ج ۱۸، ص ۳۴۸.

۳- قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۰۲.



علی (ع) نیز می فرماید:

إِنَّ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصِفِّهِ أَوْ تَعْتَدَلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا. (۱)

بدانید مرگ سختی هایی دارد که دشوارتر از آن است که به وصف آید و یا خرد ها و عقل های مردم جهان بتواند آن را درک کند.

ترسیم لحظه جان دادن، در بیان علی (ع)

سختی های جان کندن و حسرت از دست دادن دنیا، به دنیاپرستان هجوم می آورد. بدن ها در سختی جان کندن سست می شوند و رنگ می بازند، مرگ آرام آرام همه اندامشان را فرا می گیرد و زبان را از سخن گفتن باز می دارد. فرد در میان خانواده اش می افتد، با چشم خود می بیند و با گوش خود می شنود و با عقل درست می اندیشد که عمرش را در پی چه کارهایی تباه و روزگارش را چگونه سپری کرده است و به یاد ثروت هایی که جمع کرده می افتد. او در گرو این اعمال خویش است و چون تمام واقعیت ها را هنگام مرگ مشاهده می کند، دست خود را از پشیمانی می گزد. امام در ادامه می فرماید: روح از بدن خارج می شود و چون مرداری در بین خانواده خویش بر زمین می ماند. (۲)

## دو \_ چگونه جان دادن خوبان

دو \_ چگونه جان دادن خوبان

ذکر حالت جان دادن خوبان در قرآن و روایات و اینکه مؤمنان و صالحان هنگام مرگشان مورد رحمت و تکریم الهی قرار گرفته اند و فرشتگان با عزت و احترام جان آنها را می ستانند، جلوه های زیبایی از تشویق در فرهنگ اسلامی است تا اندیشه خفته مرگ اندیشان را بیدار سازد و آنان را به تحرک و تلاش برای دستیابی به پاداش خوبان وادارد.

خداوند در این باره در قرآن می فرماید:

۱- نهج البلاغه، ص ۴۵۲، خطبه ۲۲۱.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۲۰۹، خطبه ۱۰۹.

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. (فصلت: ۳۰)

همان ها که فرشتگان [مرگ] روحشان را می گیرند، در حالی که پاک و پاکیزه اند، به آنها می گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید به دلیل اعمالی که انجام داده اید.

و نیز می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ. (فصلت: ۳۱)

به یقین، کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان وارد می شوند که نترسید و غمگین مباشید! بشارت باد بر شما به آن بهشتی که وعده داده شده اید. ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم.

در روایات فراوان از امامان معصوم (ع) آمده است که مؤمنان و بندگان صالح خداوند در لحظه مرگ و انتقال به جهان آخرت، با استقبال فرشتگان روبه رو می شوند که آنان را با ملاحظت و مهربانی بشارت به بهشت می دهند. در همین باره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

فرشته مرگ هنگام مردن مؤمن، نزد وی آن گونه می ایستد که برده ای ذلیل نزد مولایش می ایستد و نزدیک نمی شود تا نخست بر او سلام کند و به او بشارت بهشت دهد. (۱)

امام صادق (ع) فرمود:

هنگامی که خداوند روح مؤمن را قبض می کند، دو فرشته مأمور او به آسمان می روند و می گویند: پروردگارا! این بنده تو خوب بود؛ چراکه در عمل به دستورهایت سریع و در گناه و نافرمانی ات کند بود. بعد از گرفتن

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۵.

جانش چه می فرمایید؟ خداوند می فرماید: «به دنیا فرود آید و شما هر دو نزد قبر این بنده ام بمانید، در آنجا مرا به بزرگی یاد کنید و تسبیح و تهلیل مرا بگویید و ثواب آن را بر این بنده ام بنویسید».(۱)

همچنین امام صادق(ع) از جدش رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند:

چون خداوند از بنده خود راضی باشد، به فرشته مرگ گوید: «ای ملک الموت! از جانب من نزد فلان کس برو و روح او را برای من بیاور؛ زیرا اعمال شایسته ای که به جا آورده کافی است. من او را امتحان کرده ام و در منزلگاه خوبی که مورد محبت من بوده است، او را یافته ام.» آن گاه ملک الموت با فرشتگان دیگر با دسته های گل زعفران از بارگاه الهی فرود می آیند و برای خروج روح مؤمن از بدن او صف می بندند.(۲)

بنابراین، سلام فرشتگان و انواع بشارت ها در وقت قبض روح انسان مؤمن، نهایت ادب و احترام است که به سبب گناه نکردن مؤمن انجام می شود.

تشویق از نظر تربیتی ارزشمند است تا انسان تمام عمر خود را با باور درست و ژرف به حقانیت مرگ و حالات آن سپری کند و با کسب رضایت الهی نتیجه عقاید و رفتار نیک خود را بدین سان در لحظه جان دادن که دالان ورودی عالم برزخ و انتقال به زندگی دیگر است، دریافت دارد.

### سه \_ چگونگی جان دادن بدکاران

سه \_ چگونگی جان دادن بدکاران

در قرآن و روایات علاوه بر اینکه به چگونگی مرگ صالحان اشاره شده، به چگونگی جان دادن افراد ناشایست نیز پرداخته شده است. خداوند برای غافلان از مرگ، چگونگی جان دادن بدکاران و کافران را این گونه بیان می کند:

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ... (انفال: ۵۰)

۱- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۷۶.

۲- معادشناسی، ج ۲، ص ۴۴.

اگر سختی حال کافران را ببینی، هنگامی که فرشتگان جان آنان را می گیرند و بر روی و پشت آنان می زنند و به آنها می گویند بچشید طعم عذاب سوزنده را... .

و نیز می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ؛ آنان که فرشتگان، روح آنها را گرفتند، درحالی که به خویشان ستم کرده بودند». (نساء: ۹۷)

روایت است رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان، علی(ع) درباره سختی جان کندن بدکاران این گونه فرمود:

ای علی! هنگامی که ملک الموت برای گرفتن جان و روح کافر فرود می آید، همراهش میخ داغ آهنین است که به محض رسیدن به بدن، آن را بریان می کند و زمانی که روح کافر را با آن میخ گداخته از بدن خارج می کند، صدای جهنم بلند می شود. (۱)

امام صادق(ع) می فرماید: «مرگ برای انسان کافر، مانند نیش زدن مار های بزرگ و عقرب ها و بدتر از اینهاست». (۲)

همچنین خداوند در سوره مبارکه محمد، نحوه مجازات منافقان را در آستانه مرگ، این گونه خبر می دهد:

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ذَلِكَ بِمَا نَبَّهْتُمْ اتَّبَعُوا مَا اسِيخَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَخِيطَ أَعْمَى الْهَمِّ.  
(محمد: ۲۷ و ۲۸)

حال آنان [منافقان] چگونه خواهد بود، هنگامی که فرشتگان بر صورت و پشت آنها می زنند؟ این به دلیل آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد، پیروی کردند و آنچه را موجب خوشنودی اوست، کراهت داشتند. از این رو، خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد.

بنابراین، انسان ظالم و بدکار، در همان لحظه جان دادن، کیفرها و سختی هایش آغاز می شود. در واقع این مشکلات، پیامد های کردار شرورانه و فساد در زندگی آنهاست. این حالت، درسی برای انسان است تا از

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۷۰.

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۶.

سرنوشت تلخ ستم کاران اندرز بگیرد و برای روز واپسین زندگی خود زاد و توشه فراهم آورد.

### چهار \_ مشاهدات هنگام مرگ

#### اول \_ دیدن حقیقت کردار گذشته و جایگاه خود در آینده

با استناد به آیات قرآن و روایات معصومان(ع)، اولین دیدارها و شنیدارهای انسان هنگام مرگ، مشاهده تجسم کردار و رفتار اوست. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمْ فَبَصَرُكُمُ الْيَوْمَ حَدِيدٌ. (ق: ۲۲)

تو از این حالت غافل بودی و ما پرده را از چشمان تو کنار زدیم و امروز چشم تو کاملاً تیزبین است.

در آن لحظه مشاهدات چنان دقیق است که در روایات، از وقت جان دادن به «عند المعاینه» \_ هنگام دیدارها \_ یاد شده است؛ زیرا در آن لحظه باطن و حقیقت اعمال خود را به چشم ملکوتی می بیند. (۱)

در روایتی نقل شده است که یکی از یاران امام صادق(ع) نزد آن حضرت شکایت برد و گفت: ای پسر رسول خدا! من مرگ را دوست ندارم. می ترسم از نفرین شدگان در گاه الهی باشم. حضرت فرمود: «ملاک دوست داشتن یا بغض داشتن هنگام مرگ (عند المعاینه) است.» (۲) از آن حضرت نقل شده است که انسان مؤمن هنگام معاینه، با دیدن واقعیتها و نتیجه کردار نیک خود، خوشحال می شود و گریه می کند. (۳) همچنین آن حضرت فرمود: «هرگز کسی از شما از دنیا نمی رود، مگر آنگاه که سرنوشت خود را بداند. مؤمنان جایگاه خود را در بهشت و کافران جایگاه خود را در جهنم مشاهده می کنند.» (۴)

۱- چهل حدیث، ص ۴۵۳.

۲- ابو محمد حسین بن سعید اهوازی، الزهد، چاپ: سید ابوالفضل حسینیان، ۱۴۰۲ هـ. ق، ص ۸۳.

۳- علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۰۶.

۴- محجه البیضا، ج ۸، ص ۳۱۱.

امام صادق(ع) در این زمینه به ابوبصیر فرمود:

وقتی جان مؤمن به گلوگاه رسد و هنوز فروغ حیاتش پایان نیافته و چراغ زندگی اش به کلی خاموش نشده است، منزلی را که در بهشت دارد به او نشان می دهند. از دیدن آن به هیجان می آید و می گوید: مرا به دنیا بازگردانید تا خانواده ام را از آنچه مشاهده می کنم، آگاه سازم. در پاسخش می گویند: این کار ناشدنی است و راه بازگشت وجود ندارد. (۱)

بر این اساس، هنگام مرگ، هم مؤمنان و هم بدکاران، مشاهدات و دیدنی هایی از گذشته و آینده خود دارند. این دیدنی ها برای انسان به صورت تجسم مال و فرزندان و عمل اوست که با چشم برزخی می بیند. (۲) دیدنی ها و شنیدنی های هنگام مرگ، برای انسان مؤمن حال خوشی می آورد و با رضایت، جان را تسلیم فرشتگان می کند؛ زیرا او به مقام قرب الهی می رسد و در انتظار چنین روزی بوده است. از این رو، لحظه جان سپردن برای او بسیار شیرین و فرح بخش است. (۳)

در مقابل، انسان های کافر و بدکردار با دیدن گذشته خراب و آینده تاریک خود چنان وحشت می کنند که لحظه جان دادنشان، از تلخ ترین لحظه ها و سهمگین ترین حالت ها برای آنهاست و در آن لحظه، نخستین واقعیتی که برایشان آشکار می شود، بطلان دنیا و متعلقات آن است. آنان درمی یابند که تمام عادت ها و رسم های دنیایی شان بی ارزش بوده و هر آنچه واقعیت می انگاشتند، اوهام و سرابی بیش نبوده که همه تمام شده است. (۴)

مطالعه این حالت های انسان در لحظه مرگ، برای هر انسانی این پیام تربیتی را دارد که او هم به فکر روزگار خود باشد و برای خود دیدنی ها و شنیدنی های بشارت دهنده را فراهم آورد.

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۳۵.

۲- معاد، ص ۴۸.

۳- تسنیم، ج ۵، ص ۵۷۱.

۴- المیزان، ج ۷، ص ۲۸۶.

**دوم \_ دیدن فرشتگان الهی**

یکی از مشاهدات محض در نخستین مراحل انتقال از این دنیا به جهان آخرت، مشاهده فرشتگانی است که از طرف خداوند مأمور قبض روح هستند. ملک الموت و یارانش را قبل از مرگ نمی توان دید. همچنین، غیر از آنها چهار ملک دیگر را مشاهده می کند که هر یک پایان یافتن رزق و روزی، لحظه های عمر و تمام بهره ها و سهم او از جهان مادی را اعلام می دارند. (۱)

اما آنچه در این دیدارها مهم است، مشاهده دو فرشته نگهبان و نویسنده عمل انسان است که اگر محضر، نیک کردار باشد، آن دو ملک به او می گویند: خداوند از ما به تو جزای خیر دهد، بسا مجلس صدق که ما را در آن نشاندی و بسا عمل نیک که در حضور ما انجام دادی! اگر هم بدکار باشد، به او خطاب می کنند: خداوند از ما به تو جزای خیر ندهد. بسا مجلس بد که ما را در آن نشاندی! در این هنگام چشمان محضر به آنها خیره می شود و دیگر به دنیا باز نمی گردد. (۲)

**سوم \_ دیدار ائمه معصوم (ع) هنگام مرگ**

از دیدارهای نوید بخش که برای مؤمن هنگام مرگ رخ می دهد، دیدار اولیای الهی است. او در واپسین لحظه های عمرش با آنها دیدار می کند و این، سبب تسکین دردها و رنج ها و تلخی جان کندن او می شود. علامه مجلسی نقل کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا، مؤمنان ما پنج نفر اهل کسا را در هنگام احتضار می بینند و ما به ایشان بشارت می دهیم».

مجلسی به دنبال این روایت می گوید:

بدان که حضور امامان معصوم (ع) در هنگام مرگ، با اخبار مستفیضه نقل شده و انکار آن توهم محض است، بلکه ما باید به آن ایمان و عقیده داشته باشیم. (۳)

۱- طبری، بشاره المصطفی لشیهه المرتضی، نجف، کتاب خانه حیدریه، ۱۳۸۳، ص ۶.

۲- معاد در قرآن، ج ۴، ص ۲۰۱.

۳- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۸۸.

از امام صادق(ع) نقل شده است:

هنگامی که مؤمن در آستانه مرگ قرار گیرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و کسانی که خدا بخواهد، کنار او می آیند. رسول خدا صلی الله علیه و آله سمت راست آن محتضر و دیگران در جانب چپ او می نشینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع به سخن می کند و می فرماید: آنچه امیدوارش بودی اکنون روبه روی توست [دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و آئمه(ع)، ولی از آنچه از آن می ترسیدی [کیفر]، از آن ایمن هستی. سپس دری از بهشت به رویش گشوده می شود و رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: این منزل توست. (۱)

همچنین از آن حضرت نقل شده است:

هنگامی که ملك الموت برای قبض روح مؤمن می آید، او نخست اظهار ناراحتی می کند. ملك الموت به او می گوید: ای ولی خدا! ناراحت نباش، قسم به خدایی که مبعوث کننده محمد صلی الله علیه و آله است، برای تو از پدر نیز مهربان تریم؛ دیدگانت را بگشای و بنگر. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله، امام علی(ع)، حسن(ع)، حسین(ع) و فرزندان معصوم آنان برای آن شخص مجسم می شوند. محتضر دیدگانش را می گشاید، نداکننده از جانب حق به او خطاب می کند: ای نفس که به محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش آرامش یافتی! به سوی پروردگارت بازگرد. در این لحظه هیچ امری برای مؤمن بهتر از خلاصی روح و پیوستن به منادی نیست. (۲)

و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است:

در وقت مردن، اشک از چشمان میت جاری می شود. این جاری شدن اشک، هم به دلیل دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم مشاهده چیزهایی است که او را خوشحال می کند. آیا دیده ای که وقتی کسی چیزی را دید و بسیار خوشحال شد، اشک شوق از چشمانش جاری می شود. (۳)

۱- فروع کافی، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۰۰.

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۳۱.



بنابراین، مؤمنی که خود را پیرو ولایت امامان معصوم (ع) می داند، بر این باور است که همین عقیده در حین مرگش به او یاری می رساند و سبب می شود که با رهبران دینی خود دیدار کند و بشارت هایی دریافت دارد.

### چهارم \_ حضور پیشوایان معصوم (ع) در بالین دشمنان

از روایات فراوان دیگری هم استفاده می شود که دشمنان ائمه معصوم (ع) نیز هنگام مرگ، آنها را ملاقات خواهند کرد، ولی دیدار با ایشان بسیار متفاوت است و درحالی امامان معصوم (ع) را ملاقات می کنند که آن افراد مقدس از آنان غضبناکند و همین مایه عذاب و شکنجه آنهاست.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هر مؤمن و غیر مؤمن هنگام مرگ، من و اهل بیتم را می بیند، ولی این دیدار برای مؤمن بشارت است و برای غیر مؤمن عذاب» (۱).

از امام صادق (ع) نقل شده است:

از دوستان ما کسی نخواهد مرد، جز اینکه نوید بهشت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان، علی (ع) و حسن و حسین (ع) دریافت دارد. دشمنان ما نیز آنها را می بینند، در حالی که دشمن آنها هستند. (۲)

امام علی (ع) می فرماید:

آگاه باشید که هیچ یک از دوستان من نخواهد مرد، مگر اینکه مرا در جایی که شوق دارد بیابد و هیچ یک از دشمنان من نخواهد مرد، مگر اینکه مرا در جایی که اکراه دارد بیابد. (۳)

در این باره از ابن ابی یعفور نقل شده است: ما با خطّاب جُهَنی هم نشین بودیم. او با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دشمنی شدید داشت تا اینکه خطّاب بیمار شد و در بستر مرگ افتاد. به دلیل هم نشینی گذشته به عیادت او رفتم، دیدم

۱- فروع کافی، ج ۳، ص ۱۲۷؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۸.

۲- علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳- سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، معاد، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۸۰، ص ۸۵.

بی هوش شده و در حال جان کندن است. ناگاه شنیدم که می گفت: «مَالِي وَ لَكَ يَا عَلِي؛ مرا با توجه کار بود ای علی (ع)؟» ابن ابی یعفور گوید: چندی بعد به حضور امام صادق (ع) رفتم و ماجرای جان کندن و سخن خطاب را برای امام بیان کردم. آن حضرت دو بار فرمود: «رَأَاهُ وَ رَبُّ الْكُفْبَه؛ به خدای کعبه او علی (ع) را دیده است.» (۱) یعنی با مشاهده علی (ع) متوجه شده است که چگونه نعمت ولایت ایشان را از دست داده، از این رو، گرفتار پشیمانی شده است.

## پنج \_ عوامل سخت جان دادن

### اول \_ ظلم و ستم

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ. (انعام: ۹۳)

و اگر فضاحت و سختی کار ستمکاران را ببینی، آن گاه که در سكرات مرگ گرفتار می آیند و فرشتگان قبض روح آنان دست قهر و قدرت برمی آورند و می گویند که جان از تن به در کنید، امروز مجازات خوارکننده ای خواهید دید.

### دوم \_ سه طایفه از امت اسلام

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با امام علی (ع) از شدت قبض روح کافران سخن می گفت. علی (ع) پرسید: ای رسول خدا! از امت شما کسی این گونه سخت قبض روح می شود؟ حضرت فرمود: «نَعَمْ حَاكِمٌ جَائِرٌ وَ آكِلٌ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ شَاهِدٌ زُورٌ؛ آری حاکم ستمگر و خورنده مال یتیم از روی ظلم و کسی که گواهی دروغ دهد.» (۲)

### سوم \_ کسی که زکات نپردازد

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان، علی (ع) فرمود: ای علی! کسی که زکات اموالش را نپردازد، در هنگام مرگ با سختی ها روبه رو می شود و درخواست بازگشت می کند. این همان است که خداوند خبر داده: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ

۱- محجه البيضاء، ج ۸، ص ۲۵۹.

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۷۰.

الْمَوْتُ قَمَالَ رَبِّ اِرْجِعُونِ لَعَلِّي اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» (۱) پس تقاضای بازگشت برای جبران گذشته هایش می کند، ولی پذیرفته نمی شود. (۲)

از امام صادق (ع) نقل شده است که انسان مانع الزکات (کسی که زکات پرداخت نمی کرده) درخواست بازگشت می کند، ولی موافقت نمی شود. (۳)

### چهارم \_ نارضایتی شوهر

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر زنی که سبب رنجش و آزار شوهرش را فراهم کند، همواره مورد نفرین خدا و ملائکه و پیامبران است و هنگام مرگ، ملائکه او را وعده عذاب به آتش جهنم می دهند. (۴)

### پنجم \_ نارضایتی والدین

پیامبر خدا فرمود: «هر کس سبب نارضایتی پدر و مادرش را فراهم آورد، گرفتار شدت سقرات موت می شود». (۵)

### ششم \_ خیانت در امانت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در امانت خیانت کند و به صاحبش باز نگرداند، بر دینی غیر از دین اسلام می میرد و خدا را در حال غضب ملاقات می کند». (۶)

### هفتم \_ همکاری با ظالمان

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ تَوَلَّى خُصُومَةَ ظَالِمٍ أَوْ أَعَانَ عَلَيْهَا ثُمَّ نَزَلَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ لَهُ أَبَشِرْ بِلَعْنَةِ اللَّهِ. (۷)

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۱.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۵.

۳- جامع السعاده، ج ۲، ص ۲۷۲.

٤- جامع السعاده، ج ٢، ص ٢٨٧.

٥- نك: مؤمنون: ٩٩ و ١٠٠.

٦- تفسير نور الثقلين، ج ٣، ص ٥٥٢.

٧- شيخ صدوق، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شريف رضى، ١٣٦٤، ص ٢٣٥.

هر کس اجرای ستم ظالم را به عهده گیرد یا او را بر ستمکاری هایش کمک کند، پس زمانی که ملک الموت به سراغش آید، به او خطاب می کند: بشارت باد بر تو لعنت و نفرین خداوند.

### شش \_ عوامل آسان جان دادن

#### اول \_ محبت علی(ع)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ملک الموت با دوستان علی(ع) مهربان است، مانند مهربان بودن به پیامبران».(۱)

دوستان علی(ع) از دنیا نمی روند، مگر اینکه از آب کوثر سیراب شوند، از میوه درخت طوبی استفاده کنند و جایگاه خود را در بهشت ببینند. سکرات مرگ بر ایشان آسان می گردد و قبرشان باغی از باغ های بهشت است.(۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «محبت علی(ع) سبب دفع سکرات مرگ می شود».(۳)

#### دوم \_ قرائت قرآن

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که پس از هر نماز، خواندن قرآن را ادامه دهد، خیرات و برکات از آسمان بر سرش فرومی ریزد، سختی و عذاب لحظه جان دادن را نمی چشد، از عذاب قبر نجات می یابد و از کارهایی که دیگران می ترسند، نخواهد ترسید. همچنین زمانی که دیگران اضطراب دارند، او آرامش خواهد داشت.(۴)

#### سوم \_ خواندن بعضی سوره ها

سوره زلزال

امام صادق(ع) فرمود:

هرگز از خواندن سوره إِذَا زُلْزِلَتْ خسته نشوید که آثار فراوان دارد، از جمله در هنگام مرگ، فرشته ای حاضر می شود و به ملک الموت سفارش می کند

٢- بحار الانوار، ج ٢٧، ص ١١٤.

٣- بشاره المصطفى لشيعه المرتضى، ص ٣٦.

٤- بحار الانوار، ج ٧٣، ص ١٨٣.

که با این ولی خدا مدارا کن؛ زیرا او زیاد این سوره را تلاوت می کرد. ملك الموت می گوید: پروردگرم به من سفارش کرده که در اختیار این بنده مؤمن باشم و تا او راضی نشود روحش را نمی گیرم. در آن هنگام پرده ها از جلوی چشمش کنار می رود و او جایگاه خود را در بهشت می بیند و راضی به جان سپردن می شود. ملك الموت به آسان ترین شکل، جان او را می گیرد و ملائکه روحش را تا بهشت همراهی می کنند. (۱)

سوره یس

روایت شده است که هرکس بر خواندن سوره یس مداومت کند، خدا سکرات مرگ و هراس های مرگ را از او برطرف می سازد.

آیه الكرسي

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که خواندن آیه الكرسي سبب آسان شدن سکرات موت می شود. (۲)

#### چهارم \_ اهمیت دادن به نماز

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکس مواظب نمازش باشد و به نمازش در اول وقت اهمیت بیشتر دهد، در وقت مرگ، ملك الموت شهادتین \_ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ \_ را به او تلقین می کند و سبب می شود که ملك الموت در آن لحظه ابلیس را از وسوسه کردن او دور سازد. (۳)

از امام صادق (ع) نقل شده است که میت را هنگام احتضارش، به جایگاهی که نماز می خوانده است، ببرید؛ که سبب می شود جان دادن بر او آسان شود. (۴)

#### پنجم \_ نماز در شب جمعه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که در شب جمعه دو رکعت، بعد از حمد، نماز بخواند، در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید را پنجاه مرتبه قرائت کند و در پایان نماز بگوید:

٢- مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٣٢٢.

٣- وسائل الشیعه، ج ٤، ص ٢٩.

٤- بحار الانوار، ج ٨١، ص ١٢٧.



«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ» خداوند گناهان او را ببخشد و در لحظه جان دادن، مرگ را بر او آسان گرداند. (۱)

### ششم \_ صله رحم و نیکی به پدر و مادر

امام صادق(ع) فرمود:

کسی که دوست دارد لحظه های جان دادن بر او آسان شود، باید با خویشان خود صله رحم داشته باشد و به پدر و مادرش نیکی کند. در این صورت، مرگ بر او آسان می شود و فقر در زندگی اش راه نمی یابد. (۲)

از امام موسی بن جعفر(ع) نیز نقل شده است که خداوند به حضرت موسی فرمود: «هرکس صله رحم کند، مرگ را بر او آسان می کنم». (۳)

### هفتم \_ روزه

مردی یهودی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره فلسفه روزه پرسید، حضرت هفت اثر برای آن ذکر کرد، از جمله فرمود: «هرکس روزه ماه رمضان را بگیرد، خداوند سكرات مرگ را بر او آسان می کند». (۴)

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

هرکس غیر از ماه رمضان ده روز پشت سر هم روزه بگیرد، در هنگام مردنش ملک الموت به صورت جوانی زیبا درحالی که در دستش جامی از آب است، به ملاقات او می آید و به آسانی جان او را می گیرد. (۵)

از امام صادق(ع) نیز روایت شده: «هرکس روز آخر ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از سختی های جان دادن، او را ایمن می کند». (۶)

### هشتم \_ کمک به نیازمندان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس برادر نیازمند خود را طعام دهد، خداوند تلخی مرگ را از او برطرف می کند». (۷) امام صادق(ع) فرمود: «هرکس برادر فقیرش را لباس بپوشاند،

۱- امالی صدوق، ص ۱۵.

۲- امالی طوسی، ص ۴۳۳؛ امالی صدوق، ص ۳۸۹.

- ٣- بحار الانوار، ج ١٣، ص ٣٢٧.
- ٤- بحار الانوار، ج ٨٩، ص ٣٢٧.
- ٥- وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٢٩.
- ٦- بحار الانوار، ج ٨١، ص ١٢٧.
- ٧- مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٣٢٢.

بر خداوند لازم است که او را از لباس بهشت بهره مند، مرگ را بر او آسان و قبرش را وسیع کند» (۱).

### نهم \_ وضو داشتن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در اول شب با وضو بخوابد، اگر در آن شب مرگ او فرا رسد، نزد خدا شهید است» (۲).

### ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران

ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران

نگاه واقع بینانه در سرنوشت و زندگانی دیگران و اینکه پایان زندگی هر کس گرفتار شدن در چنگال مرگ است، سبب می شود انسان عاقل در سرانجام زندگانی خود بیندیشد و همواره به یاد مرگ باشد. در روایت امامان معصوم (ع) نیز به اندیشه در مرگ دیگران فراوان تأکید شده است. در این زمینه نقل است، روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به اصحابش خطاب کرد: «به سرنوشت و مرگ دیگران بیندیشید؛ زیرا شما هم در سرنوشت با آنها شریک هستید» (۳) همچنین فرمود: «آرزوهای خود را، با نگاه به مرگ نزدیکان خود و دل بستگی آنان در دنیا، مداوا کنید» (۴).

در حدیث قدسی نقل شده است که خداوند به حضرت عیسی خطاب کرد: «زیاد به یاد مرگ دیگران و جدایی دوستان خود باشید» (۵) و نیز از علی (ع) نقل شده است: «کَفَى بِمَا سَلَفَ تَفَكُّرًا وَ كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا؛ اندیشه در سرنوشت گذشتگان و پند و اندرز گرفتن از مرگ آنان کافی است» (۶) آن حضرت فرمود: «هر کس مرگ دیگران را در نظر خود مجسم سازد، مشکلات او در این دنیا آسان می شود» (۷).

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۶.

۲- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۶۱.

۳- ابوالفتح محمد بن علی کراجکی، کنز الفوائد، قم، انتشارات دارالذخائر، ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۱، ص ۳۷۹.

۴- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۷۴.

۵- امالی صدوق، ص ۵۱۷.

۶- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۷۵.

۷- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۶.

امام خمینی در این زمینه می گوید: «برای بریدن و دور شدن از معاصی، تفکر در کیفیت مرگ مردمان صالح و افراد نابکار، تو را کفایت می کند که فکری برای خودت نمایی» (۱).

مرحوم شبر نیز در این باره می گوید:

مؤثرترین راه برای اینکه یاد مرگ در قلب جا کند، آن است که انسان هموعان خود را که قبل از او مرده اند به یاد آورد، که چگونه مردند و زیر خاک قرار گرفتند و صورت ها، جایگاه و حالت های دنیایی ایشان را در نظر مجسم کند (۲).

#### (د) شرکت در تشییع جنازه

(د) شرکت در تشییع جنازه

در آموزه های دینی، شرکت در تشییع جنازه مؤمنان، عملی مستحب خوانده شده است؛ زیرا شرکت در تشییع جنازه از یک سو احترام گزاردن به میت و بازماندگان اوست و از سوی دیگر، عاملی برای اندیشیدن در سرنوشت خویش است که روزی این گونه روی دست دیگران قرار خواهد گرفت. امام علی (ع) در این باره می فرماید:

فَكَفَىٰ وَاِعْظَاءً بِمَوْتِي عَايَتُهُمْ حُمِلُوا إِلَىٰ قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ وَأُنزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ فَكَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عَمَارًا وَكَأَنَّ  
الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا (۳).

مرگ گذشتگان برای عبرت شما کافی است. می بینید که چگونه آنها به گورشان حمل شدند، بی آنکه مرکبی سوار باشند. آنان در قبر گذاشته شدند، بی آنکه خود فرود آیند، چنان از یاد رفتند که گویا از آبادکنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانه شان بود.

همچنین آن حضرت فرمود:

إِذَا حَمَلْتَ جِنَازَةً فَكُنْ كَأَنَّكَ مَحْمُولٌ وَكَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجُوعَ إِلَى الدُّنْيَا فَفَعَلَ فَأَنْظُرْ مَاذَا تَسْتَأْنِفُ (۴).

۱- میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلاة، ترجمه: رضا رجب زاده، پیام آزادی، ۱۳۷۸، ص ۸۳.

۲- ترجمه الاخلاق، ص ۴۴۴.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۳۷۰، خطبه ۱۸۸.

۴- ترجمه الاخلاق، ص ۴۴۳.

هنگامی که جنازه ای را حمل می کنی، چنان فرض کن که تو را حمل می کنند و تو از پروردگارت درخواست بازگشت به دنیا را کرده ای و خداوند درخواست تو را پذیرفته. بین چگونه عملت را دوباره از سر می گیری؟

روایت شده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه جنازه ای را همراهی می کرد، تأثر و اندوه بر آن حضرت چیره می شد، زیاد در حال حدیث نفس بود و کم سخن می گفت. (۱) آن حضرت می فرماید:

سوگند به خدا، اگر شما موقعیت مرده را بنگرید و گفتارش را بشنوید، از تفکر درباره او غافل می شوید و درباره وضع خودتان گریه می کنید؛ زیرا میت از دل بستگی ها و زحمت های خود در دنیا سخن می گوید و از اینکه با دست خالی رفته است، ناله دارد و به شما می گوید: بترسید و مراقب باشید از مثل آنچه بر من وارد شده است. (۲)

شرکت در تشییع جنازه و عبرت گیری از آن، چنان در فرهنگ دینی ارزشمند است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِذَا دُعِيتُمُ الْعُرْسَاتِ فَأَبِطُوا فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الدُّنْيَا وَإِذَا دُعِيتُمُ إِلَى الْجَنَائِزِ فَاسْرِعُوا فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ. (۳)

هنگامی که به جشن های عروسی دعوت شدید، با کندی و سختی بروید؛ زیرا عروسی، شما را به یاد دنیا می اندازد، ولی زمانی که برای تشییع جنازه دعوت شدید، با عجله و سرعت بروید؛ زیرا شما را به یاد آخرت می اندازد.

از امام باقر (ع) سؤال شد: گاهی در یک زمان اتفاق می افتد که هم به عروسی و هم به تشییع جنازه دعوت می شویم، کدام یک را اجابت کنیم؟ حضرت فرمود: «تشییع جنازه را». (۴)

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۳۶.

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۱.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۸.

۴- نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۰.

از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که به اطرافیان خود می فرمود:

هرگاه به تشییع جنازه و عروسی دعوت شدید، در تشییع جنازه شرکت کنید؛ زیرا «حُضُورُ الْجِنَازَةِ يُذَكِّرُكُمْ الْمَوْتَ وَالْآخِرَةَ وَ حُضُورُ وَلَائِمٍ يُلْهِی عَنْ ذَلِکَ؛ تشییع کردن جنازه، شما را به یاد مرگ و آخرت می اندازد و حضور در جشن عروسی، شما را از آخرت و یاد مرگ باز می دارد». (۱)

مرحوم فیض کاشانی می گوید:

در تشییع جنازه حاضر شو و درباره وضعیت آن میت فکر کن که چگونه خانواده خود را تنها گذاشته است، اموال خود را رها کرده و با دست خالی می رود. این فقط اعمال اوست که او را همراهی می کند. تفکر کن که چگونه او در میان خاک می خوابد، چگونه تمام نیروی جوانی خود را از دست داده و چگونه تمام اعضای بدن او از کار افتاده است. بدان که سفر نزدیک است و پشیمانی ها فرا می رسد، درحالی که نفع ندارد و با این تفکر خود را برای عمل صالح آماده کن. (۲)

## هـ) زیارت قبور

### هـ) زیارت قبور

حضور در قبرستان ها یادآور خاطرات کسانی است که تا چندی قبل با زیارت کنندگان در این دنیا زندگی می کردند و اینک در وادی خاموشان، خانه عزلت و تنهایی اختیار کرده اند. اگر زیارت قبور با توجه قلبی و باطنی انجام پذیرد، به طور حتم بر انسان اثر می گذارد و مایه عبرت و بیداری او می شود.

علی (ع) می فرماید: «زِیَارَةُ الْقُبُورِ تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ؛ زیارت گذشتگان شما را به یاد آخرت می اندازد». (۳) در روایتی نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: «به قبرها سر بزنید! از سرازیر شدن قبرها به سوی قیامت عبرت بگیرید تا لذت خواهی های شما فرو ریزد». (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۸۴.

۲- محجه البیضا، ج ۲، ص ۵۲.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۹.

۴- امالی طوسی، ص ۵۲۲.

همچنین آن حضرت می فرماید:

اگر آنها [صاحبان قبور] را در اندیشه خود بیاورید، یا پرده ها کنار رود، مردگان را در حالتی می بینید که حشرات گوش هایشان را می خورند و آنان را می بینی که دل های خسته از اندوه و چشم های پر شده از خاشاک دارند، در حالات اندوهناک آنها دگرگونی ایجاد نمی شود و سختی های آنان برطرف نمی شود. آه! زمین چه اجساد عزیز و خوش سیمایی را که با غذا های لذیذ و رنگین زندگی کردند و در آغوش نعمت ها پرورانده شدند، به کام خویش فرو برد. آنان که می خواستند با شادی غم ها را از دل بیرون کنند و به هنگام مصیبت، با سرگرمی ها صفای عیش خود را بر هم نزنند، گذشت روزگار توانایی شان را بر هم زد. (۱)

امام خمینی در این زمینه می فرماید: «یادآوری هول و هراس قبر و پوسیدن بدن در گور، عاملی نهفته است که آدمی را از لهو و لعب و لذات دنیایی باز می دارد». (۲)

بنابراین، زیارت اندیشمندان قبور، یکی از عوامل قوی برای تقویت مرگ اندیشی است؛ زیرا دیدن قبرها درس عملی برای هر کسی است که جایگاه خود را نیز در آنجا ببیند.

## (و) اندیشه در آثار پیشینان

(و) اندیشه در آثار پیشینان

یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت مرگ اندیشی، نگاه پندگیرانه به آثار پیشینان است. در قرآن کریم و در روایات پیشوایان معصوم (ع) توصیه های فراوان شده است که از کنار آثار گذشتگان بدون توجه رد نشویم، بلکه با دید عبرت آموز و تعقل و تفکر به آن آثار بنگریم و به یاد مرگ و آینده خود باشیم. عبرت گیری از سرنوشت دیگران، چنان تأثیرگذار است که خداوند در برخی آیات در کنار بازگفتن سرنوشت اقوام پیشین، ابزار عبرت آموزی را نیز

۱- نهج البلاغه، ص ۴۵۱، خطبه ۲۲۱.

۲- اسرار الصلاة، ص ۸۰.

برای ما بیان می کند و می فرماید: در همه این حوادث، از اندیشه خویش مدد گیر: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ در داستانشان برای خردمندان درس عبرتی است». (یوسف: ۱۱۱)

«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ؛ پس عبرت بگیرید ای اهل بینش!» (حشر: ۲)

انسان با نگاه خردمندانه در آثار باقی مانده از دیگران، عبرت می گیرد و پایه های اعتقادی و مرگ باوری او تقویت می شود، چنان که امیر مؤمنان، علی(ع) در این زمینه می فرماید:

بدانید که شما و آنچه در آن هستید، در مسیری قرار گرفته اید که پیشینیان شما در آن قرار داشتند. آنها که عمرشان از شما طولانی تر، سرزمینشان آبادتر و آثارشان از شما بیشتر بود، ناگهان صداهایشان خاموش، نیروها و حرکاتشان متوقف، اجسادشان کهنه، سرزمینشان خالی و آثارشان مندرس گردید. قصرهای محکم و بلند و بساط عیش و بالش های نرم و راحتشان، به سنگ لحدهای گورشان تبدیل شد؛ همان گورهایی که بنای آن به خوبی انجام شده و با خاک، آن را محکم کرده اند. (۱)

ایشان در فرازی از خطبه ۸۳، درباره عبرت گیری از پیشینیان می فرماید:

ای بندگان خدا! کجا هستید آنانی که سالیانی طولانی در نعمت های خدا عمر گذراندند، تعلیمشان دادند و دریافتند؛ مهلتشان دادند و بیهوده روزگار گذراندند؛ از آفات و بلاها دورشان داشتند، ولی فراموش کردند. زمانی طولانی آنها را مهلت دادند، نعمت های فراوان بخشیدند، از عذاب دردناک پرهیزشان دادند و وعده های بزرگ از بهشت جاودان به آنها دادند. ای مردم! از گناهانی که شما را به هلاکت می افکند پرهیزید و دارندگان چشم های بینا و گوش های شنوا باشید. آیا گریزگاهی هست؟ آیا بازگشتی برای جبران وجود دارد؟ نه چنین است! پس کی بازمی گردید؟ به کدام سو می روید و به چه چیزی مغرور می شوید؟ ای بندگان خدا! هم اکنون به اعمال نیکو پردازید. تا ریسمان های مرگ به گلوی شما سخت نشده، هنوز مهلت



دارید و جای تصمیم و توبه و بازگشت از گناه باقی مانده است. عمل کنید، پیش از آنکه دست قدرتمند خدای توانا شما را برگرد. (۱)

### ۳. آسیب های مرگ اندیشی

#### اشاره

۳. آسیب های مرگ اندیشی

مسئله مرگ اندیشی در معرض آسیب هایی قرار دارد که مناسب است پس از بحث موانع و تقویت مرگ اندیشی، به برخی از آنها پرداخته شود. با توجه به منابع دینی، نوع آن آسیب ها به حوزه معرفتی و علمی انسان برمی گردد. در اینجا به برخی آنها اشاره می شود:

#### الف) ناامیدی

الف) ناامیدی

یکی از آسیب های جدی مرگ اندیشی در انسان، ناامیدی از رحمت و بخشایش خداوند است؛ زیرا ممکن است ترس از مرگ و حالات احتضار چنان شدت گیرد که بگوید: با اعمالی که من دارم، به یقین هنگام مرگ در عذاب هستم و خداوند نیز مرا نخواهد بخشید. در حالی که مؤمن نباید چنین حالتی داشته باشد؛ زیرا خداوند می فرماید: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا؛ هرگز از رحمت خداوند ناامید نباشید! البته خداوند همه گناهان را خواهد بخشید». (زمر: ۵۳)

در برخی منابع تفسیری در این باره آمده است: «کسانی هستند که مرگ را فنا و نیستی نمی دانند، ولی ترس از اعمالشان آنان را چنان به ناامیدی می کشاند که می کوشند تا هیچ گاه به مرگ نیندیشند». (۲)

مرحوم نراقی درباره ریشه ناامیدی می نویسد: «ناامیدی، براساس ترس بی جا حاصل می شود یا به دلیل جهل و خیالات باطل و دورماندن از حقیقت مرگ است»؛ (۳) یعنی اندیشه غلط و دیدگاه باطل، او را چنان به

۱- نهج البلاغه، ص ۱۳۸، خطبه ۸۳.

۲- ابوالفضل داورپناه، تفسیر انوار العرفان، تهران، کتاب خانه صدر، ج ۲، ص ۸۲.

۳- علم اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۲۵۹.

بن بست کشانیده که هر دم می گوید: از من گذشت، درحالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «انسان مؤمن از این دنیا بیرون نمی رود، مگر اینکه به خداوند امید و اطمینان می یابد و از او طلب بخشش می کند».<sup>(۱)</sup>

وجود ناامیدی از نظر تربیتی و عمل گرایی اجتماعی و فردی، بسیار خطرناک است. جرئت و جسارت شخص ناامید برای ارتکاب به گناه افزایش می یابد و به عنصری خطرناک برای خود و جامعه مبدل می شود. چه بسا آتش جنون، خرمن عقل و خرد او را نیز دستخوش حریق ویرانگر سازد و چراغ هدایت باطن وی را برای همیشه خاموش کند.<sup>(۲)</sup>

### (ب) زهد گرایی منفی

(ب) زهد گرایی منفی

زهد به معنای بی میلی و بی رغبتی به دنیا،<sup>(۳)</sup> از صفات پسندیده است، ولی از آسیب های مرگ اندیشی نیز به شمار می آید؛ زیرا ممکن است بعضی افراد با عقیده به ناپایداری دنیا و تفکر در سختی های مرگ و حساب و کتاب پس از آن، به افراط گرایی کشیده شوند و به زندگی زاهدانه رو آورند. بدین ترتیب، زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی ایشان آسیب ببیند. چنین افرادی با خزیدن به حالت انزوا و دوری گزیدن از جامعه دنیا را نکوهش می کنند، درحالی که برخوردار شدن از آنچه خدا بخشیده است، اگر همراه با تقوا و ورع و عدالت باشد، بهترین وسیله برای رسیدن به بهشت است.<sup>(۴)</sup>

امام صادق(ع) درباره زهد گرایی منفی می فرماید:

بدان که زهد در دنیا به معنای از بین بردن مال و حرام کردن حلال بر خود نیست، بلکه زهد عبارت است از اینکه آنچه را در دست داری، مطمئن تر از آنچه در دست خداست، ندانی.<sup>(۵)</sup>

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲- فرهنگ اخلاق، ص ۴۸۸.

۳- زهد مثبت، از محل بحث ما خارج است به کتاب های اخلاق مراجعه شود

۴- معاد شناسی، ج ۱، ص ۱۲۳

۵- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۰.

امام سجاده(ع) منشأ این گونه زهد را بی خردی می داند و در نکوهش آن می فرماید:

اگر کسی را دیدید که از دنیا روی می گرداند و از حرام اجتناب می کند، بی درنگ به صالح بودنش قضاوت نکنید، بلکه عقل و خرد او را آزمایش کنید؛ زیرا چه فراوانند کسانی که از عقل کامل بی بهره اند، در دنیا زهد می ورزند، ولی از درک و تشخیص حق محرومند. چنین کسانی اگرچه ترک دنیا می کنند، ولی صدمه آنها بر خویش بر اثر نادانی شان، ضررش بیش از نفعی است که آنها از دین می برند. (۱)

بنابراین، کناره گیری افراطی از دنیا [و قناعت کردن از دنیا به غار] نیز یکی از آسیب هایی است که ممکن است بر اثر مرگ اندیشی اشتباه به وجود آید و موجب انحراف انسان از زهدگرایی اسلامی شود.

## موضوع های کاربردی در رسانه

### اشاره

موضوع های کاربردی در رسانه

در این قسمت می توان آموزه های تربیتی زیر را از متن نوشتار انتخاب کرد و به دو صورت گفت و گوی کارشناسی و پرسش های مردمی عرضه داشت:

### ۱. احتضار و مسائل مربوط به آن

۱. احتضار و مسائل مربوط به آن

الف) تبیین حالت های جان دادن و سختی های آن با استناد به آیات قرآن و روایات؛

ب) لحظه های امیدبخش و شیرین مؤمنان، هنگام مرگ و دیدار پیشوایان معصوم(ع)؛

ج) لحظه های سخت و جانکاه بدکاران هنگام مرگ؛

د) بازشدن چشم برزخی در لحظه مرگ و دیدن کردار خود، با دلایلی از قرآن و روایات.

### ۲. بررسی عوامل آسان جان دادن

۲. بررسی عوامل آسان جان دادن

الف) نماز شب و کارآمدی آن در وقت مرگ؛

ب) آثار صلہ رحم و نیکی به پدر و مادر هنگام مرگ؛

ج) برکات روزه، هنگام مرگ؛

---

۱- طبرسی، الاحتجاج، نجف، دار النعمان، ج ۱، ص ۵۳.

(د) آثار کمک به نیازمندان هنگام مرگ؛

(هـ) همیشه با وضو بودن و آثار آن هنگام مرگ؛

(و) محبت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و جلب حضور امامان معصوم (ع) هنگام مرگ؛

(ز) قرائت قرآن و آثار نیک آن هنگام مرگ؛

(ح) ملاطفت و مهربانی ملک الموت با خوبان هنگام مرگ.

### ۳. بررسی عوامل سخت جان دادن

۳. بررسی عوامل سخت جان دادن

(الف) ظلم به دیگران؛

(ب) شهادت ناحق؛

(ج) ندادن واجبات مالی؛

(د) خیانت در امانت دیگران؛

(هـ) نارضایتی شوهر از همسر؛

(و) نارضایتی پدر و مادر.

### ۴. پرسش های مردمی

۴. پرسش های مردمی

(الف) چه چیزهایی شما را به یاد مرگ می اندازد؟

(ب) چه چیزی انسان را از یاد مرگ دور می کند؟

(ج) آثار مرگ اندیشی در زندگی دنیا و آخرت چیست؟

(د) آیا تا به حال به دلیل ترس از مرگ، از گناه صرف نظر کرده اید؟

هـ) در تشییع جنازه، چه چیزی به ذهنتان می‌رسد؟

و) در وقت‌هایی که به زیارت قبور می‌روید، آیا به این فکر می‌کنید که روزی شما نیز به همسایگی آنها خواهید رفت؟

## فصل چهارم: آثار مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن

### اشاره

فصل چهارم: آثار مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن

زیر فصل ها

۱. آثار مرگ اندیشی

۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی

### ۱. آثار مرگ اندیشی

#### اشاره

۱. آثار مرگ اندیشی

با مطالعه آموزه های دینی، تجربه های اجتماعی و تعامل رفتاری انسان ها می توان گفت که مرگ اندیشی آثار تربیتی، فراوان در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها دارد، چنان که دوری از مرگ اندیشی دارای پیامد های ناگوار است. در این فصل برای بهره مندی بیشتر به برخی آثار و برکات مرگ اندیشی و نیز پیامد های دوری از آن اشاره می شود:

### الف) آثار فردی

#### اشاره

الف) آثار فردی

زیر فصل ها

یک \_ تعدیل غرایز

دو \_ دوری از تکبر

سه \_ بیرون شدن از غفلت

چهار \_ از بین رفتن آرزوهای طولانی

پنج \_ رهایی از گرایش های فریبده دنیایی

شش \_ مراقبه و محاسبه کردار

هفت \_ تقویت امید به وعده های خداوند

هشت \_ انجام عمل صالح

نه \_ زنده دلی و درک واقعیت ها

ده \_ جلب محبت خداوند

یازده \_ حشر با شهدا

دوازده \_ انجام فریضه وصیت

سیزده \_ مبادرت بر توبه

### یک \_ تعدیل غرایز

یک \_ تعدیل غرایز

غرایز مادی و دنیوی در وجود انسان گسترده است. در منابع آمده است: بعضی از آنها مربوط به بدن، برخی مربوط به بدن و روح و دسته ای هم مخصوص روح و روان آدمی است. (۱) امکان دارد که این غرایز کم کم توجه انسان را از آینده و سفر مرگ بازدارند (۲) و مسئله تعدیل غرایز، از مهم ترین مسائل در زندگی انسان است. (۳)

در روایات، یکی از آثار مرگ اندیشی، جلوگیری از سرکشی غریزه هاست؛ زیرا وقتی انسان همواره به یاد مرگ باشد، ضمانت اجرایی

---

۱- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۵۸.

۲- محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، قم، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۸۳.

۳- جعفر سبحانی، خدا و معاد، تلخیص و تنظیم: رضا استادی، قم، نشر توحید، ۱۳۶۰، ص ۱۶.



است تا مراقب همه رفتار و کردار خود باشد و جلوی غلیان غریزه های خود را بگیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ هَادِمُ اللَّذَاتِ؛ بسیار یاد آورید مرگ را که همانا او لذت طلبی ها را از بین می برد.» (۱) از امام علی (ع) نقل شده است که به یاران خود می فرمود:

بندگان خدا! از مرگ و سختی های آن بهراسید، خود را برای آن آماده کنید و برای از بین بردن نزاع ها و کنترل غرایز خود، فراوان در یاد مرگ باشید؛ زیرا یاد مرگ لذت خواهی ها را کنترل می کند. (۲)

همچنین آن حضرت درباره اهمیت یاد مرگ در کنترل غرایز می فرماید: «أَذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ وَ بَقَاءَ التَّبَعَاتِ؛ پایان لذت ها و برجای ماندن سختی ها را به یاد آورید.» (۳)

امام کاظم (ع) نیز می فرماید: «اندیشه در مرگ، انسان را از قرار گرفتن در دام غرایز تباه کننده و گناهان باز می دارد.» (۴) و در برخی منابع در این زمینه آمده است: یاد مرگ نه فقط غرایز انسان را تعدیل می کند و جلوی سرکشی های غریزی اش را می گیرد، بلکه سبب پرورش و رشد فضایل او نیز می شود؛ چون کسی که همیشه به یاد مرگ است، از همه اعمال و رفتارش مراقبت می کند. (۵)

انسان با یاد مرگ است که دل شکسته و خاشع می شود و در پی کسب رضایت الهی است.

امام علی (ع) می فرماید:

زیاد به یاد مرگ باشید؛ زیرا آن هنگام که خواهش های نفسانی به شما رو می آورد و شما را به کردار ناشایست می کشاند، یاد مرگ بهترین پنددهنده است. (۶)

۱- امالی طوسی، ص ۵۲۲؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹هـ. ق، ج ۳، ص ۱۴۱.

۲- تحف العقول، ص ۱۷۶.

۳- نهج البلاغه، ص ۷۳۴، حکمت ۴۳۳.

۴- امالی طوسی، ص ۲۰۳.

۵- ۸. سید محمد حسین طباطبایی، مجموعه مقالات، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴.

۶- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۴۱.

امام صادق (ع) در جمله ای می فرماید: «ذِكْرُ الْمَيُوتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ؛ يَادُ مَرْگِ خَوَاشِ هَاي نَفْسَانِي رَا مِي مِيرَانْد.» (۱).

همچنین در روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر خطاب می کند: «انسان زیرک و دانا کسی است که با یاد مرگ، برای جهان آخرت خود کاری انجام دهد و از خواهش های نفس دوری گزیند.» (۲).

## دو \_ دوری از تکبر

### دو \_ دوری از تکبر

خودخواهی، از بدترین صفاتی است که انسان گرفتار آن می شود. در حالت، فقط در وادی تاریکی قدم می گذارد که غیر از ستم به دیگران، زیر پا نهادن احکام و دستور های الهی و فاصله گرفتن از مرگ اندیشی و جهان آخرت، حاصل دیگری ندارد. بنابراین روایات، یکی از آثار و برکات مرگ اندیشی، دوری از تکبر یاد شده است.

امیر مؤمنان، علی (ع) می فرماید: «وَ أَخِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَ ذَلَّهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ؛ قَلْبَتِ رَا بَا پِنْد و اِنْدَرَز زِنْدَه گِرْدَان و بَا يَاد مَرْگِ خَوَار كِن.» (۳).

امام صادق (ع) نیز می فرماید: «اگر مرگ حق است، پس تکبر و فخر فروشی برای چیست.» (۴).

بنابراین، یاد و اندیشه مرگ، خودخواهی را از انسان دور می کند و او را وادار می دارد تا در برابر دستورهای اسلام تواضع کند، برای سفر آخرت خود احساس خطر کند و زاد و توشه فراهم سازد.

امام علی (ع) در جمله ای می فرماید: «ضَعُ فَخْرَكَ وَ اِخْطَطُ كِبْرَكَ وَ اذْكُرْ قَبْرَكَ؛ فخر فروشی را کنار بگذار، خودبزرگ بینی را رها کن و به یاد مرگ باش.» (۵).

۱- مصباح الشریعه، ص ۵۰۵.

۲- امالی طوسی، ص ۵۲۹.

۳- غرر الحکم، ج ۲، ص ۶۷.

۴- شیخ صدوق، التوحید، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴، ص ۳۷۶.

۵- نهج البلاغه، ص ۷۲۴، حکمت ۳۷۹.

**سه \_ بیرون شدن از غفلت**

سه \_ بیرون شدن از غفلت

یکی از آثار مرگ اندیشی، رهایی از بی توجهی است؛ زیرا همان گونه که غفلت یکی از موانع مرگ اندیشی به شمار می آید، در مقابل اگر انسان در مسیر مرگ اندیشی قرار گیرد، بی گمان بیدار می شود و می کوشد با بارور ساختن درخت مرگ اندیشی در قلب خود، از آن غفلت نوزد.

امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «ذِكْرُ الْمَيُوتِ يَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ؛ یاد مرگ، رویشگاه های غفلت را ریشه کن می کند.»<sup>(۱)</sup> آشکار است که با خشک شدن ریشه غفلت، انسان هر گاه به یاد مرگ می افتد، متوجه زندگی جاودان آخرت می شود و با بهره گیری بهتر از این دنیا، استعداد های درونی خود را شکوفا می سازد، تا در هنگام جان دادن، به کمالات انسانی رسیده باشد.

در برنامه های تربیتی بزرگان دین و مربیان دلسوز نیز بر این مطلب که با یاد مرگ از بی توجهی بیرون آید، فراوان تأکید شده است و اینکه از آثار مهم مرگ اندیشی، اصلاح در کردار و دوری از گناه و ناپاکی هایی است که بر اثر غفلت، از انسان سر می زند.

چنان که در برخی منابع اخلاقی آمده است: «طبیعت دنیا به گونه ای است که انسان را از جنبه های ملکوتی و روحانی و معنوی اش غافل و تمام توجه او را به جهات مادی و اعتبارهای زودگذر دنیوی معطوف می دارد. در این رهگذر، کسانی گرفتار این غفلت نمی شوند که مراقب خویش و در یاد و اندیشه مرگ و آخرت هستند.»<sup>(۲)</sup>

**چهار \_ از بین رفتن آرزوهای طولانی**

چهار \_ از بین رفتن آرزوهای طولانی

در روایات ائمه معصوم (ع) یکی از آثار مرگ اندیشی، از بین رفتن آرزوهای طولانی ذکر شده است. انسان ها آرزوهایی دارند و نیازهایی هم در زندگی

۱- مصباح الشریعه، ص ۵۰۵.

۲- مصباح یزدی، بر درگاه دوست، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷. برای مطالعه بیشتر درباره تأثیر گذاری یاد مرگ در بیرون آمدن از غفلت، نک: جوادی آملی، یاد معاد، صص ۱۸۱ \_ ۱۸۷؛ محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۸۲.

خود احساس می کنند. پس ممکن است برای برآورده شدن آرزوهای خود به افراط کشیده شوند. در اینجا است که آثار یاد مرگ نمایان می شود و ایشان را از زیاده روی باز می دارد و توجهشان را به آخرت گرایایی جلب می کند. چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «آیا دوست می داری از بهشتیان باشی؟» عرض کرد: ای رسول خدا! نهایت آرزویم است. حضرت فرمود: «قَصِّرِ الْأَمَلِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نَصَبَ عَيْنِكَ؛ آرزویت را کوتاه کن و همواره یاد مرگ را جلوی چشمت قرار بده». (۱)

امام علی (ع) از مرگ به عنوان «قَاطِعِ الْأُمْتِيَاتِ» (۲) \_ در هم شکننده آرزو ها \_ یاد کرده است؛ زیرا کسی که با اندیشه به حقیقت مرگ و زندگی خود نظر افکنده، می داند که هر یک از آرزوهای دنیایی را که برای خود ترسیم کرده، پایان پذیر و نابودشدنی است. از این رو، از آنان دست برمی دارد و فعالیت های خود را برای مرگ و عالم پس از آن انجام می دهد. روایت شده است که ابو عبیده نزد امام صادق (ع) آمد و از حضرت درخواست موعظه کرد، تا از این دنیا و آرزوهای آن رهایی یابد. حضرت فرمود: «زیاد در اندیشه مرگ باش که با آن اندیشه، انسان زهد می ورزد و از دام آرزوها نجات می یابد». (۳)

نیز پیامبر در پاسخ کسی که از آن حضرت طلب موعظه کرده بود، فرمود:

عَالِجِ الْأَمَلِ بِكَتْرِهِ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ النَّظَرِ فِي مَوْتِ الْأَقْرَانِ وَ طُولِ تَعَبِهِمْ فِي جَمْعِ الْمَالِ. (۴)

آرزوها را با زیادی یاد مرگ و نگاه کردن به مرگ هموعان و سختی هایی که آنان در جمع آوری مال کشیدند، مداوا کنید.

اثر گذاری مرگ اندیشی در تعدیل آرزوها، چنان است که در برخی منابع اخلاقی در این زمینه آمده است:

۱- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۱۹۷.

۲- نهج البلاغه، ص ۱۸۴، خطبه ۹۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۱.

۴- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۷۴.

خداوند برای اینکه توجه انسان را از گرایش به دنیا و جاودانگی در آن بردارد، دست به تدابیری زده است، از جمله میان دنیا و آخرت مقایسه ای انجام داده تا انسان بداند که تمام آرزوها و میل او به بقا در جهان آخرت برآورده می شود و با برانگیختن عقل و اندیشه انسان، وی را متوجه لذت های بهتر و بادوام تر می کند و می گوید: «اگر فطرت و عقالتان را حاکم قرار دهید، به شما فرمان خواهد داد که به دنبال چیز های بادوام تر و جاودانه تر بروید».<sup>(۱)</sup>

از این رو، می فرماید: «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ آنچه نزد خداست بهتر و بادوام تر است. آیا نمی اندیشید؟».  
(قصص: ۶۰)

واقعیت این است که با اندیشه خردمندانه درباره مرگ، انسان می تواند جایگاه واقعی برآورده شدن آرزوهای خود را بیابد و در پی دستیابی به سعادت مندی در جهان آخرت حرکت کند.

به قول مولانا:

جان همه روزه لگدمال خیال

وز زیان و سود از خوف زوال

نی صفا می ماندش، نی لطف و فر

نی به سوی آسمان راه سفر

### پنج \_ رهایی از گرایش های فریبنده دنیایی

پنج \_ رهایی از گرایش های فریبنده دنیایی

با نگاهی به روایات پیشوایان معصوم (ع) در زمینه یاد مرگ، می توان دریافت که از نظر تربیتی و عمل گرایی، یکی از بهترین آثار مرگ اندیشی، رهایی انسان از گرایش های فریبنده دنیاست. در این زمینه، روایات فراوان وجود دارد که به بخشی از آنها اشاره می شود:

یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای فرستاده خدا! مرا موعظه کن به چیزی که بهترین سود را برایم داشته باشد. حضرت فرمود: «اَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يُسَلِّبُكَ عَنْ أَمْرِ الدُّنْيَا؛ زیاد به یاد مرگ باش؛ زیرا یاد مرگ، تو را از دام های دنیا رهایی می بخشد».<sup>(۲)</sup>



علی (ع) می فرماید:

مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْكَفَافِ (۱).

هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، به مقدار نیاز خود در بهره وری از دنیا راضی می شود.

و نیز فرمود: «مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ؛ هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، دل بستگی او به دنیا کم می شود.» (۲).

در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده است: «مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيُسْرِ؛ هر کس به یاد مرگ باشد، به اندکی از دنیا راضی می شود.» (۳).

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَ يُحَقِّقُ الدُّنْيَا؛ یاد مرگ، حرص به دنیا و مظاهر آن را خاموش و دنیا را در نظر کوچک می کند.» (۴).

در این روایات، ارزش های متاع این دنیا و بهره وری از آن به طور کامل نفی نشده است، بلکه با پیشنهاد برنامه های واقع بینانه در زمینه مرگ اندیشی، جلوی زیاده خواهی ها را می گیرد و ارزش های والای انسانی را حفظ می کند.

پیش صاحب نظران ملک سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان، که ز ملک آزاد است

دل بر این پیرزن عشوه گر دهر میند

نو عروس است که در عقد بسی داماد است

خیمه انس مزین بر در این کهنه رباط

که اساسش همه بی موقع و بی بنیاد است

انسان مرگ اندیش در زندگی خود می کوشد از موهبت های الهی برای رسیدن به آسایش این دنیا و جهان آخرت خود استفاده کند، چنان که حضرت رضا (ع) می فرماید:

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۴۶.

٣- اءلام الءفن فف صفاء المؤمنفن؁ ص ١٥٧؛ ءررالءكم وءررالءلم؁ ء ٥؁ ص ٣٧٩.

٤- مصباح الشرفه؁ ص ٥١٥.



لَا تُفَوِّتَنَّكُمْ خَيْرَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْآخِرَةَ لَا تُلْحَقُ وَلَا تُنَالُ إِلَّا بِالْدُّنْيَا. (۱)

خیر دنیا از دستتان نرود؛ زیرا نیل به آخرت و دست یابی به موهبت های آن، جز به وسیله دنیا میسر نمی شود.

امیر مؤمنان، علی (ع) در تفسیر آیه «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (۲) می فرماید:

لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاعَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ. (۳)

سلامتی، نیروی جوانی، نشاط و بی نیازی خود را از یاد مبر تا آخرت را با آنها به دست آوری.

بنابراین، اندیشه در مرگ و حقیقت زندگی، این اثر را بر انسان دارد که از این دنیا به قدر نیاز و کفاف خود بهره جوید و دل به آنها نبندد.

### شش \_ مراقبه و محاسبه کردار

شش \_ مراقبه و محاسبه کردار

یکی از مهم ترین آثار تربیتی مرگ اندیشی این است که انسان به سبب ایمان و عقیده ای که به مرگ و جهان پس از آن دارد، هیچ گاه به کردار و رفتار روزانه خود بی توجه نیست، بلکه شب و روز مراقب عمل خویش است و در موقعیت های مناسب با خود خلوت می کند و رفتار خود را محاسبه می نماید. (۴) در این صورت، انسان با عزم استوار، خود را برای ملاقات مرگ آماده می سازد. بر همین اساس، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «آیا شما را از زیرک ترین دانایان و احمق ترین نادان ها آگاه سازم؟» عرض کردند: آری، ای رسول خدا. حضرت فرمود:

أَكْبَسُ الْكَيْسِيِّنَ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَ أَنَّ أَحَمَقَ الْحُمَقَاءِ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ وَ هَوَاهُ وَ تَمَنَّى اللَّهُ الْأَمَانِيَّ. (۵)

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

۲- نک: قصص: ۷، «سهم خود را از دنیا فراموش مکن»

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۳۹.

۴- نک: پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۰۵؛ حبیب الله طاهری، درس هایی از اخلاق اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۶.

۵- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۸۹.

زیرک ترین افراد کسانی هستند که خود را به حساب بکشند و برای بعد از مرگ و آخرت تلاش کنند و احمق ترین افراد کسانی هستند که از هوای خویش پیروی کنند و از خدا آرزوهای نادرست داشته باشند.

و نیز آن حضرت به ابوذر فرمود:

ای ابوذر! به حساب خویش رسیدگی کن، پیش از آنکه از تو حساب کشند که این از محاسبه فردای تو آسان تر است و خویشتن را ارزیابی کن، پیش از آنکه مورد سنجش قرار گیری و خود را برای عرضه به پیشگاه خداوند در روز قیامت آماده کن، که هیچ چیز از تو بر خدا پنهان نمی ماند. (۱)

امام علی (ع) درباره چگونگی محاسبه می فرماید:

هنگامی که انسان روز را به پایان می برد، به خود مراجعه و به نفس خویش خطاب می کند: امروز گذشت و بار دیگر باز نخواهد گشت و خداوند درباره آن از تو خواهد پرسید که در چه راهی گذراندی و در آن روز چه کردی؟ آیا خدا را یاد و ستایش کردی؟ آیا حق برادر ایمانی را ادا کردی؟ آیا اندوه او را برطرف ساختی؟ آیا در غیاب او زن و فرزندش را نگهداری کردی؟ آیا پس از مرگ از بازماندگانش محافظت نمودی؟ آیا مانع غیبت برادر دینی گشتی؟ بدین شکل، آنچه را از او سرزده، به یاد آورد؛ پس اگر از او کار نیک سرزده، خدای را به خاطر توفیقی که به او داده سپاس گوید و اگر گناهی انجام داده یا در کار خویش کوتاهی کرده، از خدای بزرگ درخواست آمرزش کند و تصمیم بگیرد که دیگر بار انجام ندهد. (۲)

آشکار است که این گونه مراقبه و محاسبه نصیب کسی می شود که در هر شبانه روز، مدتی را در اندیشه مرگ باشد. چنان که در سفینه البحار درباره شخصی به نام ابن صمه، نقل شده است که او بیشتر وقت ها محاسبه نفس داشت. روزی حساب کرد که از عمرش شصت سال گذشته و روز هایش به ۲۱۵۰۰ روز رسیده است. با خود گفت: اگر هر روز دست کم یک گناه

۱- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، تهران، دارالفقه، ۱۴۲۵ هـ.ق، ص ۴۶۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۸.

مرتکب شده باشم، تاکنون بیش از ۲۱۰۰۰ گناه انجام داده ام! این را گفت و صیحه ای زد و از دنیا رفت. (۱)

این گونه محاسبه کردن، می تواند به اصلاح نفس انسان منجر شود و خوشبختی دنیا و آخرت را به دنبال داشته باشد. علی (ع) می فرماید: «ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ إِصْلَاحُ النَّفْسِ؛ نتیجه حساب کشیدن از نفس، اصلاح آن است». (۲)

### هفت \_ تقویت امید به وعده های خداوند

هفت \_ تقویت امید به وعده های خداوند

یکی دیگر از آثار ارزشمند مرگ اندیشی، امیدوار بودن به وعده های نیک خداوند است که روح تلاش و امیدواری به آینده، در انسان زنده می شود و به دنبال کسب مراتب بالاتر و پاداش های بزرگ تر خداوند حرکت می کند.

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يَقْوِي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ؛ یاد مرگ دل را به وعده های خدا نیرو می بخشد». (۳)

با یاد مرگ، انسان به این وعده الهی دل می بندد و امید وار می شود:

وَإِنَّمَا تُوفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. (آل عمران: ۱۸۵)

و شما پاداش خود را به طور کامل در قیامت خواهید گرفت. پس آنها که از آتش دوزخ دور شدند و به بهشت وارد گشتند، نجات یافته و به سعادت رسیده اند. زندگی دنیا فقط سرمایه و بهره برداری غرور آمیزی بیش نیست.

بنابراین، اندیشیدن در مرگ، به معنای ترویج نگرانی و ناامیدی در جامعه نیست، بلکه به معنای امیدبخشی هدفمند و پیوند دادن میان کردار نیک و بد این دنیا با پاداش ها و کیفر های آن دنیاست.

حلوا به کسی ده که محبت نچشیده است ج-- حلوا به کسی ده که محبت نچشیده است

\*\*\*

۱- سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۶۲.

۳- مصباح الشریعه، ص ۵۰۵.

غیر فروغ رخ زیبای تو

نیست مرا مقتبس دیگری

\*\*\*

حاشا که بگویمت تو لیلای منی

اما من دلباخته مجنون توام (۱)

### هشت \_ انجام عمل صالح

هشت \_ انجام عمل صالح

یکی از آموزه های تربیتی قرآن و روایات ائمه معصوم (ع) درباره مرگ اندیشی، رابطه میان مرگ اندیشی و عمل صالح است؛ وقتی انسان با اندیشه دینی به این واقعیت دست یافت که زندگی در این دنیا مقدمه زندگی آخرت است و سعادت در آخرت را به وسیله کار و تلاش در این دنیا می توان به دست آورد، (۲) در او انگیزه پیدا می شود و می کوشد با انجام عمل صالح، رضایت خدایش را به دست آورد.

در قرآن کریم آمده است:

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا. (کهف: ۱۱۰)

پس هرکس امید لقای پروردگارش را دارد، باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

بنابر این آیه، دیدار خداوند پیامد دو چیز است؛ یکی عمل صالح و دیگر اخلاص در عبودیت.

در تفسیر این آیه آمده است: «مراد از لقاء الله در آیه، دیدار معنوی و شهود باطنی و اوج تکامل انسان هاست که یادآوری آن می تواند انگیزه ای برای اخلاص کامل و عمل صالح باشد». (۳)

در روایات نقل شده است که آثار عمل صالح در زندگی انسان بسیار راهگشاست، به گونه ای که انسان در حال احتضار به نیکی درمی یابد که

۱- حبیب الله طاهری، اخلاق اسلامی، ص ۱۳۶، به نقل از: دیوان حسن زاده آملی.

۲- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۷۷.



چگونه با بی توجهی، فرصت هایی را از دست داده و در انجام عمل صالح کوتاهی کرده است و آرزو می کند که ای کاش بار دیگر به او اجازه بازگشت داده شود تا عمل صالح انجام دهد. (۱)

امام علی (ع) می فرماید:

الْأَيَّامُ صَحَائِفُ آجَالِكُمْ فَخَلِّدُوهَا أَحْسَنَ أَعْمَالِكُمْ. (۲)

روزگار دفترچه سررسید عمر های شماست، پس با درج بهترین کارهایتان آن را جاویدان کنید.

بنابراین، یکی از آثار مهم ایمان و اعتقاد به مرگ و زندگی پس از آن، در چگونگی انجام عمل آشکار می شود، بدین گونه که انسان انگیزه می یابد عمل صالح و خالص انجام دهد.

### نه \_ زنده دلی و درک واقعیت ها

نه \_ زنده دلی و درک واقعیت ها

بنا بر آیات و روایات، ممکن است قلب انسان در معرض گرایش هایی قرار گیرد که او را از درک واقعیت ها باز دارند. قرآن در این زمینه می فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا؛ دل دارند و با آن نمی فهمند.» (اعراف: ۱۷۹) و در آیه دیگر می فرماید: «تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ؛ دل هایی که در سینه ها هستند، کورند.» (حج: ۴۶)

امام سجاد (ع) در یکی از مناجات هایش از قلبی که بر اثر گرایش های ضد دینی به سوی معصیت کشیده شده است، به قلبی مرده تعبیر می کند و می گوید:

وَ أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جَنَائِي فَأَحْيِهِ بِتَوْبِهِ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَ بُعْثِي. (۳)

و دلم را بزرگی جنایتم به مرگ کشیده. پس آن را زنده کن به پذیرش توبه از جانب خود، ای آرمانم و ای مطلوبم.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که هر کس زیاد در اندیشه مرگ باشد، دل او زنده می شود:

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۳۵.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۱.

۳- مفاتیح الجنان، مناجات التائبین.

أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ. (۱)

مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا هیچ بنده ای آن را بسیار یاد نکرد مگر اینکه خداوند دل او را زنده گردانید.

بنابراین، تفکر درباره مرگ و حالات آن می تواند بر انسان اثر گذارد و قلب او را آماده پذیرش نیکی ها کند. برای درک واقعیت ها و دوری از خیال پردازی های سراب گونه، امیر مؤمنان، علی (ع) در جمله ای، درباره تفکر و بینش زاهدان می فرماید:

وَيَرُونَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ وَهُمْ أَشَدُّ إِعْظَامًا لِمَوْتِ قُلُوبِ أَحْيَائِهِمْ. (۲)

اهل دنیا را می نگرند که مرگ بدن ها را بزرگ می شمارند و اما آنها مرگ دل های زندگان را بزرگ تر می دانند.

## ده \_ جلب محبت خداوند

ده \_ جلب محبت خداوند

یکی دیگر از برکات مرگ اندیشی جلب محبت خداوند است؛ زیرا هر کسی اندیشه اش در پرتو یاد فراوان مرگ قرار گیرد، به طور قطع مسیری را طی می کند که رضایت خداوند را کسب کند و آشکار است که چنین کسی مشمول عنایت و محبت خداوند خواهد بود.

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللَّهُ؛ هر کس مرگ را بسیار یاد کند، خدا او را دوست می دارد». (۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده: «کسی که با اعمال نیک، رضایت و محبت خداوند را به دست آورد، سكرات مرگ و تاریکی قبر و مشکلات و سختی های پس از مرگ را نخواهد دید». (۴)

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۱۲، باب ۳۷۲۱، ح ۱۹۱۵۴.

۲- نهج البلاغه، ص ۴۸۶، خطبه ۲۳۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۴.

۴- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۹.

## یازده \_ حشر با شهدا

## یازده \_ حشر با شهدا

مقام و جایگاه شهدا در پیشگاه خداوند بسیار بزرگ و ستودنی است. در روایت نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشویق اصحاب و آمادگی آنان برای شهادت پذیری، از مقام شهید و نعمت هایی که در قیامت نصیب شهید می شود، زیاد سخن به میان می آورد تا اینکه روزی یکی از یاران حضرت از ایشان پرسید: آیا در قیامت کسی هم درجه با شهید محشور می شود؟ حضرت فرمود: «نَعَمْ مَنْ يَذْكُرُ الْمَوْتَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ؛ آری کسی که شبانه روز به یاد مرگ باشد، با شهدا و [هم درجه آنان] محشور می شود». (۱)

در برخی روایات آمده است که هر کس در شب و روز بیست بار به یاد مرگ افتد، با شهدا محشور می شود. مرحوم فیض کاشانی در تفسیر این حدیث می گوید:

اینکه در حدیث آمده است هر کس به یاد مرگ باشد، با شهدا محشور می شود، به دلیل این است که یاد مرگ سبب دوری انسان از وابستگی های دنیای فریب کار می شود و انسان آماده مرگ می شود و از شهوات دوری می کند. (۲)

این حدیث، از نظر تربیتی برای مرگ اندیشان بسیار نویدبخش و حرکت آفرین است؛ زیرا درک مقام شهدا چنان سرمایه عظیمی در جهان آخرت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خود، در آرزوی آن بوده می فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوَدِدْتُ إِنِّي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (۳) سوگند به آن خدایی که جانم در اختیار اوست، دوست دارم در راه خدا به شهادت برسم.» و نیز امام علی (ع) می فرمود: «سوگند به خدا، من شهادت در راه خدا را دوست می دارم». (۴)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲- محجه البيضاء، ج ۸، ص ۲۴۰.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۱۳.

۴- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۷۶۴.



عشق رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی (ع)، به شهادت، به سبب مقام و نعمت های فراوانی است که شهدا در روز قیامت از جانب خداوند دریافت می دارند.

حال اگر کسی از فیض شهادت محروم است، می تواند با مرگ اندیشی، خیر و سعادت آخرت را نصیب خود کند و در قیامت با شهدا محشور گردد.

### دوازده \_ انجام فریضه وصیت

دوازده \_ انجام فریضه وصیت

هر مسلمانی وظیفه دارد پیش از فرارسیدن مرگش وصیت کند. گرچه وصیت امری مستحب است، گاهی از نظر حقوقی شکل و جوب پیدا می کند. برای مثال اگر انسان در پرداخت حقوق الهی کوتاهی کرده یا امانتی از مردم نزد او مانده و بدهکاری داشته باشد که در صورت وصیت نکردن، احتمال از بین رفتن آنها باشد، در این موارد واجب است که وصیت کند.

در قرآن و نیز روایات امامان معصوم (ع) به انجام وصیت، فراوان تأکید شده است. در سوره بقره می فرماید:

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ. (بقره: ۱۸۰)

بر شما نوشته شده، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا می رسد، اگر چیز خوبی از خود به جا گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند. این حقی است بر پرهیزکاران.

همچنین درباره بهتر انجام دادن وصیت می فرماید:

إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ. (مائده: ۱۰۶)

هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسید، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبید.

همچنین در روایات درباره انجام وصیت فراوان سفارش شده است، از جمله از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند:

مَا يَتَّبِعِي لِأَمْرِي مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيَّتَ لَيْلَهُ إِلَّا وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ. (۱)

سزاوار نیست برای مسلمان که شب را بخوابد، مگر اینکه وصیتش زیر سرش باشد.

نیز علی(ع) می فرماید: «مَنْ لَمْ يُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ فَقَدْ خَتَمَ عَمَلَهُ بِمَعْصِيَةٍ؛ کسی که وقت مرگش وصیت نکند، اعمالش را با گناه به پایان رسانیده است».(۱)

با اینکه درباره وصیت این گونه تأکید شده است، بسیاری افراد، نه فقط در انجام آن کوتاهی می کنند، بلکه از نام وصیت به هراس می افتند و او را فرشته مرگ خود می پندارند. این در حالی است که هر کس به یاد مرگ باشد و باور کند هر لحظه فرشته مرگ می تواند جان او را قبض کند، از انجام وصیت کوتاهی نمی کند.

### سیزده \_ مبادرت بر توبه

سیزده \_ مبادرت بر توبه

یکی از بهترین و امیدبخش ترین آثار نیک مرگ اندیشی، توبه کردن است؛ زیرا هنگامی که انسان مرتکب گناه می شود، از رحمت الهی دور می ماند و اسباب عذاب الهی را فراهم می آورد.

توبه در حقیقت، حالتی روحی و قیام درونی است که از معرفت و بیداری انسان سرچشمه می گیرد و دل را متوجه خداوند می سازد تا از اعمال ناپسند دست کشد و با سوز و شوق و دگرگونی عمیق، درون خود را بازسازی کند. از حضرت علی(ع) درباره ارکان توبه نقل شده است:

التَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَتَرْكُ بِالْجَوَارِحِ وَإِضْمَارُ أَنْ لَا يُعْوَدَ.(۲)

توبه، پشیمانی در دل، درخواست آمرزش با زبان، ترک گناه با اعضا و عزم و تصمیم بر بازنگشتن است.

امام باقر(ع) می فرماید: «توبه کننده از گناه، مانند کسی است که گناه ندارد».(۳)

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۳۷، باب ۸۷.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۱۶، باب توبه، ح ۱۰.

امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده، دعای سی و یکم را به توبه و طلب توفیق آن از خداوند اختصاص داده است و در یکی از فرازهای آن دعا می گوید:

اَللّٰهُمَّ اِنْ يٰكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً اِلَيْكَ فَاَنَا اَنْدَمُ النَّادِمِيْنَ وَ اِنْ يٰكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَّتِكَ اِنَابَةً فَاَنَا اَوَّلُ الْمُتَنِيْبِيْنَ وَ اِنْ يٰكُنِ الْاِسْرَءِيْلُ تَغْفَارًا حِطَّةً  
لِلذُّنُوْبِ فَاِنِّيْ لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ. (۱)

خدایا! اگر پشیمانی از گناه، خود، توبه است، من از هر پشیمانی پشیمان ترم و اگر ترک عصیان و نافرمانی تو، خود، بازگشت به سوی توست، من نخستین بازگشت کننده گانم و اگر آمرزش خواهی مایه ریزش گناهان است، من در پیشگاه تو از آمرزش خواهانم.

آن بزرگوار در مناجات التائبین نیز می گوید:

اَلِهٰى اَنْتَ الَّذِى فُتِحَتْ لِعِبَادِكَ اَبَابًا اِلَى عَفْوِكَ سَمِيَّتُهُ التَّوْبَةُ فَقُلْتُ تُوْبُوْا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا فَمَا عُذْرٌ مِّنْ اَغْفَلَ دُخُوْلَ الْبَابِ بَعْدَ  
فَتْحِهِ. (۲)

خدای من، تویی که به عفو و بخشش خود برای بندگان دری گشودی و نامش را توبه نهادی و [در قرآن] فرمودی به سوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص. پس اینک چیست عذر کسی که از وارد شدن به این در، پس از گشایش آن غافل باشد؟

به راستی کسی از توبه غافل می ماند که در اندیشه مرگ نباشد؛ زیرا هر انسانی که به فکر مرگ و ناگهانی بودن آن باشد، هرگز از توبه غفلت نمی کند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه نقل شده است: «لَا تُؤَخِّرِ التَّوْبَةَ فَاِنَّ الْمَوْتَ يَأْتِي بَعَثَةً؛ توبه را به تأخیر مینداز که مرگ ناگهانی فرا می رسد». (۳)

و نیز از امام جواد (ع) نقل شده است:

تأخیر در توبه، غافل گیر شدن و فریب خوردن است و پیوسته به امروز و فردا انداختن توبه، نوعی سرگردانی است و بهانه آوردن و عذر تراشی در برابر

۱- صحیفه سجاده، ص ۲۳۲.

۲- مفاتیح الجنان، مناجات خمسہ عشره، مناجات التائبین.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۳، باب ۸۵ ح ۱۴.

خداوند، سبب هلاکت است. اصرار ورزیدن بر گناه نیز ایمنی از مکر خداست و جز زیان کاران کسی خود را از مکر خدا ایمن نمی پندارد. (۱)

امام صادق (ع) می فرماید: «أَكْثَرُ صَيِّحِهِ أَهْلِ النَّارِ مِنْ تَسْوِيفِ التَّوْبَةِ؛ بیشتر فریاد های اهل جهنم از تأخیر توبه است». (۲)

افزون بر آیات قرآن و روایاتی که ذکر شد، در سخنان عالمان و بزرگان با صراحت آمده است که هر کسی ترس از مرگ داشته باشد، بر او اثر می گذارد و توبه می کند. صدر المتألهین شیرازی در تفسیر خود می فرماید: «بدان که هر کس در دلش خوف و هراس از مرگ پیدا شود، این نعمتی است که برای انسان انگیزه پیدا می شود تا از کردار ناپسند خود توبه کند». (۳)

فخر رازی از مفسران اهل سنت می نویسد: «هر کس بیشتر به یاد مرگ باشد، قلب او هیچ گاه از خشوع خالی نمی باشد و همین سبب می شود که او توبه کند». (۴)

مرحوم شبر می نگارد:

توبه کنندگان که بسیار از مرگ یاد می کنند، تا خوف و وحشت در قلوبشان انگیزته شود و به توبه کامل دست یابند و چه بسا آنان از مرگ ناخشنودند؛ زیرا هراس دارند که قبل از توبه کامل و تهیه توشه، آنان را دریابد و اینان همواره به دنبال تحصیل آمادگی بیشترند. (۵)

ز هر چه غیر یار استغفرالله

ز هر چه بود مستعار استغفرالله

دمی که بگذرد بی یاد رویش

از آن دم بی شمار استغفرالله

سر آمد عمر و یک ساعت ز غفلت

نگشتم هوشیار استغفرالله

۱- تحف العقول، ص ۳۳۶.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۷۶.

۳- التفسیر القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۹۵.

۴- تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۴۹۱.



جوانی رفت و پیری هم سرآمد

نکردم هیچ کار استغفرالله

خطا بود آنچه گفتم، آنچه کردم

از آنها الفرار استغفرالله

امام سجاد(ع) به همین مناسبت در پیشگاه خداوند عرضه می کند:

أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أُنْسِكَ وَ مِنْ كُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ. (۱)

خدای من! از هر لذتی جز یادت و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر نشاط و سروری جز قرب به مقام ولایت و از هر کار جز طاعت تو درخواست آموزش و استغفار می کنم.

## ب) آثار اجتماعی مرگ اندیشی

### اشاره

ب) آثار اجتماعی مرگ اندیشی

مرگ اندیشی در کنار آثار فردی، آثار تربیتی اجتماعی نیز دارد که از نظر کاربردی و ساختار اجتماعی، در زمینه های گوناگون جامعه آشکار می شود. مناسب است به نمونه هایی از آثار اجتماعی مرگ اندیشی اشاره شود:

### یک \_ رعایت عدالت

یک \_ رعایت عدالت

عدالت به معنای ستم نکردن در حق دیگران است. یکی از هدف های جامعه دینی، تحقق عدالت در میان افراد است؛ یعنی آدمیان به گونه ای با یکدیگر تعامل داشته باشند که هیچ یک بر دیگری ستم نکند.

تحقق این آرمان مقدس هرچند می تواند با وضع قوانین و نظارت بر اجرای آن صورت پذیرد، ضمانت اجرای درونی ندارد. در این زمینه، نقش ارزشمند ایمان و عقیده آشکار می شود؛ زیرا در هر جامعه ای اگر ایمان به خدا و عقیده به مرگ و حساب و کتاب وجود داشته باشد، افراد می کوشند حقوق دیگران را در آشکار و نهان نگه دارند؛ زیرا خوف از مرگ، کیفر گناه و عذاب های اخروی، بهترین ضامن اجرای قوانین خواهد بود. (۲)

١- مفاتيح الجنان، مناجات الذاكرين.

٢- جعفر سبحاني، معاد انسان و جهان، قم، مكتب اسلام، ١٣٧٣، ص ١٩.

براین اساس، امام علی (ع) درباره عدالت اجتماعی و رابطه آن با مرگ اندیشی و آخرت گرایی می فرماید:

سوگند به خدا، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و پیامبرش را درحالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم، چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می رود و در خاک، زمانی طولانی اقامت می کند. (۱)

مهم ترین نکته تربیتی کلام امام این است که حضرت، پیوند میان عدالت اجتماعی و آخرت گرایی را به نیکی بیان داشته است. بنابراین، ایمان به مرگ و پیامدهای آن در حفظ امنیت اجتماعی و جلوگیری از فساد و قانون شکنی، بیش از هر چیز کاربرد دارد. (۲)

## دو\_ پایداری در حفظ ارزش های دینی

دو\_ پایداری در حفظ ارزش های دینی

یکی از پیامدهای مرگ اندیشی و آگاهی از حقیقت مرگ، پایداری در حفظ ارزش های دینی است. در این میان، قرآن و روایات، جهاد در راه خدا را یکی از آن ارزش ها نام برده اند؛ زیرا ویژگی مهم جهاد در کنار فیض و پاداش بزرگی که نزد خدا دارد، رفتن به کام مرگ است. کسانی که به قیامت ایمان دارند و مرگ را پایان زندگی نمی دانند، بلکه سرآغاز زندگی برتر می شمارند، با شجاعت و شهامت، از مرگ و شهادت در راه خدا [که بهترین ارزش هاست] استقبال می کنند. (۳)

خداوند درباره این گونه افراد می فرماید:

قَالَ الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. (بقره: ۲۴۹)

۱- نهج البلاغه، ص ۴۵۹، خطبه ۲۲۴.

۲- محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۱۳.

۳- پیام قرآن، ج ۵، ص ۳۹۲.



آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد، گفتند: چه بسیار گروه های کوچک که به فرمان خداوند بر گروه های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران [استقامت کنندگان] است.

اوج این استقامت را در سرزمین کربلا، امام حسین (ع) و یارانش به نمایش گذاشتند. آنان با آگاهی از واقعیت زندگی و حقیقت مرگ، برای نگهبانی از ارزش های دینی چنان استوار تا پای جان ایستادند که دشمن را به شگفتی واداشتند. دشمنان هنگامی که دیدند با دشوارتر شدن اوضاع، چهره مبارک امام برافروخته تر می شود، به همدیگر می گفتند: «انظروا لایالی بالموت؛ نگاه کنید که ترس از مرگ ندارد».<sup>(۱)</sup>

آن حضرت می فرمود:

در قدر و مرتبه من این نیست که از مرگ بترسم. چه آسان است مرگ در راه به دست آوردن عزت و زنده کردن حق! مرگ در راه عزت چیزی نیست جز زندگی جاودان و زندگی با لذت چیزی نیست جز مرگ پایدار. آیا مرا از مرگ می ترسانید؟ تیر شما به خطا رفته و گمان شما دروغ است. من از مرگ نمی ترسم. جان من والاتر از آن است و همت من بلندتر از آنکه ذلت را از روی ترس از مرگ تحمل کنم. ولی شما هرگز نمی توانید شرافت و بزرگی و عزت مرا در هم بشکنید. چه باک از مرگ دارم.<sup>(۲)</sup>

و نیز مسلم بن عوسجه در اظهار وفاداری به امام می گوید:

به خدا قسم اگر هفتاد بار کشته شوم و سوزانده شوم و خاکسترم بر باد رود، هرگز تو را رها نخواهم کرد، تا چه رسد به اینکه اکنون یک بار کشته شدن است، سپس کرامتی ابدی که از بین نرفتنی است.<sup>(۳)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲- قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، قم، انتشارات کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ هـ. ق، ج ۱۱، ص ۶.

۳- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی، ۱۹۶۹م، ج ۴، ص ۹۹.

استقبال از مرگ و پایداری برای حفظ ارزش های دینی را تنها با تصریحات خود امام که مرگ در اندیشه آن حضرت، زندگی دوباره و دارای شرافت و عزت بوده است، می توان تفسیر کرد.

آزمودم، مرگ من در زندگی است

چون رهم زین زندگی پایندی است

### سه \_ پرورش اخلاق اجتماعی

سه \_ پرورش اخلاق اجتماعی

علمای علم اخلاق، کردار انسان را به سه گونه ارتباط با خداوند، با خود و با دیگران تقسیم کرده اند که از اولی با عنوان اخلاق الهی، از دومی به اخلاق فردی و از سومی به اخلاق اجتماعی نام برده اند. (۱)

بخش بزرگی از زندگی انسان را معاشرت و ارتباط با دیگران تشکیل می دهد. در این میان، امکان دارد رفتار انسان با دیگران براساس خواهش های نفسانی شکل گیرد و اخلاق اجتماعی را رعایت نکند. برای اینکه انسان اخلاق اجتماعی را رعایت کند و به رذیلت های اخلاقی آلوده نشود، نیازمند عوامل و آموزه های بیدارکننده ای است.

یکی از آثار سازنده اجتماعی مرگ اندیشی، پرورش اخلاق اجتماعی در انسان است؛ زیرا اعتقاد به مرگ و پاداش ها و کیفر ها فضیلت های اخلاقی مانند انسان دوستی، ضعیف نوازی، مهربانی به یتیمان، دستگیری از درماندگان و... را در انسان زنده می سازد. (۲)

آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد: «صفات برجسته اخلاق، در کنار یاد معاد و تذکر قیامت به کمال لازم می رسند؛ زیرا یاد مرگ و عذاب قیامت، انسان را دل شکسته و قلب او را خاشع می سازد.» (۳) با یاد مرگ و

۱- اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۵.

۲- خدا و معاد، ص ۱۸.

۳- معاد در قرآن، ج ۴، ص ۵۲.

جهان آخرت، افراد احساس مسئولیت می کنند، خود را از دیگران جدا نمی دانند و همواره می کوشند حقوق دیگران را رعایت کنند و شریک غم ها و شادی های دیگران باشند و اگر کوتاهی از دیگران ببینند، نه تنها به فکر انتقام گیری نمی افتند، بلکه ایشارگرانه رفتار می کنند. پس اینان به منظور کسب فضیلت ها و نفی رذیلت های اخلاقی تلاش می کنند تا به سعادت آخرت برسند. (۱)

### چهار\_ تحمل مصیبت ها

#### چهار\_ تحمل مصیبت ها

اساساً زندگی انسان همواره با خوبی و خوشی سپری نمی شود، بلکه گاهی در زندگی او اتفاق های ناگوار و غم انگیزی رخ می دهد. انسان ها در برابر آن ناگواری ها، برخورد های متفاوت دارند. در این میان، افرادی که با یاد و اندیشه مرگ تربیت یافته باشند، تسلیم مقدرات خداوند می شوند و مصیبت ها را به راحتی تحمل می کنند و بیشتر به یاد مرگ می افتند. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید:

أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ يَوْمِ خُرُوجِكُمْ مِنَ الْقُبُورِ وَ قِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَهَوَّنَ عَلَيْكُمُ الْمَصَائِبُ. (۲)

زیاد به یاد مرگ و بیرون شدن از قبر ها و قرار گرفتن خودتان در پیشگاه خداوند باشید، تا بر شما تحمل مصیبت و گرفتاری آسان شود.

قرآن کریم درباره رویارویی افراد مرگ اندیش با مصیبت ها می فرماید:

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ - أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ. (بقره: ۱۵۶ و ۱۵۷)

آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او بازمی گردیم، کسانی هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان می شود و آنها هدایت یافتگان هستند.

۱- اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۳.

۲- تحف العقول، ص ۱۰۴؛ خصال صدوق، ص ۶۱۶.

بنابراین، یکی از آثار تربیتی مرگ اندیشی این است که انسان، خردمندانه همه چیز خود را از خدا می داند و مصیبت ها و تلخ کامی هایی را که بر او وارد می شود، با آغوش باز می پذیرد و این اثر، هم کاربرد فردی و هم کاربرد اجتماعی دارد.

### پنج \_ سرعت در انجام کارهای خیر

پنج \_ سرعت در انجام کارهای خیر

انجام کار خیر و نفع رسانی به دیگران، یکی از آموزه هایی است که در قرآن و روایات فراوان تأکید شده است و تأمین نیازمندی های اجتماعی را از نمونه های کار خیر دانسته و همگان را به پیشی گرفتن و سرعت در انجام آن دعوت کرده اند. (۱) برای ترغیب و تشویق نیکوکاران می فرماید: «وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ؛ هر چه از طاعت و کار نیکو برای خود از پیش می فرستید، همان را نزد خداوند خواهید یافت». (بقره: ۱۱۰)

یکی از عواملی که می تواند انسان را به سوی انجام کارهای خیر بکشاند، مرگ اندیشی و تقویت عقیده به مرگ و جهان آخرت است.

امیرمؤمنان، علی(ع) می فرماید: «مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ؛ کسی که مواظب مرگ است، در نیکی ها پیشی می گیرد.» (۲) در کافی نیز شبیه این حدیث از امام صادق(ع) نقل شده است. (۳)

امام علی(ع) می فرماید:

انسان هایی که در اندیشه مرگ و سختی های آن هستند، دل به دنیا نمی بندند، بلکه شریک غم ها و شادی های مردم هستند؛ زیرا می دانند مرگ چنان حتمی و اجتناب ناپذیر است که اگر می شد آن را خریداری کرده، هر آینه ثروتمندان خریداری می کردند. (۴)

۱- آیه ۱۴۸ بقره، آیه ۹۰ انبیا و آیه ۶۱ مؤمنون، نمونه هایی از آیاتی هستند که امر به سرعت در کار خیر، در آنها آمده است.

۲- خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۴.

۴- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۶۳.

علامه طباطبایی در این باره می گوید:

تأثیر اعتقاد به مرگ و یادآوری آخرت در فکر انسان، این است که آدمی به خود و دیگران واقع بینانه می نگرد و خود را جزئی از اجزای این جهان گذران می داند که در مجموع به سوی یک جهان جاوید و ابدی در حرکت هستند. (۱)

بدون شک، کسی که با این دید و اندیشه به جهان بنگرد، هیچ گاه از انجام کارهای خیر برای دیگران غافل نمی ماند.

امام کاظم (ع) در یکی از دعاهایش از خداوند درخواست می کند: «خداوندا! برایم حالت آمادگی برای مرگ و توفیق در انجام کار خیر پیش از مرگ را عنایت فرما». (۲)

## ۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی

### اشاره

۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی

زیر فصل ها

الف) طغیان غرایز

ب) بدبینی به خداوند

ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت

د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا

موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه

### الف) طغیان غرایز

الف) طغیان غرایز

در وجود انسان غرایز و کشش هایی وجود دارد که منشأ کارها و رفتار فردی، اجتماعی، مادی و معنوی هستند. برخی از بزرگان این غرایز را به سه زمینه اصلی حب بقا، حب کمال و لذت جویی تقسیم می کنند که از هر یک از آنها، شاخه ها و فروعی گوناگون می روید. (۳)

غرایز باید کنترل و تعدیل شود و بهترین نیروی تعدیل کننده، مرگ اندیشی و باور داشتن جهان آخرت است. آشکار است

کسی که مرگ را نیستی و نابودی می داند یا در اندیشه آن نیست، طغیان غرایز، او را به سوی لذت جویی های زودگذر دنیایی و... می کشاند و انسان از زندگی چیزی جز خوردن و خوابیدن و درآوردن و مصرف کردن درک نخواهد کرد. (۴)

---

۱- مجموعه مقالات، ص ۱۳۲.

۲- تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، بلد الامین، ص ۳۹۲.

۳- مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۴۲. ۴۳.

۴- مکارم شیرازی، پیام قرآن، چ ۵، ص ۴۳۷.

انسانی که به یاد مرگ نباشد، گرایش‌ها و غرایز سرکش او فزونی می‌یابد و از انجام کارهای خیر بازمی‌ماند. (۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که طغیان‌گری در طبیعت انسان وجود دارد، مگر اینکه به واسطه یاد مرگ، آن را مهار کند. (۲)

در قرآن کریم آمده است:

الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ. (یونس: ۱۱)

کسانی که امید به لقای ما ندارند، در طغیان خود سرگردان هستند [یعنی چنان بدون هدف به سرکشی خود ادامه می‌دهند که مرزی را نمی‌شناسند].

### (ب) بدبینی به خداوند

(ب) بدبینی به خداوند

انسانی که به یاد مرگ نیست، دل بستگی او به دنیا زیاد می‌شود و به مرگ و زندگی پس از آن کمتر می‌اندیشد. این افراد هنگام فرا رسیدن مرگشان دلهره و اضطراب و ترس به سراغشان می‌آید و به خاطر عواقب گناهیانی که مرتکب شده‌اند، به بخشش الهی بدبین و ناامید می‌شوند. این در حالی است که در روایات فراوان تأکید شده است که انسان مؤمن هنگام مرگ، با خوش بینی به خداوند جان می‌دهد. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره روایت شده است: «لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ؛ هیچ یک از شما نمی‌میرد، مگر اینکه به خداوند خوش بین باشد». (۳)

از نظر تأثیرگذاری، بدبینی به خداوند چنان خطرآفرین است که ممکن است در لحظه آخر، انسان را به نومییدی از رحمت خداوند کشاند و گوید: «من اهل عذاب و جهنم هستم» و این گونه نومییدی، از گناهان کبیره حساب می‌شود. (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۸.

۲- تحف العقول، ص ۱۸؛ خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۴۲.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۱۷.

۴- درس‌هایی از اخلاق اسلامی، ص ۲۷۴.

حضرت علی (ع) می فرماید:

کسی که در این دنیا به یاد مرگ نباشد، خود را برای پذیرش مرگ آماده نمی کند و در هنگام مرگ با ترسی که دارد، به افکار و گمانه زنی های خود تکیه می کند و جهت گناہانی که انجام داده است، بخشش خداوند بدین می شود. (۱)

### ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت

ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت

افرادی که به یاد مرگ و زندگی پس از آن نیستند، مرگ برایشان هول انگیز و وحشتناک است و همه چیزشان را به واسطه مرگ در معرض فنا و نیستی می بینند. (۲)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرزندان آدم، آماده روبه رو شدن با مرگ و جهان آخرت نیستند، حال آنکه اگر اندیشه کنند، مرگ آغاز راحتی برای مؤمن است. (۳)

مرگ برای افرادی که در اندیشه آن نیستند، ناشناخته است و به آسانی حاضر نیستند که تسلیم مرگ شوند. در روایتی نقل شده است:

یکی از یاران امام هادی (ع) در بستر مریضی قرار گرفت. امام به عیادت او رفت و مشاهده کرد که او هیچ گونه آمادگی برای مرگ و ورود به جهان آخرت ندارد. امام به او فرمود: ای بنده خدا! از مرگ و ورود به جهان آخرت می ترسی؟ برای این است که درباره آن اندیشه نکردی و نمی دانی که مرگ چیست. مرگ چیزی است که با آن از تمام غصه ها و آزار و اذیت ها و سختی های دنیا نجات پیدا می کنی و به تمام لذت ها و شادی ها و خوشی ها می رسی. (۴)

۱- ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی سید رضی، خصایص الائمة، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۱۰۹.

۲- پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۲۷.

۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۷۴.

۴- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۵۶.



امام جواد (ع) نیز می فرماید: عده ای به دلیل نیندیشیدن به حقیقت مرگ از آن می ترسند. اگر آنها تفکر می کردند، هر آینه می دانستند که «إِنَّ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا؛ آخرت برای آنان از دنیا بهتر است»<sup>(۱)</sup>.

بنابراین، یکی از پیامد های دوری از مرگ اندیشی این است که انسان از قدم گذاردن در جهان آخرت در هراس است و هنگام جدا شدن از این دنیا گویا سفر بی هدف و نامعلوم و آزاردهنده ای آغاز می کند و بسیار روشن است که وارد شدن در چنین جایگاهی برای انسان، جز ترس و هراس نخواهد داشت. در حالی که اگر او درباره مرگ می اندیشید، این وضعیت را نداشت، از این رو، تحیر و سرگردانی او را فرا می گیرد.<sup>(۲)</sup>

#### (د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا

(د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا

یکی از بدترین و دردناک ترین پیامد های دوری از مرگ اندیشی این است که انسان در همین دنیا عذاب های آخرت را آماده می کند. از قرآن کریم و روایات امامان معصوم (ع) مشخص می شود که در روز قیامت، انسان با همان هویتی که در دنیا برای خود ساخته محشور می شود. بنابراین، اگر کسی به دلیل فراموش کردن مرگ و زندگی آخرت، هویت انسانی خویش را در دنیا از دست بدهد و در حیوانیت غوطه ور شود، در روز قیامت با همان صورت حیوانی محشور خواهد شد و به شکل سگ، گرگ یا مورچه و... وارد صف محشر خواهد شد... ولی باز همه او را خواهند شناخت.<sup>(۳)</sup>

در این زمینه برخی آیات و روایات وجود دارد که ریشه برخی عذاب های آخرت را در فراموشی مرگ و آخرت می دانند و در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می شود. خداوند در سوره جاثیه در این باره می فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶.

۲- جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسراء، ص ۲۲۰.

۳- معاد در قرآن، ص ۸۳.

وَ إِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُشْتَقِقِينَ وَبَيَّأْتُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ. (جاثیه: ۳۲ \_ ۳۴)

هنگامی که گفته می شد: وعده خداوند حق است و در قیامت هیچ شکی نیست، شما می گفتید: ما نمی دانیم قیامت چیست، ما تنها گمانی در این باره داریم و به هیچ وجه یقین نداریم، و بدی های اعمالشان بر آنها آشکار می شود و سرانجام آنچه را مسخره می کردند آنها را فرا می گیرد و به آنها گفته می شود: امروز شما را فراموش می کنیم، همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یآوری ندارید.

از این آیات، با صراحت، پیوند میان اندیشه و عملکرد انسان در این دنیا و جهان آخرت نتیجه گرفته می شود و اینکه به فراموشی سپردن دادگاه عدل الهی در قیامت، سرچشمه انواع آلودگی و فساد است. (۱)

خداوند در آیه دیگری نیز در این باره می فرماید:

فَذُوقُوا بِمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. (سجده: ۱۴)

بچشید [عذاب جهنم را] برای اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم. بچشید عذاب جاودان را به دلیل اعمالی که انجام می دادید.

خداوند در سوره ص نیز می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ. (ص: ۲۶)

کسانی که از راه خدا گمراه شوند، به خاطر فراموش کردن روز حساب، عذاب شدید دارند.

از این آیات و آیات دیگر، می توان دریافت که میان کردار انسان در این دنیا و سرنوشت او در آخرت رابطه ای منطقی وجود دارد و تمام خوبی ها و خوشی های آخرت و نیز عذاب در آنجا در همین دنیا فراهم می گردد.

### موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه

موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه

با توجه به رهنمودهایی که جهت ترویج مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن در این بخش ارائه گردید، بسیار مناسب است که دست اندرکاران صدا و سیما برای در امان ماندن از آسیب های مرگ اندیشی و بدآموزی هایی مانند دوری جستن از کسب و تلاش، ناامیدی و زهدگرایی های ناپسند و غیره، در برنامه هایشان به امور ذیل توجه کنند:

۱. تبیین دنیای مذموم و غیر مذموم از دیدگاه اسلام در قالب میزگردها در اموری مانند:

الف) رابطه میان کسب سعادت مندی در این دنیا و جهان آخرت؛

ب) رابطه میان کردار ناشایست در این دنیا و عذاب های آخرت؛

ج) چگونگی بهره مندی صحیح از نعمت های خداوند در این دنیا و کار آمدی آن در جهان آخرت؛

د) تأثیر برخی اعمال ناشایست در این دنیا و در پی آن مرگ و میرهای زودرس و دسته جمعی؛

هـ) عوامل برطرف شدن کوتاهی عمر با انجام اعمال نیک.

تأکید می شود که کارشناسان باید در هر یک از موارد بالا از آیات قرآن و روایاتی که در متن آمده است و همچنین آیات و روایات فراوان دیگر که در منابع دینی وجود دارد، استفاده کنند.

۲. انتخاب احادیث کوتاهی مانند:

«أَلَدُّنَا مَرْعَهُ الْأَخْرَهُ؛ دنیا مزرعه آخرت است.»

«أَلَدُنِّيَا مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ دُنْيَا مَحَلِّ تِجَارَتِ دُوسْتَانِ خُدَايَسْت.».

«أَلَدُنِّيَا سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَيْرٌ الْآخِرُونَ؛ دُنْيَا بَازَارِي اسْتِ كِهْ گِرُوهِی دَرِ آنْ سُودِ بَرْدَنْدِ وَ گِرُوهِی دِیْگَرِ زِیَانِ دِیْدَنْد.».

از این احادیث می توان در زیرنویس های تلویزیون در مناسبت های مختلف استفاده برد.

۳. تبیین درست هدف های خداوند از خلقت انسان مانند:

الف) بیان راه های شناخت خداوند و اینکه سرنوشت انسان در دست اوست؛

ب) بیان اینکه هواهای نفسانی و تکبر، انسان را از شناخت خداوند و مرگ اندیشی باز می دارد؛

ج) تقویت امید به پاداش ها و نعمت های خداوند به کارهای نیک انسان و اینکه تمام اعمال کوچک و بزرگ انسان در پیشگاه خداوند محفوظ است؛

د) بیم و انذار دادن درباره کارهای ناشایست و اینکه آثار این گونه کردارها، هنگام مرگ برای انسان آشکار می شود.

**کتاب نامه**

کتاب نامه

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، اسوه.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۲. \_\_\_\_\_، التوحید، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴.
۳. \_\_\_\_\_، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
۴. \_\_\_\_\_، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴.
۵. \_\_\_\_\_، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۶. \_\_\_\_\_، علل الشرایع، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۷. \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۸. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بی جا، انتشارات ذوی القربی، ۱۹۶۹ م.
۹. ابی الحسن، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ هـ. ق.
۱۰. ابی بکر، محمد بن عبدالله بن ابی الدنیا، المحتضر، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۱۱. احسانی، ابن ابی جمهور، عوالی الثالی، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۱۳. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.
۱۴. المیری، عبدالوهاب، دائرهالمعارف یهود و یهودیت، ترجمه: مؤسسه مطالعات و پژوهش های خاورمیانه، دبیرخانه کنفرانس بین المللی فلسطین، ۱۳۸۳.

١٥. امام جعفر صادق (ع)، مصباح الشريعة، مؤسسه العلمى للمطبوعات، ١٤٠٠هـ. ق.

١٦. امام زين العابدين (ع)، صحيفه سجاديه، ترجمه: محمد تقى خلجى، بى جا، انتشارات پيام مهدى، ١٣٨٢.

١٧. اهوازى، ابو محمد حسين بن سعيد، الزهد، بى جا، چاپ سيد ابوالفضل حسينيان، ١٤٠٢ هـ. ق.

۱۸. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹هـ. ق.
۱۹. برقی، احمد بن ابی عبدالله، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۰. برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
۲۱. بهاری همدانی، شیخ محمد، تذکره المتقین، تحقیق: علی افراسیابی، بی جا، انتشارات نهانندی، ۱۳۸۵.
۲۲. پاشنک، مصطفی، ریشه یابی واژگان فارسی، تهران، انتشارات محور، ۱۳۷۷.
۲۳. تاج الدین شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۳.
۲۴. ترمذی السلمی، محمد بن عیسی، السنن ترمذی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. تستری، سیدنورالله، ملحقات احقاق الحق، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
۲۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۷. تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵.
۲۸. جعفری، محمدتقی، پیام خرد، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۳.
۲۹. \_\_\_\_\_، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، قم، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۰. \_\_\_\_\_، در محضر حکیم، گردآورنده: علی جعفری، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۱.
۳۱. \_\_\_\_\_، عرفان اسلامی، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۸.
۳۲. جلالی مقدم، مسعود، کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴.
۳۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۲.
۳۴. \_\_\_\_\_، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۳۵. \_\_\_\_\_، معاد در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۰.

۳۶. چاپدستر، دیوید، شور جاودانگی، ترجمه: غلام حسین توکلی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰.

۳۷. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۳۸. حرانی، حسن بن علی بن حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ. ق.



۳۹. حسینی تهرانی، سید محمدحسین، معادشناسی، تهران، حکمت، ۱۳۶۱.
۴۰. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، بی تا.
۴۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵هـ.ق.
۴۲. الدارمی، عبدالله بن بهرام، السنن، دمشق، مکتبه الاعتدال، بی تا.
۴۳. داورپناه، ابوالفضل، تفسیر انوار العرفان، تهران، کتاب خانه صدر، بی تا.
۴۴. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱.
۴۵. دیل، هالینک، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
۴۶. دیلمی الشیخ حسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البیت، قم، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۴۷. دیلمی، حسن ابن الی الحسن، ارشاد القلوب، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲هـ.ق.
۴۸. دیوان منسوب به امام علی(ع)، ترجمه: مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام، بی جا، بی تا.
۴۹. راغب، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.
۵۰. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷هـ.ق.
۵۱. زمخشری، محمود، الکشاف، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷هـ.ق.
۵۲. ژکس، فلسفه اخلاق، ترجمه: سید ابولقاسم پور حسینی، انتشارات امیر کبیر، بی تا.
۵۳. سبحانی، جعفر، معاد انسان و جهان، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۳.
۵۴. \_\_\_\_\_، منشور جاوید، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۹.
۵۵. \_\_\_\_\_، خدا و معاد، تلخیص و تنظیم: رضا استادی، قم، انتشارات توحید، ۱۳۶۰.
۵۶. سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۵۷. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی، خصائص الائمه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶هـ.ق.

۵۸. سید علی خان، ریاض السالکین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ هـ.ق.

۵۹. سید عبدالله، الاخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.

۶۰. شجاعی زند، علیرضا، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلام، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.

۶۱. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ هـ.ق.

۶۲. شهید ثانی، اندرزنامه، ترجمه: حسین قهستانی، انتشارات نهانندی، ۱۳۸۰.
۶۳. شیخ مفید، الارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۶۴. \_\_\_\_\_، امالی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۶۵. \_\_\_\_\_، تصحیح الاعتقاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۶۶. صداقت، علی، آفتاب خوبان، قم، نشر بقیه‌الله.
۶۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶.
۶۸. \_\_\_\_\_، مفاتیح الغیب، ترجمه: محمدجواد خواجویی، تهران، انتشارات مولا، ۱۳۸۴.
۶۹. طاهری، حبیب الله، درس‌هایی از اخلاق اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
۷۰. طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲.
۷۱. \_\_\_\_\_، معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، تحقیق: مرتضی متقی نژاد، قم، انتشارات عصر غیبت، ۱۳۸۲.
۷۲. \_\_\_\_\_، مجموعه مقالات، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۷۳. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، نجف الاشرف، طبع دارالنعمان، بی تا.
۷۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تهران، دار الفقه، ۱۴۲۵ هـ. ق.
۷۵. طبری، ابوجعفر محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳.
۷۶. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، ۱۳۶۷.
۷۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، امالی، قم، انتشارات دارالثقافه، بی تا.
۷۸. \_\_\_\_\_، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الاحیا التراث العربی، بی تا.
۷۹. \_\_\_\_\_، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ. ق.
۸۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید (یک جلد)، بی جا، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۶۲.

۸۱. فتال نیشابوری، محمد بن حسین، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۸.

۸۲. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، بیروت، دار الاحیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰هـ.ق.

۸۳. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجّه البیضا، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ هـ.ق.

۸۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۸۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم، چاپ دارالاسوه، ۱۴۲۲هـ.ق.

۸۶. قمی، علی بن محمد خزاز، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱هـ.ق.

۸۷. کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، قم، انتشارات دار الذخائر، ۱۴۱۰هـ.ق.
۸۸. کربلایی، شیخ جواد، الانوار الساطعه، دارالحدیث، بی تا.
۸۹. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، بلد الامین، بی جا، بی تا.
۹۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۹۱. کمپس، توماس، اقتدا به مسیح، ترجمه: سعید عدالت نژاد، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
۹۲. کهن، آبراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
۹۳. گروه مترجمان، فرهنگ تاریخ اندیشه ها، تهران، انتشارات سعادت، ۱۳۸۵.
۹۴. گریفین، دیوید، خدا و دین در جهان پسامدرن، ترجمه: حمیدرضا آیت اللهی، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
۹۵. گیلانی، عبدالرزاق، شرح مصباح الشریعه، انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷.
۹۶. مالرب، میشل، انسان و ادیان، ترجمه: مهران توکلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
۹۷. مترلینگ، موریس، مرگ، ترجمه: فرامرز برزگر، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۶.
۹۸. مجتوبی، سید جلال الدین، علم اخلاق اسلامی، «ترجمه جامع السعادات»، بی جا، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷.
۹۹. مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۰۱. مصباح یزدی، محمد تقی، پند جاوید، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۱۰۲. \_\_\_\_\_، درآمدی بر آموزش عقاید، قم، دارالعلم، ۱۳۷۷.
۱۰۳. \_\_\_\_\_، معاد، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۱۰۴. \_\_\_\_\_، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷.
۱۰۵. \_\_\_\_\_، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۱۰۶. \_\_\_\_\_، بر درگاه دوست، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۶.

۱۰۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴ و ۱۶، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۱۰۸. معرفت، محمد هادی، فرضیه بازگشت روح، ترجمه: سید نصرالله مقدم، بی جا، مؤسسه امام صادق، بی تا.

۱۰۹. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۱۱۰. مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی نشان ها، چاپ جمهوری.

۱۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۰.
۱۱۲. ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه: ابراهیم محدث بندرریگی، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶.
۱۱۳. \_\_\_\_\_، اسرار الصلاه، ترجمه: رضا رجب زاده، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸.
۱۱۴. موسوی خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۱۵. \_\_\_\_\_، اسرار الصلاه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۱۶. موسوی لاری، سید مجتبی، مبانی اعتقادات در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۱۷. مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه: مسیح مهاجری و محمدباقر انصاری، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱.
۱۱۸. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
۱۱۹. ناس، جان، تاریخ جامع الادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات پیروز، بی تا.
۱۲۰. نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، حلب، مکتبه للمطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶هـ. ق.
۱۲۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸هـ. ق.
۱۲۲. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه، بی تا.
۱۲۳. ویلسون، برایان، دین مسیح، ترجمه: محسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

